

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۴۰۴، سه شنبه اول آبان ۱۳۹۷ - ۲۳ اکتبر ۲۰۱۸

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد ظاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیانیها

در این شماره می خوانید:

اعتصاب رانندگان؛ آثار و تجربیات - منصور امان ... ص ۲

همگانی شدن فقر و اعتلای جنبشهای اجتماعی - زینت میرهاشمی ... ص ۵

چرا باید برای سوسیالیسم مبارزه کرد: پاسخ به چند پرسش (بخش اول) - لیلا جدیدی ... ص ۷

رویدادهای هنری (مهر ۹۷) - فتح الله کیانیها ... ص ۱۲

«درخلیج تاول و خون» - م. وحیدی (م. صبح) ... ص ۱۷

میلاد - م. وحیدی (م. صبح) ... ص ۱۷

دانشگاه در ماهی گذشت (مهر ۹۷) - کامران عالمی نژاد ... ص ۱۸

زنان در مسیر رهایی - اسد ظاهری ... ص ۲۳

کارورزان سلامت (مهر ۱۳۹۷) - امید برهانی ... ص ۲۷

چالشهای معلمان در مهر ماه ... ص ۳۱

بحران بی آبی و خیزش تشنگان (مهر ۱۳۹۷) - زینت میرهاشمی ... ص ۳۷

دبیرخانه شورا: سخنرانی خامنه ای در جمع بسیجیان، آئینه تمام نمای استیصال رژیم آخوندی... ص ۴۱

بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی بند ۸ اوین و زندان رجایی در محکومیت مجازات اعدام ... ص ۴۲

نامه مریم اکبری منفرد، گلرخ ایرایی و آتنا دانمی به گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران ... ص ۴۳

دلنوشته آتنا دانمی از زندان خطاب به مادرش به مناسبت چهارمین سالروز دستگیری ... ص ۴۴

درگیری سنگینی میان پیشمرگان کوردستان و سپاه منفور پاسداران ... ص ۴۶

یونان و دروغ "غلبه" بر بحران مالی ... تله پولیس - برگردان: بابک ... ص ۴۷

جنبش رنگین کمان بیشماران در مهر ۱۳۹۷ - زینت میرهاشمی ... ص ۴۹

تبهکاری در ایران، ریاکاری برای قتل جمال خاشقجی - مهدی سامع ... ص ۶۰

در سوگ فقدان رفیق بیژن هیرمن پور - مهدی سامع ... ص ۶۲

شهادت فدایی در آبان ماه ... ص ۶۳

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

اعتصاب رانندگان: آثار و تجربیات

منصور امان

اعتصابهای سراسری و همزمان که ماه گذشته صحنه های سیاسی و اجتماعی کشور را به تسخیر خود درآورد، مرحله جدیدی را از مبارزه توده ها و اقشار گوناگون علیه شرایط وخیم زیست و معیشت خود و علیه عاملان آن آغاز کرد که بیش از همه نشانه های قدرتمندی از ژرفش اجتماعی و نیز تکامل اشکال مبارزه را به نمایش می گذارد. بر تارک اعتلای مهر ماه، دُومین اعتصاب رانندگان قرار دارد؛ حرکتی که روند پیشرونده اعتراضها را به جلو راند و موجب شکل گیری بستری برای عینیت یافتن و جاری شدن همبستگی مبارزاتی اقشار در میدان گردید. مبارزه آنان دربرگیرنده تجربیات مُشخص و همچنین آموزه های عامی است که توجه به آنها به ویژه با نگاه به موج خروشان اعتراضها و اعتصابهایی که در کمین دستگاه حاکم نشست، دارای اهمیت می باشد.

اعتصابی بر متن تجربه مبارزاتی خرداد

دور تازه اعتصاب رانندگان و کامیون داران بر زمین سفت یک آگاهی کسب شده از اعتصاب خرداد ماه ایستاده بود. هیچیک از وعده های مجلس، دولت و آرگانهای زیر مجموعه اش به واقعیت نپیوست، خواسته های مُبرم اعتصابیون بی پاسخ ماند و آنها با مُشکلاتی که زندگی و معیشت شان را تهدید می کند، به حال خویش رها شدند. رانندگان و کامیون داران در عوض با این تجربه روبرو شدند که عملی ترین واکنش حکومت به مُطالبات شان، فشارهای امنیتی و پلیسی، اجیر کردن اعتصاب شکن و تبلیغات دروغین و تحریک آمیز علیه آنها است.

اعتصاب خرداد به گونه روشن تری به رانندگان و کامیون داران نشان داد که طرف حساب آنها کیست و دست حمایت قانونی و قهری چه کسی در پس مُشکلات شان نهفته است. دولت به آنها ثابت کرد که قوه اجرایی تدبیرها و راهکارهایی است که زندگی شان را سخت تر می کند و مجلس به آنان آموخت که قوانین آن برای فرادستان وضع شده است و علیه فرودستان به کار گرفته می شود. "دُشمن ما همینجاست"، این چکیده و بیان آگاهی مزبور است.

با وجود سر باز زدن حکومت از شناسایی و حل مُشکلات رانندگان و کامیون داران، اعتصاب خرداد آنها را از خواسته های شان دور نکرد، بلکه با نمایاندن قُدرت صنفی و اقتصادی این بخش، راه را برای مُبارزات گسترده تر و تاثیرگذار تر هموار کرد. این واقعیت را می توان در اعتصاب کنونی مشاهده کرد. آنها توانستند به گونه گسترده تری از پیش با یکدیگر حتی در دور افتاده ترین شهرها ارتباط برقرار کنند و مساله مرکزی هر اعتصاب همگانی یعنی ارتباطات را با وجود فقدان تشکیلات اتحادیه ای و سندیکایی فراگیر حل و فصل کنند. به مُوازات آن، نکته ای که در این اعتصاب به گونه برجسته تری رُخ نمود، افزایش توان سازماندهی، پیشبرد هماهنگ آن و تنظیم امور جاری اش به طور روزانه است. تجربه اعتصاب کنونی در هر دو زمینه ارتباطات و مدیریت، راهنمایی برای مُبارزات هماهنگ دیگر بخشهای جامعه بود که در میدان حضور دارند و با چشم باز رویدادها را مُرور می کنند.

تأثیرات

ضربه اعتصاب رانندگان کامیون بر پیکر رژیم فاسد و سُست بنیاد حاکم و آثار اجتماعی و اقتصادی آن بسا سخت تر و عذاب آورتر از آن بود که در کابوسهایش می دید. این واقعیت را می توان در تکاپوی آشفته و مُضحک "نظام" که در بازوی امنیتی و دستگاه قضایی آن تمرکز یافت، به روشنی مشاهده کرد.

تنها یک هفته پس از آغاز اعتصاب سراسری، تأثیرات اقتصادی آن بر دیگر بخشهای مُرتبط همچون بازار، صنایع، انرژی و حمل و نقل شهری و جاده ای آشکار گردید. مُهمترین گذرگاههای ورود کالا تعطیل شدند، چرخ صنایع بزرگ بر اثر نرسیدن مواد اولیه و سوخت یا انباشته شدن تولیدات از حرکت باز ایستاد، صف خودروها در برابر پُمپ بنزینها طولانی تر و

قفسه فروشگاهها هر روز کمی بیشتر خالی شد. همزمان، این فرآیند دستگاه اداری حکومت را زیر ضرب برد و فشار تحمل ناپذیری را به طور روزانه متوجه آن کرد.

زاویه سهمگین تر اعتصاب اما تاثیرات اجتماعی آن است. جامعه ایران در تب و تاب تحوّل بسر می برد و تمام زوایای زندگی صنفی و روزمره اش در جوششی اعتراضی به تحرک درآمده است. در این بستر که هر روز امواج مقاومت و مبارزه بخشهای بیشتری از جامعه در آن روان می گردد، هر حرکت بزرگ یا کوچک اعتراضی، نیروی دوجندانی است که بخشهای ساکن را به تحرک وامی دارد، به بخشهای فعال اعتماد به نفس می دهد و بدینگونه روند پویای موجود را شتاب بیشتری می بخشد.

از سوی دیگر، حکومت با به میدان آوردن تَفنگ و پُلّیس، دادگاه و دژخیم برای سرکوبی خواسته های جامعه و به موازات آن با تصویب آیین نامه ها و قوانینی برای رویارویی با مُعترضان و حفظ وضع ناعادلانه و ستمگرانه موجود، به روشنی ارتباطی که بین خواسته های اقتصادی با سیاست حاکم وجود دارد را به تماشای همگانی گذاشته است. این رویکرد خواست و عمل اقتصادی را به خواست و عمل سیاسی متحول ساخته و نیروی اعتصابی و مُعترض را به سطح یک قدرت سیاسی در توازن و کشمکش بین "بالا" و "پایین" فراز داده است.

نیروی آزاد شده، نیروی بالقوه

مفهوم دیگر این کنش مُتقابل، شتاب یافتن چرخه رویارویی در هر دو سوی میدان است؛ حکومت با شدت بیشتری به سرکوبی افشار مُعترض می پردازد و نیروی سیاسی و پُلّیسی بیشتری را وارد میدان می کند و در سوی دیگر نیز گستره اعتراضها پهناورتر می شود، وزن سیاسی مُطالبات سنگین تر شده و حاکمیت به گونه بی واسطه ای آماج حمله قرار می گیرد.

تفاوت بین این دو نیروی مُتخاصم در آن است که در حالی که ظرفیت اقتصادی، سیاسی و روانی "نظام" محدود است، مرزهای گنجایش مقاومت و مبارزه جامعه نه فقط حیات اقتصادی کشور، بلکه بیش از آن فضای تنفسی حکومت، دستگاه بوروکراسی و آرگانهای قهر آن را درمی نوردد.

ناگفته پیداست که مسیر عینیت یافتن و به کار افتادن این توانایی بالقوه، همبستگی افشار مُعترض و کوشش یکپارچه آنها است. انتهای پیروز این مبارزه و به گُرسی نشانده شدن خواست و اراده ای که آن را به پیش می راند، در گرو رزم مُشترک و پیوند مبارزاتی همه نیروهای اجتماعی، افشار و طبقاتی است که جان به لب شده اند و در جُستجوی راه حل به میدان آمده اند.

مردم مُعترض از هر صنف و قشر نه فقط در آماج قهر و کینه حکومت قرار گرفتند، بلکه فراتر از آن، در چگونگی رقم خوردن آینده و لمس زندگی بهتر و انسانی تر سرنوشت مُشترکی دارند. مبارزه همبسته رانندگان و کامیون داران رُشد این آگاهی را که از ماههای پیش در جنبشهای مبارزاتی آغاز گردیده، تقویت کرد. ضرورت و نیاز فراتر رفتن از مبارزه انفرادی و جداگانه و ایجاد قدرت جمعی و مؤثر در برابر قدرت یکپارچه حکومت به مثابه یک طبقه، چونان سایه همراه این جنبشها در حرکت است و با هر اعتراض تازه، حضور پُر رنگ تری می باید. شاهد این تحول اعتصاب دو گردان نیرومند و تاثیرگذار اجتماعی، بازار و معلمان، زمان کوتاهی پس از اعتصاب رانندگان و همزمان با آن است.

پیش از این، جنبش اعتراضی شاهد تقویت ویژگی همبستگی صنفی در اعتراضات بود که به گونه برجسته در اعتصاب کارگران ابنیه راه آهن و اعتصاب بزرگ کردستان بازتاب یافت. در جریان اعتصاب کنونی زحمتکشان جاده اما صداهایی که خواهان همبستگی افشار دیگر با آنها شدند، این بار رسا تر از گذشته به گوش می رسید. این امر فقط نشانه ای از آمادگی مبارزاتی بخشهای گوناگون جامعه نیست، بلکه همچنین گذار تدریجی از مبارزه اقتصادی بخشها و واحدهای منفرد به مبارزه عمومی و روبرو شدن با حاکمیت فرادست به مثابه قدرت "پایین" را مَهر کرده است. همچنان که این مبارزه مُتحدانه و سراسری در شکل به صراحت سیاسی است، در مضمون نیز پله ای برای فراتر رفتن از خواسته های صنفی به شمار می آید.

تکامل از دی به مهر

بر متن این آگاهی آنچه که حاکمان ایران به سختی از آن هراس دارند، روی داد و اعتصاب و مقاومت متحد یک لایه صنفی از جامعه، بخشهای دیگر را نیز به همینگونه یکپارچه و هماهنگ به میدان آورد. بیش از دو هفته پس از اعتصاب متحدانه رانندگان و کامیونداران، آثار اجتماعی آن در شکل اعتصاب بازاریان در دهها شهر کشور پدیدار گردید و در پی آن معلمان نیز به اعتصابها پیوستند.

این مبارزات رژیم حاکم را به ویژه از آن رو به وحشت می اندازد که شانه به شانه یکدیگر علیه وضع موجود صورت می گیرد. پیوستن اقشار دیگر به مبارزه رانندگان کامیون به روشنی نشان می دهد که جنبشها و حرکتهای اعتراضی یک گام دیگر به جلو برداشته اند و پس از شکل گیری آگاهی صنفی در بطن آنها که خود را در اعتصابات و اعتراضهای پُر شمار اما پراکنده به نمایش می گذاشت، اینک به تدریج به درک قدرت جمعی و آگاهی به نیروی تغییر دهنده آن دست می یابند. اگر در دی ۹۶ این توده معترض بود که به خیابان آمد، در مهر ۹۷ اقشار همبسته هستند که نام خود را بر پرچم جنبش اعتراضی نوشته اند. آنها که در برنتابیدن وضع موجود و اعتراض بدان نقطه پیوند خود را یافته بودند و از پایگاه خیابان به حرکت درمی آمدند، امروز گرد منشور مبارزاتی خویش متشکل می شوند و از ستادهای همبستگی صنفی پا به میدان می گذارند. تنها در فاصله چند ماه سرخوردگی از شرایط فلاکت بار کار و زندگی، به نیروی تغییر و اشتیاق و اراده برای مادی کردن آن تحول یافته است.

رژیم ولایت فقیه با توجه به تحول ذهنی جامعه معترض و برای جلوگیری از سرایت اعتصاب رانندگان به دیگر اقشار اجتماعی و شکل گیری همبستگی مبارزاتی، این بار با شدت بیشتری به رویارویی با آنها شتافته است. با این حال بی نتیجه بودن یورش بیرحمانه و خشن آن به اعتصابیون و فرسایش کارزار امنیتی و قضایی آن به تدریج در حال آشکار شدن است. این امر خود را نه فقط در فراگیر شدن اعتصابها، بلکه در عقب نشینی در برابر مطالبات یک بخش از اعتصابیون به نمایش گذاشت. حاکمیت به اجبار به یکی از خواسته های مهم رانندگان و کامیونداران که مُزد عادلانه بر اساس مُحاسبه کرایه حمل بار بر اساس وزن و مسافت بود، تن داد.

این موفقیت مرحله ای تجربه انگیزاننده ای برای دیگر بخشهای جنبش اجتماعی است و به آنها قدرت جمعی اقشار متحد را نشان می دهد که به خوبی در موقعیتی هستند که در یک نبرد چشم در چشم، حکومتی که پول، زور، باتوم و زندان را به گونه انبوه در اختیار دارد، به عقب برانند و اراده شان را به گرسی بنشانند.

برآمد

توانایی جنبشهای اعتراضی برای تدارک، سازمان دادن، پیش بردن و اداره مقاومت و مبارزه جمعی و متحدانه، این واقعیت را برای همه اقشار و کسانی که نه می توانند و نه می خواهند همچون سابق زندگی کنند، ملموس ساخت که قدرت حکومت مُطلق نیست، او به اندازه ضعف آنها قدرتمند است. آنها اکنون می بینند که چگونه تصویر مخدوشی که حاکمیت از خود ترسیم می کند، با نخستین نشانه های غلبه جامعه بر ترس، پراکندگی و انفراد محو می شود و اقتدار مبتنی بر نیروی ویژه، اطلاعات و اوین زیربنای خود را از دست می دهد.

اعتصابها و شکل گیری مقاومت در برابر حکومت ستمگر و تحمیلات آن، وجود تاثیر گذار قدرت "پایین" را هم به حکومت و هم به جامعه و نیروهای در میدان آن اثبات کرده است. این آگاهی از دی ماه به مهر ماه و مبارزه سلسله وار کارگران و حرکت پی در پی رانندگان و کامیون داران، بازاریان و معلمان تکامل یافته و همچنان به پیش می ورد.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

همگانی شدن فقر و اعتلای جنبشهای اجتماعی

زینت میرهاشمی

آغاز سال تحصیلی و راه حل دیکتاتوری دینی برای کودکان کار

در حالی که مدارس خصوصی مثل قارج رشد کرده و مدارس دولتی هم هزینه های گوناگون از جمله شهریه و ... بر خانواده ها تحمیل می کند، می توان افزایش آمار محرومیت از تحصیل به دلیل ناتوانی در پرداخت شهریه و هزینه تحصیل را پیش بینی کرد. به میزانی که کودکان از تحصیل باز می مانند آمار کودکان کار گسترش پیدا می کند. این دو ارتباط تنگاتنگ با هم دارند. بر همین منظر حکومت در افزایش کودکان کار که دستاورد فقر و تنگدستی و فقدان آموزش و بهداشت عمومی و رایگان است، نقش مستقیم دارد.

راهکارهای ارائه شده حکومت در رابطه با معضل افزایش کودکان کار نه به از بین بردن این شغل استثمارگرانه بلکه کمک به مخفی کردن بیشتر این کار استثمارگرانه می کند. بر اساس آخرین داده آماری رئیس شورای شهر تهران، ۱۷ هزار کودک کار در تهران مشغول به کار هستند. این آمار فقط مربوط به تهران است. تاکید کنم که داده های آماری رژیم همیشه کمتر از آمار واقعی است به ویژه در مواردی که نفع خود را در پنهان کاری بیشتر می داند. رئیس شورای شهر تهران به یکی از راه حلها اعتراف می کند. وی می گوید: «در جمع آوری کودکان کار روشی بود که خیلی ها آن را نمی پسندیدند و وقتی این کودکان را از خانواده ها یا کسانی که آنها را استثمار می کنند و از آنها کار می کشند جدا کردیم، این جدایی در روحیه آنها تاثیر می گذارد، به دلیل اینکه این کودکان به خانواده یا افرادی که آنها را به کار می گیرند وابستگی پیدا کرده اند و اگر از آنها جدا شوند، احساس ناامنی می کنند». وی در مقابل اعتراضهای صورت گرفته به این گونه راه حلها می گوید که: «ما مانده ایم که با این گونه موارد چگونه برخورد کنیم». رژیم تلاش می کند که کودکان کار را از خیابان و مترو که در انظار عموم هستند حذف کند. در حالی که این کودکان کار در اماکن عمومی آنقدر زیاد هستند که آمار رو به افزایش آنها از چشم کسی نمی تواند پنهان بماند. به همان میزان که اختلاس، رانت خواری و فساد رشد می کند، فقر و تنگدستی تولید بیشتر کودکان کار می کند. رژیم به جای از بین بردن کار کودکان و آموزش رایگان و کمک تحصیل و دفاع از حق آنها برای برخورداری از زندگی کودکانه شان، به سرکوب آنها می پردازد. از طرفی دیگر به کار این کودکان در بازیافت زباله ها رمیت می دهد و حتا از آنها پول کارت هم می گیرد.

فاجعه واقعیت است

شرایط فلاکتبار زندگی مردم و ابعاد فاجعه اقتصادی آن چنان گسترده و آشکار است که برخی از کارشناسان حکومتی به آن اعتراف می کنند و در مورد نتایج آن هشدار می دهند.

به گزارش ایسنا، حسین راغفر، کارشناس اقتصادی در روز آدینه ۲۷ مهر گفت: «مشکلات تصمیم گیری داخلی هیچ ربطی به تحریمها ندارد، ولی تحریمها همواره بهانه ای بوده تا پول بزرگی را وارد جیب عده ای بکنیم. با دلار ۲۰ هزار و ۱۴ هزار تومان، ۱۰۹ هزار میلیارد رانت ارزی نه به جیب دولت که به جیب معدنیها، فولادیها و پتروشیمی ها وارد شده است.» این استاد دانشگاه در انتقاد به راهکارهای دولت کلیددار می گوید: «امروز از مرحله بحران گذشته ایم و مسئولان باید مانع بروز فاجعه شوند. تصمیمات درمورد نرخ ارز همزمان توسط مجلس و دولت مشخص شده است، به شکلی که عده ای نشسته اند و قیمت ها را بالا و پایین می کنند.»

نکته مهمی که در رابطه با مساله ارز وجود دارد افزایش نقدینگی است. افزایش این پارامتر اقتصادی سبب افزایش نرخ تورم می شود. بانک مرکزی با انتشار گزیده آمارهای اقتصادی حجم نقدینگی را بیش از هزار و ۶۴۶ هزار میلیارد تومان اعلام کرد. بر اساس گزارشهای منتشر شده، ۸۰ درصد این حجم عظیم نقدینگی در دست ۵ درصد از مردم ایران است. این حجم پول در اختیار تعداد اندکی از جامعه که بدون تردید افراد حکومتی و پیرامون آن هستند، به آنان امکان می دهد که از نوسانات قیمت ارز بیشترین استفاده را به جیب زنند.

همبستگی جنبشهای حق طلبانه با وجود حبس و شلاق

در ماه گذشته حرکت‌های اعتراضی معلمان و فرهنگیان همزمان با جنبش اعتراضی نیروهای کار در ابعاد سراسری و همبسته در بسیاری از نقاط ایران برگزار شد. تداوم حرکت‌های اعتراضی علیرغم سرکوب، دستگیری، شکتجه و شلاق و حکم‌های ضد بشری صادر شده علیه فعالان آن، نشان داد که فریاد حق طلبی نه تنها سر خاموشی ندارد بلکه فریاد دادخواهی هم به آن اضافه شده است. خواست آزادی معلمان زندانی و آزادی زندانیان سیاسی، به مطالبات بر حق این جنبش اضافه شده است.

حرکت اعتراضی معلمان و فرهنگیان در شکل تحصن سراسری در روز یکشنبه ۲۲ مهر و دوشنبه ۲۳ مهر، نمونه ای از همبستگی در برابر درد مشترک علیه بی عدالتی و وضع موجود بود. این حرکت با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در بسیاری از شهرهای ایران مانند، پل دختر، جلفا، شاهین شهر، مهاباد، خرم آباد، فیروز آباد، زرین شهر، بجنورد، جوانرود، ساری، کرج، ایوان غرب، تهران، اصفهان، همدان، کازرون، بابل، قزوین، پاره، اسلام آباد غرب، یزد، کرمانشاه، شیراز، مریوان، مشهد، ایلام، گناباد، تربت حیدریه، تبریز، آمل، گرمه، لامرد، سنندج، سقز، پاره، روانسر، شهرک قدس تهران، زیوه، دیواندره، تاکستان، تربت جام، سروآباد، روشکان لرستان و... علیه فقر و بی عدالتی با اعلام مطالبات صنفی و خواسته های متری و مشخصی مانند رایگان بودن تحصیل، رایگان بودن خدمات درمانی و بهداشتی و خدمات تامین اجتماعی از جمله خواسته های آنها بود. شعار آزادی زندانی سیاسی و آزادی معلمان و فرهنگیان زندانی از جمله خواسته های عمومی معلمان بود.

در حالی که تعدادی از معلمان مانند محمد حبیبی، محمود بهشتی لنگرودی و اسماعیل عبدی همچنان در زندان هستند، تعداد دیگری از معلمان و منجمله محمد رضا رمضان زاده، رئیس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان بعد از تحصن سراسری روز یکشنبه ۲۲ مهرماه دستگیر شدند.

صدور حکم شلیک به کولبران راه مقابله با شغل کولبری

در سالهای اخیر و به ویژه در ماههای اخیر زخمی کردن و یا کشتن کولبران با شلیک مستقیم گلوله از طرف نیروهای سرکوبگر رژیم، تبدیل به امری رایج شده است. حکومت دزدان به جای از میان بردن فقر و بی عدالتی در شهرهای مرزی، به طور آشکار تصمیم به از میان برداشتن کولبران، که دستاورد بی عدالتی و بی چیزی هستند، گرفته است.

در حالی که داده های آماری از زندگی کولبران، سیمای فقر و بیکاری مردم شهرهای مرزی و چرایی گسترش این شغل در میان دانشجویان، محصلان و زنان را نشان می دهد، معاون سیاسی و امنیتی وزارت کشور رژیم با قاچاقچی دانستن کولبران، ضمن پاک کردن صورت مساله، قاتلان این کولبران را به جای مجازات، تشویق می کند. حسین ذولفقاری، معاون سیاسی و امنیتی وزارت کشور رژیم در مصاحبه با ایلنا بی شرمانه می گوید: «ما دیگر چیزی به نام کولبر نداریم، این کلمه کولبر هم کلمه ای بود که نمی دانم کجا اختراع شد، هم برای خود مردم و هم برای مسئولان مشکل درست کرد.» به نظر می رسد که این پایور رژیم از اینکه کولبران پایشان را در داخل کفش برادران قاچاقچی کرده اند، خیلی خشمگین است. واقعیت اینست که کانالهای قاچاق در دست دانه درشتهای است و کولبران زخمکش و تهیدست نه می توانند رشوه دهند و نه رانت خوار و ریزه خوار هستند. اگر آنان هم از برادران قاچاقچی بودند مجبور نمی شدند که با کوله باری سنگین بر پشتهای تکیده خود از راههای صعب العبور و پُر خطر استفاده کنند.

اعتراضهای مردمی که این روزها از این نقطه ایران به آن نقطه، از شهری به شهر دیگر، از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و مهمتر از همه در کف خیابان جریان دارد، واکنشی علیه بی عدالتی، فقر و تنگدستی است که مثل گرداب هر روز جمعیت بیشتری را در خود فرو می برد. کولبری هم شغلی است که به برکت فساد ساختاری جمهوری اسلامی بیش از هر هنگام در این مناطق رشد کرده است. معاون وزیر که معنای کولبری را نمی داند مطمئنا پنبه در گوشش نیست بلکه منافعش حکم می کند که با انکار این بخش از جامعه و غیر قانونی دانستن این شغل رو به رشد، حکم شلیک به آنها را صادر کند.

چرا باید برای سوسیالیسم مبارزه کرد: پاسخ به چند پرسش (بخش اول)

لیلا جدیدی

در این نوشتار به چند پرسش پیرامون چگونگی مناسبات اجتماعی در سوسیالیسم پاسخ داده می شود.



هدف نهایی ما در مبارزه علیه نابرابری اقتصادی و اجتماعی کنونی در صورتی تحقق خواهد یافت که تلاشهایمان در مسیری قرار گیرد که امکان بر آورده شدن آرزوهای طبیعی و انسانی مان را در بر داشته باشد. گزینه سوسیالیسم به عنوان آلترناتیو در برابر هرج و مرج و چپاول سرمایه داری و اقلیت ناچیزی که با در دست داشتن قدرت اقتصادی خون اکثریت جامعه را در شیشه کرده اند، همواره هدف تبلیغات منفی قرار داشته است. ما شاهد بوده ایم که الیگارشی حاکم همه ابزار از سرکوب گرفته تا فریب و یا تهدید را به کار گرفته تا زحمتکشان و کارورزان جامعه ما را از راهی که به سوی سعادت آنان ختم می شود، منحرف کند. آنها با یادآوری شکست سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی و یا عدم اجرای آن در چین، این سیستم انسانی و رهایی بخش را در اذهان عمومی منفی جلوه داده و دایم بر این طبل می کوبند.

این نوشتار همراه با نقطه نظرات سوسیالیستهایی از میان اندیشمندان، فعالان چپ، زندانیان سیاسی، دانشجویان کارگران و

غیره در ایران و جهان خواهد بود و به برخی از پرسشهایی که در مقابل سوسیالیستها نهاده می شود پاسخ می دهد، از جمله:

فقر چگونه تولید می شود؟

چرا سوسیالیسم سیستمی انسانی و تنها راه رفاه همگانیست

آیا ذات انسان رقابتی است؟ چگونه سوسیالیسم با این طبیعت ممکن پذیر است؟

آیا در سیستم سوسیالیستی همه یک شکل هستند؟

سیستم قضایی در سوسیالیسم چگونه خواهد بود؟

چرا نباید بین بد و بدتر را انتخاب کرد؟

چرا می گوئیم انتخابات زیر نظم سرمایه داری دمکراتیک نیست؟

چه کسانی علیه سوسیالیسم تبلیغ می کنند و چرا؟

چگونه مبارزات مان را با خواست سوسیالیسم همراه کنیم؟

چرا اقتصاد دمکراتیک یک اتوپیا نیست؟

آیا درست است که سوسیالیسم به دیکتاتوری تبدیل می شود؟

چگونه محیط زیست با سوسیالیسم حفظ می شود؟

چه کشورهایی دارای سیستم سوسیالیستی هستند؟

چند نوع سوسیالیسم وجود دارد؟

در این بخش پیرامون سه پرسش صحبت می کنیم:

۱- فقر چگونه تولید می شود؟

اقتصادی که بر پایه سود کلان سرمایه داران و دولتهای مدافع آنان عمل می کند، تاکنون بخش وسیعی از جمعیت جهان را به بدترین بحرانها کشانده است. بیکاری، کاهش مزد و حتی نپرداختن آن، نبود مددهای اجتماعی و یا قطع آن باعث فقر جامعه شده است. برخی از دولتها به فکر رفع آن با سیاست اصلاحات بر می آیند. نتیجه آن این است که اصلاحات کافی نیست و تاثیر چندانی نخواهد داشت و یا با اعمال سیاستهای ریاضت اقتصادی وضع زحمتکشان بدتر نیز می شود.



فقر و بیکاری ارتباط مستقیم با سیستم سرمایه داری دارد که در آن عموماً قدرت در دست بزرگ سرمایه داران است و آنان آنچه را تولید می کنند که دارای سودهای کلان باشد، اگر سود بزرگی در میان نباشد، آنوقت آن محصول نیز تولید نمی شود. صاحبان سرمایه ترجیح می دهند کارخانه ها و شرکتهای شان بسته

بماند و کارکنان بیکار شوند تا محصولی تولید کنند که سود زیادی از آن نبرند، حتی اگر آن محصول به شدت مورد نیاز جامعه باشد. یک سیستم سرمایه داری بر پایه سود بنا می شود و نه نیاز و به همین دلیل نیازهای جامعه برآورده نمی شود. با این حال، به طور مکرر گوش مردم را پر می کنند که سرمایه داری تنها سیستم مفید به حال جامعه است و سرمایه داران لطف می کنند که ایجاد شغل می کنند. این دروغ آنقدر بزرگ است که باور نکردنش ساده است، زیرا اگر چنین بود، چرا بسیاری از کارخانه ها و ادارات، کار را تعطیل می کنند و یا تولید ندارند، در آنان بسته شده و یا بسیاری از کارگران اخراج می شوند؟ چرا با حيله های گوناگون تلاش می کنند هزینه ها را پایین بیاورند و برای این کار یا مزد نمی دهند یا آنرا کاهش می دهند، وسایل ایمنی را حذف می کنند، بیمه های درمانی، بیکاری و بازنشستگی را محدود می کنند و بسیاری فشارهای دیگر برای کشیدن شیره جان کارگران و کارورزان جامعه؟

بیایم به همین وضعیت کنونی جهان و نزدیکتر، کشور خودمان نگاه کنیم؛ به خوبی می بینیم که تضادها و سدهایی که سیستم سرمایه داری، سیستمی که بر پایه مالکیت خصوصی و مالکیت بر تولیدات و کسب سودهای کلان بر پا شده چه روزگاری بر سر جوامع آورده. در مقابل کوه فقر و نابرابری، عده ای معدود قرار گرفته اند که سود می برند و آنقدر حریص می شوند که به فساد و دزدی و اختلاسهای کلان هم کشیده می شوند. اما این تمام قضیه نیست، بلکه اینان به هر جا و هر وسیله ای که می توانند کسب ثروت کنند، متوسل می شوند، حتی جنگ و کشتار، زیرا هیچگاه و هیچ حجمی از ثروت و دارایی آنان را سیراب نمی کند. همچنان که آنان ثروتمند تر می شوند، خیل وسیعی از جامعه به سوی فقر سوق داده می شود.

۲- چرا سوسیالیسم سیستمی انسانی و تنها راه رفاه همگانیست؟

سوسیالیستها می گویند سوسیالیسم یک امر طبیعی است که خوشبختی، شادی، آسایش، سلامتی و همه آنچه که بشر بدان نیاز دارد و باید داشته باشد را تامین می کند.

سوسیالیسم سیستم اقتصادی است که بر پایه کسب سود بنا نشده، از این رو ما می توانیم این سیستم را که در آن تولیدات بر پایه نیازهای کل جامعه صورت می گیرد و نه سود و ثروت برای یک درصد، به عنوان گزینه مورد بررسی قرار دهیم.



بیاییم تنها به آمار جهانی نگاه کنیم که بیکاری و نیمه بیکاری گریبانگیر نزدیک به یک میلیارد نفر است. این افراد به این دلیل بیکار نیستند که قادر به کار کردن نیستند و یا کارهایی که ضروری است انجام شود، موجود نیست، بلکه به این دلیل است که این یا آن کار مشخص برای سرمایه داران سودآور نیست. بدون وجود سود کسب سود به هر قیمت، این نیروی کار می توانست در کارهای سازنده ای اشتغال داشته باشد یا کالاهای مورد نیاز جامعه را تولید کند.

از طرفی، بسیاری برای تامین معاش ناچارند ساعتهای طولانی و یا در دو مکان کار کنند. این در صورتی است که امکان اینکه هر نفر فقط یک شغل با استانداردهای انسانی بالا داشته باشد، وجود دارد. جهتگیری سیستم اقتصادی سوسیالیستی، مشاغل جدید و تامین نیازهای جامعه را به همراه می آورد که در نهایت تاثیر به سزایی نیز در رونق اقتصاد جهانی خواهد داشت.

سوسیالیسم یک نظام اقتصادی است که در آن ابزارهای تولید به طور مساوی متعلق به همه افراد است. مالکیت از طریق دولتی که به طور دموکراتیک انتخاب گردیده به دست می آید و شکل آن می تواند یک شرکت تعاونی یا شرکت دولتی باشد که در آن همه کارکنان سهام دارند. اساس باور سوسیالیسم این است که "از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به میزان کارش" در این صورت همه افراد جامعه به اندازه ای که توان گذاشته اند، از حاصل آن بهره مند می شوند. بنابراین اگر کسی بیشتر کار کند، بیشتر هم به دست می آورد. کارگران دیگر مورد ظلم و استثمار قرار نمی گیرند، به این دلیل که آنها ابزار تولید را در دست دارند و همه منافع به طور مساوی بین آنان تقسیم می شود، البته بنا بر میزان کاری که ارائه داده اند.

کارگران و کارورزان بعد از پرداخت درصدی برای نیازهای عمومی، سهم خود را به دست می آورند. برای نمونه پرداخت درصدی برای وسایل حمل و نقل همگانی، آموزش و پرورش، بهداشت و تامین کسانی که نمی توانند به طور مستقیم سهمی در تولید داشته باشند مانند افراد کهنسال، کودکان و پرستاران آنها.

سوسیالیسم فقر را از میان بر می دارد. همه افراد جامعه به طور برابر به بهداشت و سلامت و آموزش دسترسی دارند و هیچکس مورد تبعیض قرار نمی گیرد. همه در کاری که بهتر می توانند انجام بدهند، اشتغال دارند و از کار خود لذت می برند. حتی اگر جامعه به نوعی از کار نیاز داشت که کسی نمی خواست انجام دهد، برای آن مزایای بیشتر در نظر گرفته می شود که تشویق به پذیرفتن آن شود. همزمان منابع طبیعی نیز برای زندگی بهتر همه افراد جامعه حفاظت و به کار برده می شود.

در چنین جامعه ای - یک جامعه سوسیالیستی - هر کس فرصت و اوقات فراغت برای رسیدن به آرزوهای خود دارد و این تنها در اختیار یک اقلیت نیست.

گاهی مشاوران سیستم سرمایه داری برای حفظ این نظام پیشنهاداتی که از الگوهای سوسیالیستی به دست آورده اند عرضه می کنند. به دو نمونه از آن توجه می کنیم:

"جود وانیسکی" (Jude Wanniski)، یک ژورنالیست محافظه کار و پلی اکونومیست (سیاسی - اقتصادی) سرشناس است که در نشریات متعددی از جمله "وال ستریت" قلم می زند. وی همچنین پیرامون امور مالیاتی به مراجعی مانند دولت ریگان یاری می رسانده. او در حالی که دیدگاه های راست و محافظه کارانه دارد، در باره سوسیالیسم می گوید: "به یک چیز باید اعتراف کنیم که سوسیالیسم خوب بهتر از کاپیتالیسم بد است" و "یک سیستم خوب سوسیالیستی، نظامی است که منابع ملی را از طریق یک برنامه مرکزی مورد توافق مردم، به طور کامل به کار می گیرد. و در واقع بسیار برتر از

سیستم سرمایه داری است که بد عمل می کند و دایم برای وجود بیکاری و فقر بهانه می تراشد، بین درآمدها شکاف ایجاد کرده و آسیبهای اجتماعی را عمیق تر می کند.

او می گوید: "اگر سوسیالیسم آزادی را از برخی می گیرد، اما منافع اش خیلی بیشتر از سرمایه داری به این صورت فعلی است." او البته این اعترافات را برای نجات سیستم سرمایه داری کرده است.

در همین زمینه، "سدریک محمد" (Cedric Muhammad)، یک اقتصاددان سرشناس که برای نشریات اقتصادی مانند "وال استریت"، "بلومبرگ" و "فوربز" می نویسد، سخنانی شنیدنی در باره سوسیالیسم دارد: "سه دلیل برای ارجحیت سوسیالیسم بر سرمایه داری این است که نخست سرمایه داری سیستم سیاسی نیست، بلکه اقتصادی است. بنابراین مدافعان سرمایه داری نمی توانند آنرا به کمک به همونوع ربط دهند. دوم آنکه سوسیالیسم دقیق تر و تیز تر به نابرابریها توجه دارد. سوم، سوسیالیسمی که به سیگنالهای بازار توجه دارد و آزادیهای شخصی را اجازه می دهد، می تواند برتر از یک سیستم سرمایه داری باشد که اجازه می دهد نخبه های ثروتمند سیاستهای عمومی را تعیین کنند."

"بن گلینیکی" (Ben Gliniecki)، سوسیالیست و مارکسیست عضو کلوب کار و مباحثات دانشگاه کمبریج که در ۳۰ کشور جهان گروه های مباحثات تیوریک و نظری دارند، در مقاله ای منتشر شده در وبسایت "در دفاع از مارکسیسم" در باره سوسیالیسم می نویسد: "چگونه می توانیم جوانه های جامعه جدید را از خاک کهنه بیرون بیاوریم؟ یک جامعه سوسیالیستی از امکانات اقتصاد ریزی شده بهره می برد. زیرا ما قادر خواهیم بود که برنامه های اقتصادی را بر پایه نیاز اکثریت تنظیم کنیم، به جای اینکه بر اساس سود برای عده ای محدود طرح ریزی شده باشد. همه نیروهای تولیدی اقتصاد و سرمایه گذارها در جهت نیاز و خواست اکثریت به طور عقلانی، حساب شده و دموکراتیک به کار خواهد افتاد." وی می گوید، نخستین گام خلع ید حاکمان اقتصادی از قلب و مغز اقتصادی، یعنی زمین، بانکها، آب و برق، زیرساختها و کمپانیهای بزرگ است. همگی آنها تحت کنترل دموکراتیک کارگران و زحمتکشان در اقتصادی برنامه ریزی شده قرار می گیرد." وی در ادامه می گوید: "حاصل اقتصاد سوسیالیستی نظام اقتصادی است که در آن فاکتورهای تولیدی بطور مساوی متعلق به همه افراد است."

اقتصاد برنامه ریزی شده را می توانیم برای نمونه در اتحاد شوروی طی ۴۶ سال از ۱۹۱۷ تا ۱۹۶۳، بعد از انقلاب ۱۹۱۷ بینیم. با وجود ترمز بزرگی که در توسعه در دوران بوروکراسی استالین کشیده شد، در این مدت این کشور از یک کشور عقب مانده اقتصادی بدتر از بنگلادش به دومین قدرت جهان تبدیل شد. تولیدات صنعتی ۵۲ برابر شد، در برابر آن آمریکا ۶ برابر و بریتانیا دو برابر. بهره وری کار به میزان ۱۳۱۰ درصد افزایش یافت؛ نرخی که در آمریکا ۳۳۲ درصد و در بریتانیا ۷۳ درصد بود. طول عمر در روسیه دو برابر شد و مرگ و میر کودکان ۹ برابر کاهش یافت. تعداد پزشک برای هر صد هزار نفر بیشتر از ایتالیا، اتریش، آلمان غربی، ایالت متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه، هلند و سوئد بود. اگر این دستاوردها در قرن بیستم در کشوری به دست آمد که تقریباً فئودالی بود، در اثر دو جنگ جهانی و جنگ داخلی ویران شده و زیر یوغ بوروکراسی استالینی قرار داشت، پس یک سیستم اقتصادی دموکراتیک در قرن بیست و یکم چگونه می تواند باشد!

همچنین باید به کوبا نیز اشاره کرد. در کوبا با وجود دموکراسی محدود کارگری، طول عمر از ۶۲ سال در سال ۱۹۵۹ به نزدیک به ۷۸ سال رسیده است (گزارش سال ۲۰۰۵ توسعه انسانی سازمان ملل)، این میزان در آمریکا نزدیک به ۷۸ سال است. بی سوادی در کوبا ۸/۹۹ دهم درصد کمتر از برزیل و ۶/۸۸ درصد کمتر از شیلی و ... بنا بر همان گزارش، کوبا بالاترین نرخ توسعه انسانی را در سراسر آمریکای لاتین داشته است.

بنا به گزارش بانک جهانی، کوبا دومین کشور جهان به لحاظ تعداد پزشک برای هر هزار نفر است، در حالیکه دیگر کشورهای لاتین و آمریکا نیمی از این تعداد را دارا هستند.

باید توجه داشته باشیم که کوبا در هنگام انقلاب در سال ۱۹۵۹، کشوری بسیار عقب مانده بود. در تاریخ خود اسارت توسط کشورهای خارجی را داشت و زمین بازی سرمایه داران آمریکایی محسوب می شد. از آن پس تا کنون نیز بدون انقطاع تحت تحریمهای شدید آمریکا و متحدانش قرار دارد. دستیابی به این پیشرفتهای تنها تحت اقتصاد برنامه ریزی شده و آزاد از سلطه سرمایه داری امکان پذیر شد.

۳- آیا ذات انسان رقابتی است؟ چگونه سوسیالیسم با این طبیعت ممکن می شود؟



سوسیالیسم بر این باور بنا گردیده که انسانها طبیعت همکاری و همنوعی دارند، اما این طبیعت تحت تاثیر مناسبات کالایی در سرمایه داری یا فئودالیسم به سمت رقابت جهت یافته است. بنابراین چنانچه سیستم اقتصادی این زاویه از طبیعت انسانی را حمایت و برجسته کند، کار و زندگی مبتنی بر تعاون گسترش پیدا می کند. در یک جامعه سوسیالیستی برعکس جامعه طبقاتی، اگرچه هر کس نیازها و تمایلاتی دارد که فرصت پیگیری آنها پیدا می کند، اما همزمان مناسبات بهتر و انسانی تر با تشویق انسانها به جدی گرفتن نیازها، سلامت و سعادت دیگران شکل می گیرد.

"ادانر عثمانی" (Adaner Usmani) در نوشته ای در نشریه "ژاکوبین" با عنوان "چرا سوسیالیستها باید به طبیعت انسانی باور داشته باشند؟" می نویسد: "جامعه ای که در آن نیازهای همه برطرف می شود، جامعه ای است که در آن اختلافات و خشونت کمتر خواهد بود. تصور کن وقتی یک جعبه شیرینی را با برادر و خواهر خودت قسمت می کنی، خود را چه انسانی حس می کنی تا وقتی فقط یک عدد شیرینی را ببخشی. وقتی انسانها با هم حقوق برابر دارند، احساس برتری نسبت به هم نمی کنند و از برابری خشنود هستند."

۴- آیا در سیستم سوسیالیستی همه یک شکل هستند؟ (در شماره آینده)

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

رویدادهای هنری (مهر ۹۷)

فتح الله کیائیا

سر سخن

در نمایشگاه امسال فرانکفورت شاهد غرفه های خالی از حضور ناشران مستقل ایرانی بودیم که بنا بر گزارشهای متعدد، توانایی مالی لازم برای حضور در چنین رویدادی را نداشتند؛ ناشرانی که با آن همه سابقه و اثرگذاری بر فرهنگ و ادب و تواناییهای هنری آن ملت اسیر، روزهای پایانی حضور خویش را در عرصه هنر و ادب به سوگ نشسته اند. آنها با چشمانی وحشت زده شاهد افول روز افزون تیراژ کتابهای اثرگذار (کمتر از دویست جلد) بر زندگی و رفتار اجتماعی و فرهنگی مردم هستند. ناشران ایرانی این روزها که حضور پر هیاهو و توخالی به ظاهر مجموعه های فرهنگی تحت فرمان رهبر ام القرا را در عرصه های هنر جهانی می بینند، خونین چشم می شوند و نمی دانند که شکوه کجا برند.

ادبیات

نمایشگاه کتاب فرانکفورت بدون ناشران مستقل ایرانی



امسال در نمایشگاه کتاب فرانکفورت بیش از ۷۳۰۰ غرفه از ۱۰۲ کشور جهان برپا شد که بیش از ۲۸۶ هزار نفر از آن بازدید کردند.

اما ناشران مستقل ایران امسال به دلیل مشکلات اقتصادی موجود در کشور توانایی حضور در این رویداد فرهنگی را نداشتند. مشکلات ارزی و افزایش چشمگیر هزینه های حضور در مجامع بین المللی فرهنگی، برخی از ناشران ایرانی را مجبور به انصراف از حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت در سال جاری کرده است.

افشین شحنه تبار، مدیر انتشارات "شمع و مه"، از پرکارترین ناشر ایرانی حاضر در رویدادهای بین المللی نشر در سالهای گذشته که امسال نتوانست در نمایشگاه کتاب فرانکفورت شرکت کند، در این باره به "خبرگزاری مهر" گفت: "به دلیل افزایش تورم در شرایط حاضر برای ادامه فعالیت بخش خصوصی راهی نخواهد ماند جز استفاده از سیاستهای انقباضی و کم کردن خیلی از حضورها در نمایشگاههای مهم کتاب در دنیا. این سونامی وخیم اقتصادی و تورم غیرقابل مهار در اولین لایه به بخش فرهنگی ضربه خواهد زد."

در همین حال ناشران حکومتی در ایران، از آنجا که با مشکلات اقتصادی موجود دست به گریبان نیستند، امسال نیز در نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت شرکت داشتند. "سازمان حفظ و نشر آثار دفاع مقدس" و موسسات انتشاراتی وابسته به آن، "مجمع ناشران انقلاب اسلامی" و انتشار "سوره مهر" از جمله ناشرانی هستند که در نمایشگاه امسال شرکت کردند.

چهارمین دوره ی جایزه شعر احمد شاملو برگزار شد

نشست مرحله اول چهارمین دوره جایزه شعر احمد شاملو با حضور اعضای "موسسه الف. بامداد"، داوران، شاعران و ناشران برگزیده، شامگاه پنجشنبه ۱۲ مهر ماه در "موسسه بهاران" برگزار شد.

در ابتدای این مراسم محمود معتقدی که یکی از سه داور مرحله اول این رقابت بود، گفت: "به طور کلی ۱۶۹ اثر در این رقابت شرکت کردند که از بین آنها تنها ۲۰ درصد نمره خوبی از ما دریافت کردند و به این صورت این آثار که ۱۵ مجموعه بودند، در مرحله اول به عنوان نامزدهای چهارمین دوره جایزه شعر شاملو انتخاب شدند."

کاظم کریمیان، محمود معتقدی و شهریار وقفی پور اعضای هیات داوران مرحله اول بودند که از میان ۱۶۹ اثر متقاضی تنها ۱۵ اثر را شایسته حضور در مرحله بعدی یافتند.

جایزه شعر احمد شاملو از سال ۱۳۹۴ به همت و با تلاش اعضای موسسه "الف. بامداد" به مدیریت آیدا شاملو، همسر احمد شاملو، بنیان گذاشته شده است. این جایزه شامل تندیس، لوح تقدیر و جایزه نقدی است که در مراسمی در سالروز تولد احمد شاملو، ۲۱ آذر ماه، که امسال مصادف با نود و سومین سالروز تولد این شاعر برجسته است، به برنده اهدا می شود.



"آنا برنز" برنده جایزه بزرگ "من بوکر" ۲۰۱۸ شد

جایزه ادبی "من بوکر" ۲۰۱۸ به نویسنده ای از ایرلند شمالی رسید. "آنا برنز" نویسنده ۵۶ ساله، این جایزه را از آن خود کرد. او اولین نویسنده از ایرلند شمالی است که برنده من بوکر می شود. این جایزه ۵۰ هزار پوندی برای "مرد شیری" چهارمین رمان آنا برنز به او تعلق گرفته است. این رمان داستان رابطه دختری جوان با مردی متاهل است که در شهری بی نام و در دوران "محنت" اتفاق می افتد. داوران این رمان را اثری "مطلقاً برجسته" و "حیرت انگیز" خواندند. جایزه من بوکر از سال ۱۹۶۹ به طور سالیانه به بهترین رمان نوشته شده در انگلیس که در بریتانیا منتشر شده باشد، تعلق می گیرد. امسال در فهرست کوتاه نامزدها، نویسندگانی از بریتانیا، کانادا و آمریکا حضور داشتند.

شاعر ایرانی در تبعید، عضو آکادمی نوبل شد

آکادمی نوبل در سوئد با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که ژیلا مساعد، شاعر ایرانی، به عضویت آکادمی سوئد درآمد.



ژیلا مساعد سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در ایران متولد شد و در سال ۱۹۸۶ و در سن ۳۸ سالگی به همراه دو فرزند خود به سوئد مهاجرت کرد. وی ۱۰ سال پس از ورود به سوئد اولین کتاب شعر خود به این زبان را منتشر کرد.

خانم مساعد پس از انتخاب به عنوان عضو این آکادمی به یک خبرگزاری سوئد گفت: "به واژه های من در وطن اولم بها داده نمی شد، اما کشور جدیدم به خاطر آنچه می نویسم مرا در یکی از برترین جایگاههای ادبی قرار داده است."

مساعد همچنین به عنوان نویسنده سال ۲۰۱۳ در غرب سوئد برگزیده شده است. او این جایزه را در مراسم ویژه ای در "یوتبوری" دریافت کرد. دلیل اهدای این جایزه به ژیلا مساعد از جمله صراحت کم نظیر او در بیان آنچه که شرایط و موقعیت حاشیه ای تبعید نامیده شده، عنوان شده بود.

سینما

سینمای اجتماعی ایران در مسیر ویرانی و فنا

منیژه حکمت فیلم تازه ای به نام "جاده قدیم" درباره تجاوز جنسی و پیامدهای آن در زندگی فرد ساخته است. این کارگردان سینمای اجتماعی ایران اهل اراک می گوید در شرایط فعلی که هر هفته دو فیلم کمدی به چرخه اکران سینماها اضافه می شود، سینمای اجتماعی ایران محکوم به فناست.

منیژه حکمت در نامه ای به ابراهیم داروغه زاده، متصدی امور سینمای کشور، نوشته: "متأسفانه باید به عرض جنابعالی برسانم سینمای نجیب اجتماعی در دوره مدیریت شما به مسلخ برده شد و توسط دلالاتی با حمایت شورای صنفی و سینمادارها و باندهای کثیف مالی در حال ذبح شدن است."

وی افزود: "برای تاریخ و آیندگان خواهیم گفت در اکران فیلم سینمایی "جاده قدیم" بر ما چه گذشت. مجموعه مدیریت جنابعالی دانسته و یا نادانسته متأسفانه حامی این گروه‌ها بوده اند که چنین وقیحانه جرات پیدا کرده و کل مرجعیت سینمای اجتماعی را در اکران سلاخی کنند."

مستندساز ایرانی برنده جایزه آنا پولیتکوفسکایا شد



بهرروز بوچانی، روزنامه نگار و مستندساز ایرانی، جایزه "پولیتکوفسکایا" را به خاطر تلاشهایش در زمینه ثبت مشکلات پناهجویان حاضر در جزیره "مانوس" دریافت کرد.

عفو بین الملل نیز سال گذشته جایزه "چند رسانه ای" خود را به بهروز بوچانی اهدا کرد.

عفو بین الملل گفته بود که بهروز بوچانی به طور مداوم وضعیت

پناهجویان در جزیره مانوس را گزارش کرده و ویدیوهایی از وضعیت پناهجویان در این محل منتشر کرده که شایسته این جایزه است.

بوچانی زمانی که پناهجویی را پشت حصارهای جزیره مانوس تجربه می کرد، در گینه نو توانست با ساخت مستندی با نام "چوکا الان ساعت چنده"، صدای اعتراض پناهجویان به وضعیت اسفناک در جزیره مانوس باشد.

بهرروز بوچانی فیلم مستند چوکا را به کمک آرش کمالی سروستانی، فیلمساز ساکن هلند، ساخت و توانست با حضور در جشنواره های فیلم در دنیا توجه مدافعان حقوق بشر را به این جزیره دور افتاده جلب، و دولت استرالیا را مجبور به رسیدگی به وضعیت پناهجویان کند.

جایزه "پولیتکوفسکایا" به یاد خبرنگار مشهور و با شهامت روسی "آنا پولیتکوفسکایا" همه ساله به کسانی داده می شود که برای گفتن حقایق ریسکهای بزرگی را پذیرفته باشند و جان شان در خطر باشد.

"تهران شهر عشق" در جشنواره فیلم لندن

فیلم "تهران شهر عشق" که روایت تنهایی انسانهاست، در جشنواره فیلم لندن به نمایش درآمد.

این فیلم اولین ساخته فیلمساز جوان، علی جابر انصاری، فارغ التحصیل مدرسه فیلم لندن، است و قرار است تصویری غریب و متفاوت از تهران امروز و آدمهایش باشد. شخصیت‌های فیلم با آن که اعمال عجیبی انجام نمی دهند، اما نوع فضا و

نگاه کارگردان، از رئالیسم جاری در تهران امروز فاصله می گیرد و برعکس به جهانی تخیلی با آدمهای به ظاهر متفاوت شبیه می شود که البته در نهایت دردشان مشترک است و واقعی: تنهایی.

داستان زندگی سه شخصیت مختلف را شاهدیم که هر کدام عاجزانه به دنبال رابطه عاطفی هستند و همه شکست می خورند. روایت این شکست، فیلم را شکل می دهد و در صحنه پایانی برای اولین بار این سه در کنار هم قرار می گیرند، بی آن که ارتباطی با یکدیگر داشته باشند.

احمد ظاهر بر پرده سینما جان می گیرد

احمد ظاهر، بنیانگذار موسیقی پاپ افغانستان، که به روایتی "الویس پریسلی" آن کشور خوانده می شود، با وجود گذشت چهل سال از مرگش هنوز سلطان قلب جوانان افغان و نوستالژی نسل کهن سال به شمار می رود. او اینک با همت کارگردان آمریکایی "سان فرنچ" بر پرده سینما جانی دوباره خواهد گرفت.



آقای فرنچ در کارنامه اش فیلم "بچه های بزکشی" را دارد که در کابل ساخته شد و موضوع اصلی اش هم افغانستان است. "بچه های بزکشی" در سال ۲۰۱۳ نامزد بخش فیلمهای کوتاه اسکار شد و بازیگران اصلی آن، دو پسر بچه افغان؛ جوانمرد پاییز و فواد محمدی، در مراسم اسکار همان سال شرکت کردند.

سام فرنچ می گوید اولین بار در سال ۲۰۰۸ در سفرش به افغانستان رفت و با آهنگهای

احمد ظاهر آشنا شد. او گفت می خواست یک ماه در افغانستان بماند، اما پنج سال ماند و عاشق این کشور شد. او کار مستند احمد ظاهر را به پیشنهاد شبنم ظاهر، یگانه دختر احمد ظاهر، شروع کرده است.

اما فیلمی درباره داستان احمد ظاهر برای مخاطبان سراسر جهان چه جذابیتی خواهد داشت؟

سام فرنچ می گوید داستان احمد ظاهر همچنین داستان یک دوره تاریخی خاص در افغانستان است؛ سالهای قبل از آغاز جنگی که دهه هاست جریان دارد. به باور او بسیاری در جهان در این مورد چیزی نمی دانند.

او می گوید: "این فیلم به این دلیل برای مخاطبان جهانی جذابیت دارد که نشان خواهد داد این کشور چقدر نسبت به آنچه که در اخبار و رسانه درباره اش گفته می شود، متفاوت است."

موسیقی

تهدید به مرگ خواننده قرقیز به دلیل حمایت از حقوق زنان

"زره اسیلبک" (Zere Asylbek)، خواننده فمینیست قرقیزستان به دلیل ویدیو کلیپ یکی از ترانه هایش و پوششی که در این ویدیو داشت، تهدید به مرگ شد.

این خواننده ۱۹ ساله تنها چند ساعت پس از انتشار ویدیو کلیپ ترانه "دختر"، در کشورش به شهرت رسید. او که به صدای مدافعان حقوق زنان در قرقیزستان نیز مشهور است، به خاطر ظاهرش در این ویدیو کلیپ پیامهای تهدید به مرگ دریافت کرد.

او در این ویدیو که تامین مالی آن را نیز خود برعهده داشته، از همگان می‌خواهد که به زنان و عقاید آنها احترام بگذارند. در متن این ترانه آمده است: "چرا من باید مثل دیگران باشم؟ احترام تو به من کجاست؟" زره اسلیبک می‌گوید شیوه پوشیدن لباس در این ویدیو آگاهانه انتخاب شده تا به این ترتیب توجه‌ها را به مشکل تبعیض جنسیتی که بطور گسترده در جامعه امروز قرقیزستان وجود دارد، جلب کند. در پیامهای تهدیدآمیز از او خواسته شده که این ویدیو را از شبکه‌های اجتماعی و سطح جامعه قرقیزستان جمع و عذرخواهی کند و در غیر اینصورت کشته خواهد شد. پس از دریافت این پیامها او می‌ترسد که شب در خانه تنها بماند یا بدون همراه بیرون برود. زره اسلیبک سعی دارد با زبان هنر به دفاع از حقوق زنان بپردازد و به این شیوه پیام خود را به گوش همه در سراسر جهان برساند.

شعر ماه

باید توی خاورمیانه مُرد!

اشکان حسینی

باید توی خاورمیانه مرد!
باید کشته شد!
دایناسورها هم روزی اهل خاورمیانه بودند!
همین جا مُردند و تبدیل به نفت شدند ...
زمینِ خاورمیانه خوب بلد است
از کشته‌ها پشته بسازد
و بعد ازشان نفت بگیرد!
ما هم دایناسورهای این زمانه ایم ...
همانقدر پوست کلفت، همانقدر ریقو!
ما سوختن و سوزاندن را خوب بلدیم!
برای همین ما در زندگی بعدیمان
نفت خواهیم شد،
نفت

(منابع: جنگ خبر، دویچه وله، بی بی سی، رادیو زمانه، رادیو فردا، صدای آمریکا، ایسنا، مهر، یورو نیوز، کانال تلگرامی شعر خونین)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

«در خلیج تاول و خون»

م. وحیدی (م. صبح)

رها کرده اند

تا از سرودشان

صراحت جنگل را

به تاراج برند

جویها

در زیر پای سنگواره ها

بادبادکانی هستند

با فانوسهای کوچک خرد

بر دنباله شان

که هر صبح زلال

در میانه میدان

چنگ می نوازند

آه!

زندانی

چنان سرنگون خواهد شد

که آهوان چشم من

در سرزمین آزادی

نام بی نشانه تو را

زمزمه خواهند کرد

میلاذ

م. وحیدی (م. صبح)

بر سکوی ناهنجار شب

من رشته طنابم را

با گل زنبق بافته ام

تا هر بهار

شاخه هایم

از آواز چلچله ها

سبز شود

می دانم

لحظه ها

از حقیرترین واژه ها

زاده شده اند

و لاک پشتهای خاکستری

هنوز از دهان سرد مرداب

تغذیه می کنند

با من بخوان!

تا دریچه های مهربانی

رو به غوغای آفتاب و پاییز

گشوده شود

نام تو را

کرانه ها می شناسند

و شاخه های باران

رایحه چشمهانت را

دردشت می پراکنند

می ایستم

و قلبم زیر باران

توان سرودن می گیرد

مثل قاصدکی

در شادترین روزها

و عطر خوش ساقه هایم

اضطراب لغزان دشت را

می زداید



می پرسم

از خلیج تاول و زخم

از درون دلتنگی یک پگاه

این سرزمین تنهایی و حسرت

در غیاب خدا و پرنده

- چگونه آسمان کودکی تو

در این محنتگاه

نفسهای نقره ای خود را

با آهی طولانی و گرم

در طنین آوای نهنگان

پیوند می زند؟

و سایه آبی طلوع

بر غروب رمنده بی رنگ

سایه می افکند

تو

ای تاراج ژرف امید!

از کدامین منزلگاه خفته متروک

به جهان من آمدی

که نوعروس ماه

در آستانه حجله و لبخند

جامه سیاهش را

برتن کوچه و خیابان پوشاند

و شور چشمانش را

به موجهای سرکش سپرد

عطر گیسوان تو

از پس ابرهای گناهکار

بر تارک خاموش ترین صاعقه ها

می درخشد

ای قطره روشن تشنگی!

راهزنان تهیدست

در شب علیل

کاروان قناریهای دست آموز را

دانشگاه در ماهی گذشت (مهر ۹۷)

کامران عالمی نژاد

بی تدبیری مسوولان، اعتراضات دانشجویان

از زمان به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و قلع و قمع روشنفکران و دگراندیشان در دانشگاهها زیر نام "انقلاب فرهنگی" که در سال ۱۳۵۹ شروع و تا به امروز ادامه دارد، همواره شاهد تکیه زدن مسوولان بی کفایت و بی تدبیر بر صندلی امور در کشور و بالطبع در دانشگاههای کشور هستیم؛ بی خردانی که در وزارتخانه های مختلف از جمله وزارت آموزش و پرورش گمارده شده و تا بالاترین سطوح آموزش عالی یعنی دانشگاه شیوع یافته اند.

تبدیل مراکز آموزش و پرورش از جمله دانشگاهها به محل کسب درآمدهای هنگفت نتیجه سیاستهای نابخردانه و کاسبکارانه حکومتی مستبد است که توسط آن آموزش را از یکسو مختص قشر خاصی از جامعه که توان پرداخت هزینه های جانبی آن را دارند می کند و از سوی دیگر، موجب محروم شدن تعداد زیادی از داوطلبانی که چه بسا شایستگی ورود و تحصیل تا درجات بالای دانشگاهی را دارند، می شود. علاوه بر آن، تامین هزینه های دانشگاه برای عده ای که شانس ورود را پیدا کرده اند ولی همچنان با هزینه ها در کلنچار هستند، آنچنان سخت و طاقت فرساست که دیگر مجالی برای تمرکز بر دروس دانشگاهی را به آنها نمی دهد.

برهمن مینا، سالهاست که دانشجویان با اعتراضات خود تا حد امکان خواهان جلوگیری این روند می باشند. اعتراض دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه ملی نسبت به کمبود فضای و امکانات آموزشی، تجمع دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به اخذ شهریه های اجباری به نام شهریه های جبرانی، اعتراض دانشجویان دانشگاه هرمزگان به مسایل رفاهی و کیفیت سرویس رفت و آمد، اعتراض دانشجویان دانشگاه تفرش نسبت به کاهش سنوات تحصیلی، اعتراض دانشجویان دانشگاه بیرجند نسبت به گرانی غذاها و همچنین بی کیفیتی آن، اعتراض دانشجویان دانشگاه صنعت نفت آبادان به وضعیت رفاهی دانشگاه و ... فقط نمونه هایی از اعتراضات دانشجویان به این شرایط در ماه گذشته است. پاره ای از حرکت های صنفی در دانشگاه در مهر ماه که بازتاب رسانه ای یافته اند، به قرار زیر است:

اعتراضات صنفی دانشجویان همزمان با آغاز سال جدید تحصیلی



۱ مهر - تجمع دانشجویان دانشگاه دندانپزشکی دانشگاه ملی در اعتراض به کمبود فضای و امکانات آموزشی. این مشکل به ویژه در سال تحصیلی جدید و با ورود بیش از صد دانشجوی جدید تشدید شده است.

- ۴ مهر** - تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران در برابر دفتر مدیریت دانشگاه تهران. گردهمایی دانشجویان در اعتراض به شهریه دروس جبرانی بود.
- ۵ مهر** - تحصن دانشجویان دانشگاه مدنی آذربایجان. آنها به تحویل ندادن خوابگاه به بهانه رنگ آمیزی اتاقها، مشکل سرقت وسایل دانشجویان از خوابگاهها، قطع سهمیه غذای دانشجویان بدهکار و کیفیت پایین غذا اعتراض کردند.
- ۸ مهر** - تجمع دانشجویان دانشگاه هرمزگان با موضوع مسایل رفاهی و کیفیت سرویس رفت و آمد
- ۹ و ۱۰ مهر** - تجمع دانشجویان کارشناسی ارشد روزانه دانشگاه تهران در اعتراض به اخذ شهریه های اجباری. آنها پلاکاردهایی حمل می کردند که بر آنها از جمله نوشته شده بود: "اجبار گذراندن دروس لیسانس به نام دروس جبرانی؛ بی منطقی محض" و "پول زور هرگز".
- ۱۰ مهر** - اعتراض دانشجویان هرمزگانی به افزایش نرخ کرایه اتوبوسهای دانشگاه. دانشجویان پس از تعطیلی کلاسها سوار سرویسهای دانشگاه نشدند و جلوی اتوبوسها نشستند و تحصن کردند.
- ۱۱ مهر** - طومار بیش از هزار تن از دانشجویان دانشگاه تفرش در اعتراض به کاهش سنوات تحصیلی.
- ۱۴ مهر** - تجمع دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان کوثر در اعتراض به وضعیت نامساعد بهداشتی در خوابگاهها
- ۱۶ مهر** - اعتراض دانشجویان دانشگاه دولتی خواجه نصیرالدین طوسی به کالایی شدن آموزش و اجبار به پرداخت هزینه برای استفاده از خوابگاهها و سرویسهای دانشجویی
- ۲۱ مهر** - اعتراض دانشجویان دانشگاه بیرجند به هزینه بالای رفت و آمد، گرانی و همچنین بی کیفیتی غذا. دانشجویان همزمان با بازدید منصور غلامی، وزیر علوم دست به تجمع زدند. وی در واکنش به مطالبات آنها گفت: "تجمعها کاری از پیش نخواهد برد و فقط چهره ی دانشگاه را زشت تر خواهد کرد."
- ۲۲ مهر** - اعتراض دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم پزشکی "بهشتی" به قطع آب، برق و گاز خوابگاه. این اقدام برای وادار کردن دانشجویان به تخلیه خوابگاهها صورت گرفته است.
- ۲۲ مهر** - اعتراض دانشجویان دانشگاه صنعت نفت آبادان به وضعیت رفاهی دانشگاه. آنها در این رابطه به افت کیفیت غذا، کندی اینترنت، نداشتن بیمه خدمات درمانی، مشکلات اساسی سیستم تهویه، کمبود صندلی و همچنین وجود صندلیهای معیوب در سالنهای مطالعه.
- ۲۴ مهر** - دانشجویان دانشگاه شیراز در اعتراض به پولی سازی آموزش، کاهش سنوات تحصیلی و آزمون معافی زبان، در صحن دانشگاه تجمع کرده و سپس دست به راهپیمایی زدند.
- ۲۵ مهر** - جمعی از دانشجویان علوم پزشکی واحدهای مختلف دانشگاه آزاد در اعتراض به کلاهبرداری در پذیرش دانشجویان ورودی ۹۷ در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه تجمع کردند.
- در پی این اعتراضات، دکتر طهرانچی، سرپرست دانشگاه آزاد اسلامی، به سودجویی مسوولان این دانشگاه به هزینه داوطلبان رشته های پزشکی اعتراف کرد و از برکناری هفت تن از روسا و معاونان واحدهای این دانشگاه خبر داد. وی گفت: "دلیل ایجاد این مشکل آن بوده که برخی از واحدها در ظرفیت ذخیره تا جایی که می توانسته اند دانشجو ثبت نام کرده اند و فقط به منافع واحد خودشان توجه داشته اند، نه منافع مردم و سازمان."
- ۲۵ مهر** - تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد یزد و میبد در اعتراض به وضعیت تحصیلی خود و بلا تکلیفی پیش آمده، مقابل استانداری یزد
- ۲۸ مهر** - گروهی از دانشجویان دوره دکتری از دانشگاههای مختلف کشور برغم ادامه تهدیدات کمیته انضباطی، در اعتراض به عدم تامین ارز دولتی، در مقابل ساختمان وزارت علوم در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.
- ۳۰ مهر** - جمعی از دانشجویان دکترای غیرپزشکی در اعتراض به مشکلات شغلی شان در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند.
- ۳۰ مهر** - جمعی از دانشجویان در تهران برای سومین روز در اعتراض به تقلب در آزمون سردفتری مقابل سازمان ثبت اسناد تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار ابطال آزمون سردفتری شدند.

فساد دانشگاه آزاد دامپزشکی را گرفت



با شروع سال تحصیلی ۹۸-۹۷ دانشجویان دانشگاههای آزاد سنندج و علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد به علت اشتباهات ایجاد شده در پذیرش واحدهای علوم پزشکی، با چالشی جدید که فقط در رژیم جمهوری اسلامی میتوان سراغ گرفت روبرو شده اند که موجب رشته اعتراضاتی از سوی آنها شده است. موضوع از این قرار است که: دانشگاه آزاد سنندج از ورود تعدادی از دانشجویان ورودی جدید رشته پرستاری

و مامایی واحد سنندج به کلاسهای درسی جلوگیری کرده و دلیل می آورد که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پذیرش این دانشجویان را قبول نکرده است. از طرف دیگر دانشجویان می گویند در این رشته پذیرش شده اند، مراحل ثبت نام را گذرانده، دارای شماره و کارت دانشجویی هستند و حتی یک هفته هم در کلاسها حضور داشته اند. از این مضحک تر اینکه یکی از معترضان که ابتدا به او گفته شده بود در رشته پزشکی پذیرفته شده می گوید: "بعد از اتفاقات پیش آمده، پس از مراجعه به مرکز سنجش و پذیرش دانشگاه، رییس مرکز به من پیشنهاد تحصیل در رشته دامپزشکی می دهد، چنین چیزی منطقی و قابل پذیرش نیست."

پرونده ۵ دانشجوی بازداشتی دی ماه ۹۶ به دادگاه تجدیدنظر رفت



امیر رئیسیان، وکیل ۵ نفر از فعالان دانشجویی بازداشتی در جریان اعتراضات دی ماه سال ۹۶، از ارسال پرونده آنها به شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر خبر داد. او گفت: "باوجود قبول وکالت تعدادی از این دانشجویان، از طرف قاضی اجازه دفاع ندادند و گفتند که وکیل نمی پذیرند. در نتیجه دفاعیات خود را در دادگاه تجدیدنظر ارایه خواهم داد." وی افزود: "عناوین اتهامی دانشجویان شامل اجتماع، تبانی و تبلیغ علیه نظام برای تعدادی و تبلیغ علیه نظام برای تعدادی دیگر است. یکی از این دانشجویان که برای اولین بار به اتهام "تبلیغ علیه نظام" محاکمه شده، به یک سال حبس محکوم شده. فرد دیگر نیز به همین اتهام با قید تکرار جرم و با تشدید به یک سال و نیم حبس محکوم شده است."

تجمع در دانشگاه هنر تهران در اعتراض به احکام بیداگرانه علیه دانشجویان زندانی

صبح روز سه شنبه ۱۷ مهر، دانشجویان دانشگاه هنر دانشگاه تهران در اعتراض به بازداشت و صدور احکام سنگین علیه یاران دبستانی خود تجمع کردند. آنها درحالی که بر روی درب فلزی دانشگاه می کوبیدند، با پلاکاردهای در دست اعتراض خود را ابراز می داشتند: "جای دانشجو زندان نیست"، "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد".

اعتراض دانشجویان به روحانی و فضای امنیتی دانشگاهها

حضور حسن روحانی در دانشگاه علوم پزشکی به مناسبت آغاز سال تحصیلی با اعتراض دانشجویان همراه شد. روز یکشنبه ۲۲ مهر در دانشگاه تهران دانشجویان که دستنوشته هایی در اعتراض به دستگیری همکلاسیهای خود داشتند، شعار می دادند: "صدامون بریدن، با رای مون پز میدن".

بخش دیگری از شعارهای آنها علیه گرانی، فساد مالی و اختلاس بود: "تورم، گرانی، پاسخ بده روحانی"، "یه اختلاس کم بشه، مشکل گرونی حل میشه".

حسن روحانی امروز در یک سخنرانی در جمع دانشجویان و کارکنان دانشگاه مدعی شد که در دوره او محدودیتها فعالیت دانشجویی برطرف شده و "آسمان دانشگاه از دانشجویان ستاره دار پاک شده است".

این اظهارات در حالی بیان شد که شماری از فعالان دانشجویی همزمان با اعلام نتایج دوره کارشناسی ارشد به حراست وزارت علوم احضار و از ادامه تحصیل منع شدند.

شورای صنفی دانشگاه های ایران شمار دانشجویان محروم از تحصیل در آغاز سال جاری را حدود ۱۵۰ تن گزارش کرده است.

اعتصاب دانشجویان دو دانشگاه در همبستگی با تحصن معلمان



دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه روز دوشنبه ۲۳ مهر در حمایت از تحصن معلمان و در اعتراض به فقر، سرکوب، زندانی کردن دانشجویان و معلمان، کلاسهای درس را تعطیل و دست به تجمع زدند.

دانشجویان در این تجمعات اعتراضی بر همبستگی و حمایت کامل خود از معلمان متحصن در سراسر کشور و خواسته های برحق آنها تاکید کردند.

دانشجویان دانشگاه علوم اجتماعی تهران، شعار می دادند: "معلم، دانشجو، کارگر، اتحاد" و "برخورد امنیتی، محکوم است محکوم است".

همچنین بر برخی پلاکاردهایی که دانشجویان در دست داشتند نوشته شده بود: "همه اش که نباید ترسید، راه که بیفتیم ترسمان می ریزد" و "آزادی محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی". دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه نیز به حمایت از معلمان متحصن برخاسته و با تعطیلی کلاسهای درس در محوطه دانشگاه دست به تجمع زدند. دانشجویان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی برخی از آنها نوشته شده بود: "فعالین صنفی معلمان را آزاد کنید" و "همبستگی با معلمان".

تجمع دانشجویان دانشگاههای هنر علوم اجتماعی در حمایت از معلمان



روز سه شنبه ۲۴ مهر شماری از دانشجویان دانشگاه هنر تهران جهت اعلام همبستگی با تحصن معلمان و اعتراض به احکام صادر شده به دانشجویان تجمع کردند.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه هنر با شعار "دانشجو معلم، اتحاد اتحاد" آغاز شد و در ادامه شعارهای "نان کار آزادی، آموزش رهایی"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "زنده باد آزادی" و "تا معلم در حبسه، در کلاسهای درس بسته"، توسط دانشجویان سر داده شد.

(منابع: دانشجو آنلاین، هرانا، خبرنگار دانشجویان ایران، ایسنا، رادیو زمانه، ایران خبر، تسنیم، ایران کارگر)

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

اولین جریمه به خاطر مزاحمت خیابانی در فرانسه صادر شد



براساس قانونی تازه در فرانسه علیه آزار خیابانی، برای اولین بار مردی در این کشور به خاطر مزاحمت جنسی ۳۰۰ یورو جریمه شده است.

هدف از این قانون جلوگیری از مزاحمت جنسی و رفتارهای آزاردهنده ای مثل سوت زدن است.

این قانون که در ماه اوت تصویب شد، اجازه جریمه فوری تا ۷۵۰ یورو در خیابان را می دهد.

مردی که جریمه شده در حال مستی در ناحیه "دراویل" در

جنوب پاریس سوار اتوبوس شد، با دست به باسن یک زن ۲۱ ساله کوبید و حرفهای اهانت آمیزی در مورد او و سینه هایش زد. این رفتار باعث جر و بحث با راننده اتوبوس شد که مرد را در اتوبوس حبس کرد تا پلیس از راه برسد. این مزاحم جنسی ۳۱ ساله همچنین به سه ماه زندان به دلیل پرخاشگری جنسی و حمله به راننده اتوبوس محکوم شد. "مارلین شیپا"، وزیري که این مصوبه را مطرح کرد، در توییتی به ستایش از تصمیم دادگاه پرداخت و نوشت: "آفرین به راننده اتوبوس که فوراً وارد عمل شد و همچنین به خاطر مجازات اعمال شده." آزار خیابانی و متلک پراندن از قبل در بعضی کشورها جرم انگاشته می شود که از جمله آنها پرتغال و آرژانتین است.

فعال حقوق بشر عراقی در بصره به ضرب گلوله کشته شد



"سعاد علی"، فعال حقوق بشر عراقی، در شهر بصره که در ماه سپتامبر شاهد چندین هفته تظاهرات علیه دولت عراق و دخالتهای جمهوری اسلامی بوده، به ضرب گلوله کشته شد.

ویدیویی که در اینترنت منتشر شده، مرد مسلحی را نشان می دهد که هنگام ورود سعاد علی به خودرویش در نزدیکی سوپرمارکتی در محله عباسیه، به او تیراندازی می کند. مردی که گفته شده همسر خانم علی است، در این تیراندازی زخمی شده است.

خانم علی که از تظاهرات یاد شده حمایت می

کرد، ریاست سازمان حقوق بشری "الود العالمی را بر عهده داشت. تصویری از او در سایت این سازمان وجود دارد که خانم علی را در حین تظاهرات با زنان در بصره نشان می دهد. در توضیح این عکس نوشته شده که این زنان "در کنار برادران، پسران و خانواده خود در بصره ایستاده اند."

اوائل ماه جاری، معترضان شماری از ساختمانهای دولتی را به آتش کشیدند. در این میان، کنسولگری جمهوری اسلامی در بصره نیز به آتش کشیده شد.

ساکنان شهر، دولت را به فساد متهم می کنند و می گویند چرا منطقه ای که ثروت نفتی عراق را در خود جای داده با فقر و بیکاری روبرو است. آنها همچنین به مداخله رژیم جمهوری اسلامی در امور محلی معترض هستند.

بیش از ۷۵۰ نفر خواهان آزادی فوری فعالان بازداشت شده حقوق زنان شدند



بیش از ۷۵۰ نفر با امضای بیانیه ای خواستار آزادی بی قید و شرط کنشگران بازداشت شده حقوق زنان شدند. هدی عمید، نجمه واحدی و رضوانه محمدی، سه کنشگر حقوق زنان نزدیک به یک ماه است در بازداشت به سر می برند. علاوه بر آنها، دستکم یکی دیگر از فعالان حقوق زنان در ایران هم در این فاصله بازداشت شده است.

بیانیه ای که به امضای حدود ۸۰۰ نفر از شهروندان، کنشگران حقوق زنان و فعالان مدنی

رسیده، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط این سه تن شده و با مروری بر روند بازداشت و نگهداری افراد در بازداشتگاه ها، آنرا فراقانونی و ناقض دادرسی عادلانه دانسته. امضاکنندگان همچنین خواستار پیگیری و پاسخگویی مقامهای دولتی، قضایی و نمایندگان مجلس در این زمینه شده اند.

نویسندگان بیانیه تاکید کرده اند: "رضوانه محمدی، نجمه واحدی و هدی عمید با نوشته هایشان و کنشگری در حوزه حقوق زنان از طریق آگاهی رسانی و آموزش درباره شروط ضمن عقد، نفی خشونت خانگی، مقابله با کار خانگی زنان در شرایط ناعادلانه و در یک کلام تلاش قانونی برای برابری جنسیتی و سلامت جامعه شناخته شده اند و همواره نسبت به اتفاقات جامعه و تبعیض یا ناآگاهی، مسوولانه برخورد کرده اند."

مجلس: تصمیم گیری در باره اشتغال همسر، حق ذاتی مرد است

محمدعلی پورمختار، عضو کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به نشست کمیسیون قضایی مجلس گفت: "در جلسه امروز طرحی از سوی فراکسیون زنان به کمیسیون ارایه شد که در این طرح پیشنهاد شده بود ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی بدین شرح اصلاح شود که مرد اگر مخالف اشتغال زنش است، باید از طریق دادگاه مخالفتش را اعلام کند." به گفته پورمختار: "در ماده ۱۱۷ آمده است که مرد چنانچه شغل زن مخالف شئونات خانوادگی و همچنین مرد خانواده باشد، می تواند جلوی اشتغال زن را بگیرد." وی افزود: "از آنجا که در طرح اعضای فراکسیون زنان این حق ذاتی در عمل از مرد سلب شده است، این پیشنهاد با مخالفت اعضای کمیسیون همراه شد."

این مقام مجلس شورای اسلامی همچنین از مخالفت با اصلاح قانونی که ازدواج دختران بالغ را مشروط به اجازه پدر یا ولی آنها می کند، خبر داد.



دو فعال حقوق زنان برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۱۸

"نادیا مردا" و "دنيس موک وگه" روز آدینه، ۱۳ مهرماه، به طور مشترک به عنوان برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۱۸ معرفی شدند.

نادیا مراد، یک زن ایزدی ۲۵ ساله از سنجار عراق، پس از "ملاله یوسف زی"، جوان ترین برنده جایزه صلح نوبل به شمار می رود. او در سال ۲۰۱۴ به همراه هزاران دختر و زن ایزدی به عنوان برده جنسی به

اسارت داعش درآمد. شش برادر او به قتل رسیدند. دنيس موک وگه، پزشکی اهل جمهوری دموکراتیک کنگو، است که به زنان قربانی خشونت‌های جنسی کمک می کند. او همکارانش در کنگو نزدیک به سیصد هزار قربانی تجاوز را مورد درمان قرار داده اند.

آکادمی نوبل روز جمعه در بیانیه ای که به همین منظور منتشر کرد، این دو برنده را به دلیل "تلاش شان برای پایان دادن به استفاده از خشونت جنسی در جنگ" لایق این جایزه دانست.

به گفته آکادمی نوبل، دنیس موک و گه اهل کنگو "زندگی خود را وقف دفاع از قربانیان خشونت جنسی در جنگ کرده است" و نادیا مراد خود شاهد این نوع خشونت بوده و از خشونت و آزاری گفته است که بر خود او و زنان دیگر به دست داعش رفته است.

طبق اطلاع کمیته جایزه نوبل، در سال جاری برای این جایزه ۳۳۱ نامزد بررسی شده اند: ۲۱۶ فرد و ۱۱۵ گروه. سال گذشته جایزه صلح نوبل به کارزار بین المللی محو سلاحهای هسته ای تعلق گرفت.



بازداشت شاعر و فعال لرستانی از سوی اداره اطلاعات

روز شنبه، ۱۴ مهرماه، مینا راد، شاعر جوان اهل درود و فعال حقوق زنان و کودکان، پس از احضار به اداره اطلاعات این شهر بازداشت شد.

به گفته یک منبع مطلع، مینا راد هفته گذشته چندین بار از طریق تلفن برای روز شنبه به اداره اطلاعات احضار شده بود، اما از هنگام مراجعه به این مرکز تاکنون هیچ خبری از سرنوشت وی در دست نیست. همچنین تلاش خانواده مینا برای مطلع شدن از سرنوشت او بی نتیجه مانده است.

مینا راد در تاریخ ۲۳ تیرماه امسال نیز احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود.

جایزه نوبل فیزیک پس از ۵۵ سال و برای سومین بار به یک زن رسید

جایزه نوبل فیزیک به صورت مشترک به ۴ فیزیکدان رسید، اما در این میان برنده شدن یک زن برای نخستین بار در ۵۵ سال گذشته قابل توجه است.

جایزه نوبل فیزیک امسال به طور مشترک به دونا استیرکلند از کانادا، "آرتور اشکین" از آمریکا و "جرارد مورو" از فرانسه به خاطر نوآوریهای انقلابی در حوزه فیزیک لیزری تعلق گرفته است.

از سال ۱۹۶۴ سابقه نداشته است که نوبل فیزیک به یک زن در جهان برسد. "ماری کوری" در سال ۱۹۰۴ نخستین زن جهان بود که به خاطر تحقیقات خارق العاده روی پدیده تابش که توسط پروفیسور "هانری بکرل" کشف شده بود، برنده نوبل فیزیک شد.

پس از او در سال ۱۹۶۴ "ماریا ژئوپرت مایر" تنها زن دیگر تاریخ بود که برای اکتشافات خود در مورد ساختار پوسته هسته ای نوبل فیزیک را دریافت کرد. اکنون پس از نیم قرن بار دیگر یک دانشمند زن برنده این جایزه در رشته مهمی مانند فیزیک شده است.

دونا استیرکلند مدرک مهندسی فیزیک خود را از دانشگاه "مک مستر" کانادا دریافت کرده و در سال ۱۹۸۹ دکتری خود را در رشته نور شناسی از دانشگاه "راچستر" آمریکا گرفته است.

سلب حق سرپرستی فرزند به دلیل اعتراض به حجاب اجباری

اعظم جنگروی، از دختران خیابان انقلاب، که با برداشتن حجاب خود در مقابل قنادهای فرانسه در خیابان وصال تهران به دختران خیابان انقلاب پیوست، در توییت خود اعلام کرد به دلیل اعتراض به حجاب اجباری حق سرپرستی فرزندش را از او گرفته اند. وی همچنین اعلام کرد پیش از این در مورد این موضوع تهدید شده است.

اعظم جنگروی از فعالان اجتماعی در حوزه زنان است که فعالیتهای خود را از "مجمع زنان اصلاح طلب" و "حزب کارگزاران" آغاز کرد، ولی چندی پیش اعلام کرد جریان اصلاح طلبان حکومتی دیگر پاسخگوی نیازهای جامعه نیست و با اصلاحات ادعایی آنها کار به جایی نمی رسد.

هشدار شورای اتحادیه اروپا نسبت به وضعیت زنان در ترکیه

شورای اروپا روز دوشنبه ۲۳ مهر (پانزدهم اکتبر) به ترکیه به دلیل ازدواج کودکان در این کشور، خشونت علیه زنان و تخفیف یا مجازات نکردن مجرمان هشدار داد.

بنا به گزارش منتشر شده از سوی این شورا، گروهی از کارشناسان اروپایی از ترکیه خواسته اند که اقدامات بیشتری برای دفاع از حقوق زنان و کودکان انجام دهد.

شورای اروپا که مقر آن در شهر استراسبورگ است، وظیفه نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ۴۷ کشور عضو این شورا، از جمله ترکیه را برعهده دارد.

در گزارش کارشناسان شورای اروپا آمده است که زنان قربانی خشونت و آزار جنسی و تجاوز در ترکیه مورد حمایت ضروری دولت قرار نمی گیرند. برخی از قضات ترکیه نیز با مرتکبین خشونت علیه زنان برخورد جدی نمی کنند.

نگرانی کارشناسان همچنین افزایش موارد ازدواج دختران خردسال در ترکیه است. طبق آمار، یک چهارم زنان این کشور پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند. در خارج از شهرهای بزرگ ازدواج دختران خردسال نیز رواج دارد. بنا به گزارش شورای اروپا، از هر سه زن ترک در نقاط روستایی و شهرهای کوچک، یک زن در سنین خردسالی از سوی خانواده مجبور به ازدواج شده است.

کارشناسان شورای اروپا در گزارش خود از مسوولان ترکیه خواسته اند که اقدامات لازم را برای بهبود وضعیت زنان و دفاع از حقوق آنان انجام دهند.

شورای اروپا همچنین از ترکیه خواسته است ازدواج زیر ۱۸ سال را در قوانین این کشور جرم بشناسد.

راهپیمایی در شیکاگو علیه برنامه های ضد زن ترامپ

هزاران تن از زنان در شیکاگو در اعتراض به اقدامات و برنامه های ضد زن دولت دونالد ترامپ، رییس جمهور آمریکا، تظاهرات کردند.

در این راهپیمایی که توسط جنبش Woman's March Chicago که با هدف نشان دادن قدرت و اراده زنان در آستانه انتخابات کنگره برگزار شد، هزاران نفر شرکت داشتند.



"جسیکا شیلر"، سخنگوی این جنبش گفت: "ما می خواهیم انتخابات کنگره را پیش ببریم و زنان را تشویق کنیم که بیرون بیایند و رای بدهند." قرار است انتخابات کنگره در ۶ ماه نوامبر برگزار شود.

این جنبش اعلام کرده که هدف از برگزاری این راهپیمایی، اعتراض به برنامه ضد زن دولت ترامپ و حزب جمهوریخواه است. قرار است راهپیماییهای مشابهی در دیگر شهرها نیز برگزار شود. شیلر گفت: "زنان جامعه آمریکا عصبانی هستند".

جمهوری خواهان در حال حاضر هم کاخ سفید را در اختیار دارند و هم در کنگره اکثریت هستند.

کارورزان سلامت (مهر ۱۳۹۷)

امید برهانی

شاید مهم ترین تیتراهای اخبار سلامت را بتوان اظهارات متفرعانه، چاله مبدانی و شبه فاشیستی وزیر بهداشت و درمان، قاضی زاده ی هاشمی، در سه تاریخ متوالی و نزدیک به هم از اواخر شهریور تا پایان مهر ماه، و واکنشهای عمومی تند از طریق شبکه های اجتماعی دانست که از فرط فضاخت سیاسی و اجتماعی، داد همه ی خودیها و غیر خودیها را در رسانه های گوناگون و حتی صدا و سیمای حکومتی در آورد.

وزیر بار نخست خطاب به مردم گفت: فعلا مدیریت همین است، رای داده اید، رییس جمهور و مجلس انتخاب کرده اید، آنها هم وزیر معرفی و تایید کرده اند، حالا باید همه تحمل کنیم!

بار دوم خطاب به پیرمرد ناتوانی که به سختی خود را به وی رسانده و از گرانی تعرفه ی فیزیوتراپی گله مند بود گفت: فیزیوتراپی لازم نداری، خودت حوله گرم بذار و بمال!!

و بار سوم در مصاحبه ی تلویزیونی در پاسخ به سوال انتقاد آمیز مجری از کمبود داروهای بیماران خاص، از طرف مردم اظهار داشت: مردم حاضرند برای دو سال بیشتر عمر کردن یک بیمار، میلیاردها تومان هزینه بشه؟ یا پول برای شیر خشک داشته باشیم!!!

به این ترتیب، چکیده و عصاره ی ویژگیهای اصلی نظام جمهوری اسلامی، یعنی عدم پاسخ گویی، عوام گرایی و لمپنیسم، و سر انجام بی اخلاقی و فاشیسم، همه یکجا در وزیر بی شخصیت و نو کیسه به نمایش گذاشته شد.

انتشار عمومی و رسانه ای رفتارهای بالا چندان گسترده بوده و هنوز هم هست که وقت و حجم بیشتری از ماهنامه را فعلا صرف آن نمی کنم و در زمان دیگر به تحلیل آن می پردازم.

فاصله نیروی پرستاری در ایران با استانداردهای جهانی

معاون پرستاری وزارت بهداشت، وضعیت نیروی پرستاری در مراکز درمانی کشور را نامطلوب خواند و گفت: آمار نیروی پرستاری در ایران با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارد.

مریم حضرتی در نشست روز سه شنبه ۱۰ مهر، در کمیسیون بهداشت و درمان با دستور کار بررسی مشکلات جامعه پرستاری گفت: کمبود نیروی پرستاری یک چالش بزرگ است که آمریکا نیز تا سال ۲۰۲۵ حدود ۵۰۰ هزار نیروی پرستاری کمبود دارد که این کمبود را از سایر کشورها در حال تامین است.

وی اظهار داشت: کف استاندارد جهانی نسبت نیروی پرستاری به تخت ۱.۸ است اما این رقم در ایران ۰.۸ است و این آمار با استاندارد جهانی فاصله بسیاری دارد.

همچنین در روز یکشنبه ۲۲ مهر، رییس کل سازمان نظام پرستاری با اشاره به وضعیت بحرانی نیروی پرستاری در مراکز درمانی کشور گفت: با توجه به ایجاد تختهای درمانی به ۳۰۰ هزار پرستار نیازمندیم.



برای زنده ماندن دارو می خواهیم

جمعی از خانواده های بیماران مبتلا به SMA از استانهای مختلف کشور به دلیل پیگیری نشدن مطالبات دارویی و درمانی فرزندان شان از طرف وزارت بهداشت، روز دوشنبه ۲ مهر مقابل این وزارت خانه تجمع کردند.

مادر یک کودک دو ساله که در جمع معترضان حضور داشت گفت: در حال حاضر تنها داروی اصلی این بیماری استینارزا بوده که نتیجه درمانی آن در استرالیا، ایرلند، ترکیه و تعداد

زیادی از کشورهای دیگر مشخص شده است، ولی متأسفانه مسوولان وزارت بهداشت به ما اعلام کرده اند که این دارو هزینه بالایی دارد و امکان ورود آن را به کشور نداریم.

پدر یکی دیگر از معترضان که به همراه فرزند چهار ساله اش با ویلچر در محل حضور دارد، اظهار داشت: من از شهر گنبد جهت نشان دادن اعتراض خود به این محل آمده ام، متأسفانه بیماری SMA حتی در بیمارستان هم کدی به آن اختصاص داده نشده و فرزند من زمان بستری به اسم عفونت ریه پذیرش می شود. وی گفت: هزینه های ما سرسام آور است و علاوه بر مشکلات درمانی و بی توجهی وزارت بهداشت، بهزیستی و کمیته امداد کمکی برای ما انجام نمی دهند، حتی تأمین ویلچر نیز در این زمینه مستثنا نیست.

این صحبتها و خواسته های خانواده بیماران در حالی است که وزیر بهداشت چندی قبل در یک برنامه تلویزیونی گفته بود که مردم حاضر نیستند این هزینه سنگین را از بیت المال برای افزایش طول عمر دو یا سه ساله بیماران بپردازیم.

صدمات اضافه کاریهای اجباری پرستاران

رییس نظام پرستاری دامغان، اضافه کاریهای اجباری پرستاران را موجب برهم خوردن شرایط زندگی آنان دانست و گفت: حجم کاری پرستاران باعث عدم تعادل بین کار و زندگی پرستاران می شود. وی اضافه کرد که: با توجه به کمبود نیروی پرستاری، پرستاران موظف به گذراندن اضافه کاریهای اجباری هستند که این امر به نوعی پرستاران را از کار کردن در حرفه پرستاری دلزده می کند بنابراین پرستاران با این حجم از کار نمی توانند با نقش خود در خانواده و محل کار ارتباط برقرار کنند و دچار استرس شده و این اضطراب به محل کار و خانه آنها نیز رسوخ کرده بنابراین کیفیت ارائه خدمات به بیماران کاهش خواهد یافت

انتقاد از طرحهای ضد پرستاری

دبیرکل خانه پرستار، با انتقاد از طراحی طرحهای ضدپرستاری، گفت: انتظار می رفت با تشکیل معاونت پرستاری در وزارت بهداشت، کارها تسهیل شود اما سخت تر شده است.

محمد شریفی مقدم در کنگره خانه پرستار اظهار داشت: این کنگره در راستای اصلاح اساسنامه و مرامنامه خانه پرستار و همچنین انتخابات شورای مرکزی و بازرسان برگزار شده و افزود: خانه پرستار تلاش می کند در چارچوب قوانین، کمک کننده به حل مسائل و مشکلات پرستاری باشد.

وی با انتقاد از جریانی خاص که به دنبال تحقیر و تخریب پرستاری است، افزود: این جریان خاص با عملکرد و تسلط بر وزارت بهداشت، باعث بحرانی شدن شرایط پرستاری در کشور شده است.

شریفی مقدم با عنوان این مطلب که ایران به لحاظ نیروی پرستاری جزو کشورهای عقب افتاده محسوب می شود، گفت: در کشورهایی همچون گرجستان و ارمنستان، به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۶ نیروی پرستاری وجود دارد. در حالی که در کشور ما به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ۱.۵ نیروی پرستاری وجود دارد و این در حالی است که بیش از ۲۰ هزار پرستار فارغ التحصیل جوان در کشور داریم که بیکار هستند.

پرستاران اراکی یک سال معوقه دارند

کمبود نیروی پرستاری یکی از مشکلات همیشگی در حرفه پرستاری بوده است که با توقف جذب و استخدام پرستاران شکل حاد تری به خود گرفته است. محسن غنجدی رییس هیات مدیره نظام پرستاری اراک در رابطه با کمبود نیروی انسانی پرستاری ضمن بیان این مطلب اظهار داشت: کمبود نیرو در همه مراکز درمانی سطح کشور وجود دارد و اراک نیز مانند سایر شهرها با این مشکل دست و پنجه نرم می کند و این مشکل در کنار مشکلاتی نظیر کمبود امکانات و منابع شدت می یابد.

وی با اشاره به بحث معوقات پرستاران اظهار داشت: مزایای ما در طرح قاصدک هم اکنون یک سال است که معوق شده و این موضوع باعث نارضایتی گسترده در بین همکاران پرستار شده است. البته این موضوع در مورد شهرستانهای اطراف شدت می یابد به طوری که مطلع شده ایم پرستاران خمین ۱۵ ماه است که مزایای خود را دریافت ننموده اند.

مشکل تامین دستکش یکبار مصرف دچار

کمبود بودجه یکی از مشکلات اساسی این روزهاست که بیمارستانها و مراکز درمانی را دچار چالشهای جدی نموده است. به نحوی که در برخی مراکز درمانی شاهدیم که همکاران پرستار حتی دستکش یکبار مصرف هم برای انجام کارهای مربوط به بیماران ندارند.

حُرکتهای اعتراضی پرستاران

جنبش پرستاری در حال حاضر مشی آرام و صلح طلبانه ی خود را از طریق نهاد های صنفی خود یعنی خانه ی پرستار و سازمان نظام پرستاری ایران به پیش می برد. تعدادی از پرستاران نیز به علت شرایط سخت کاری و دستمزدها ناچیز راه مهاجرت را انتخاب می کنند. دبیرکل خانه پرستار با تایید اینکه بیشتر کشورهای دنیا نیاز به نیروی پرستاری دارند، گفته است: «در سال حدود ۴۰۰ پرستار از ایران مهاجرت می کنند».

بی تردید با توجه به ماهیت بوروکراتیک و پتانسیل محدود این نهاد ها در ایجاد، رهبری و ادامه ی یک جنبش تمام عیار عدالت خواهانه و ضد طبقاتی، در نهایت این پرستاران و پیرا پزشکان هستند که باید با اتحاد و همگرایی در داخل، حساب خود را از اصلاح طلبی واداده جدا کرده و در کنار اقلیت به پا خاسته کارگران، کامیون داران و معلمان در ماههای اخیر، دست به اعتصابهای فلج کننده ی سیستم بزنند و نقش تاریخی خود در مبارزه ی طبقاتی نوین ایران را به خوبی ایفا کنند.

چندین تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان خمینی کرج



چند صد نفر از کارکنان بیمارستان فوق تخصصی خمینی در کرج به همراه تعدادی از قربانیان جنگ ۸ ساله در روز شنبه ۷ مهر در اعتراض به وضعیت بلا تکلیفی بیمارستان و عدم پرداخت مطالبات مزدی یازده ماهه کارکنان در مقابل بیمارستان تجمع کردند.

قاسم طاهری (نایب رییس شورای اسلامی کار بیمارستان فوق تخصصی امام خمینی کرج) گفت: غیر از کارکنان بیمارستان در حدود ۵۰ نفر از جانبازان و ایثارگران استان البرز نیز در این تجمع

حضور یافته اند. همچنین ۴ پزشک که مطالبات بین یک الی دو ساله دارند، در بین تجمع کنندگان هستند. وی در خصوص مطالبات تجمع کنندگان اظهار داشت: مطالبات مزدی کارکنان بیمارستان اکنون به حدود ۱۱ ماه رسیده است. ما فقط وعده و وعید از مسوولان می شنویم. متأسفانه مسوولان مربوطه در استانداری البرز به مشکلات این بیمارستان توجهی نمی کنند و شرایط بلا تکلیفی برای آن ایجاد کرده اند.

تجمعهای اعتراضی پرستاران در روزهای یکشنبه ۸ مهر، دوشنبه ۹ مهر، سه شنبه ۱۰ مهر، چهارشنبه ۱۱ مهر، پنجشنبه ۱۲ مهر، شنبه ۱۴ مهر برای هفت روز متوالی ادامه پیدا کرد و پرستاران این بیمارستان بار دیگر در روز یکشنبه ۲۲ مهر در پی برآورده نشدن مطالبات کارکنان بیمارستان دست به تجمع زدند.

چهارشنبه شب ۱۱ مهر، پزشکان بیمارستان به علت نداشتن مواد مصرفی اولیه برای رسیدگی به بیماران در بیمارستان حاضر نشدند. رییس بیمارستان اعلام کرده بود که این بیمارستان به دلیل نداشتن مواد اولیه مصرفی در رسیدگی به بیماران تعطیل است.

بیمارستان خمینی کرج تحت مالکیت بنیاد شهید، سازمان همیاری شهرداریها و استانداری البرز است. دستمزد کارکنان این بیمارستان طی ۱۱ ماه گذشته پرداخت نشده است. رییس بیمارستان «در شرف واگذاری بودن» را علت تاخیر در پرداخت دستمزدها عنوان کرده است. کارکنان بیمارستان هم گفته اند که مسوولان با عدم پرداخت دستمزد به دنبال «ورشکستگی ساختگی بیمارستان برای واگذاری آن به قیمت ارزان به بخش خصوصی هستند».

این بیمارستان زیر نظر شورای همیاری شهرداری استان البرز اداره می شود که اخیرا بابت بدهی بیمارستان به تامین اجتماعی ۱ میلیارد و دویست هزار تومان به سازمان پرداخت شده است.

تجمع پرستاران مقابل تعاونی نظام پرستاری تهران

جمعی از پرستاران شاغل در تهران، بامداد روز شنبه ۷ مهر مقابل دفتر تعاونی نظام پرستاری در تهران تجمع کردند.



معترضان می گویند: ماههاست در انتظار دریافت وام از این تعاونی هستیم اما نه وام می دهند نه حاضر هستند سپرده های ما را برگردانند.

یکی از حاضران در تجمع می گوید: ۸۰ میلیون تومان به تعاونی پرداخت کرده ام؛ اما بعد ماهها حتی حاضر نیستند اصل پول را به من برگردانند؛ این ۸۰ میلیون را هر جا سرمایه گذاری کرده بودم، امروز چند برابر شده بود ولی با سرمایه گذاری در تعاونیها که باید متعلق به خود پرستاران باشد، گویا اصل پول را هم از دست داده ام.

تجمع دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد سنندج

دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه آزاد سنندج با وجود پرداخت شهریه و ثبت نام، امکان ادامه تحصیل ندارند. رییس دانشگاه گفته است که وزارت بهداشت و درمان امکان پذیرش دانشجوی پرستاری را به این دانشگاه نداده است.

دانشجویان نیز در واکنش به این تصمیم روز دوشنبه ۲۳ مهر، مقابل ساختمان مدیریت دانشگاه تجمع کردند و خواستار پاسخگویی مسوولان دانشگاه شدند.

وزارت بهداشت و درمان جمهوری اسلامی در راستای اجرای طرح پرستار بیمارستانی، ظرفیت پذیرش دانشجویان در رشته پرستاری را کاهش داده است. نهادهای صنفی پرستاری طرح پرستاران بیمارستانی را «زیانبار» و مشابه طرح کارورزی توصیف کرده اند.

تجمع دانشجویان بلا تکلیف رشته های پزشکی دانشگاه آزاد

دانشجویانی که از دانشگاه آزاد در رشته پزشکی و دامپزشکی خبر قبولی گرفته اند و اکنون دانشگاه آنها را ثبت نام نمی کند، روز چهارشنبه ۲۵ مهر دست به تجمع زده و به مقامات این دانشگاه اعتراض کردند.

تجمع اعتراضی دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد گچساران

بامداد روز چهارشنبه ۲۵ مهر، تعدادی از دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد واحد گچساران به دلیل اخراج از دانشگاه، آنهم بعد از یک هفته تحصیل، جلوی فرمانداری گچساران تجمع کردند.

یکی از دانشجویان گفت: در آزمون سراسری ثبت نام کردیم و به عنوان ذخیره در رشته پرستاری انتخاب شدیم و در ادامه از دانشگاه آزاد واحد گچساران جهت ثبت نام با ما تماس گرفته شد و ما مراحل ثبت نام، انتخاب واحد، خرید جزوات درسی، کتاب، اجاره منزل و.....را انجام دادیم.

این دانشجو در ادامه افزود: بعد از این که یک هفته در کلاسها شرکت کردیم، در کمال حیرت و تعجب مسوولان دانشگاه به ما اعلام کردند که ظرفیت تکمیل شده و از ورود ما به کلاسها جلوگیری کردند و تا کنون جوابی قانع کننده به ما نداده اند و هیچ مسوولی پاسخگو ما نیست و این موضوع ضربه روحی شدیدی به دانشجویان وارد کرده است.

(منابع: ایلنا، رادیو زمانه، ایرنا، کبنا نیوز، سلامت نیوز، فارس، پایگاه اطلاع رسانی سازمان نظام پرستاری)



چالشهای معلمان در مهر ماه

حبس و شلاق برای بازداشت شدگان تجمع اردیبهشت معلمان

شش تن از بازداشت شدگان تجمع ۲۰ اردیبهشت معلمان مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران که با قرار کفالت از زندان اوین آزاد شده بودند، به اتهام "اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات غیرقانونی" و "تمرد نسبت به مامورین حین انجام وظیفه" هر یک به تحمل ۹ ماه حبس تعزیری و پرداخت جریمه نقدی بدل از ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند.



دادگاه رسیدگی به اتهامات عالییه اقدام دوست، عضو اتحادیه بازنشستگان، رسول بدایقی، بازرس سابق کانون صنفی معلمان تهران، اسماعیل گرامی، جواد ذوالنوری، حسین غلامی و محمد عابدی روز ۱۴ شهریور در شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی کارکنان دولت تشکیل شد.

قانون نمایشی و شرایط واقعی آموزشیاران نهضت سوادآموزی

تعدادی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی روز دوشنبه ۲ مهر در اعتراض به اجرا نشدن مصوبه مجلس درباره به کارگیری در آموزش و پرورش، در مقابل این وزارتخانه تجمع کردند و خواستار پیگیری وضعیت شان شدند.

این آموزشیاران می گویند که آموزش و پرورش درباره به کارگیری آنها در این وزارتخانه به قانون عمل نمی کند. آنها با در دست داشتن پلاکاردهای "علت تبعیض افشا باید گردد" و "نهضتی بیدار است از تبعیض بیزار است" خواستار پیگیری مشکل شان شدند.



یکی از معترضان گفت: "از سال ۹۰ به عنوان آموزشیار نهضت سوادآموزی شروع به کار کردم اما واقعا از بی عدالتی خسته شدم. به قانون عمل نمی شود و ما همچنان بلا تکلیف مانده ایم." بنا به مصوبه مجلس، وزارت آموزش و پرورش مکلف است که مشمولان قانون اصلاح تبصره ۱۰ ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی را با شرایطی استخدام کند.

تجمع معلمان بجنورد در اعتراض به وضعیت معیشتی



شماری از معلمان شهر بجنورد در استان خراسان شمالی در اعتراض به وضعیت معیشتی خود روز سه شنبه ۱۰ مهر تجمع کردند. معلمان معترض خیابان را بستند و دست به تحصن زدند. آنها علت اعتراض خود را پایین بودن حقوق و شرایط بد زندگی و معیشت عنوان کردند.

معلمان ایران تابستان سال جاری در اعتراض به بخشنامه آموزش و پرورش مبنی بر حذف فوق العاده و سختی شغل و واقعی نشدن دستمزدها یک کارزار مجازی تحت عنوان "این فیش حق من نیست" سازمان دادند. در این کمپین مجازی معلمان فیشهای حقوقی خود را آتش زدند.

دو فعال زندانی، معلمان را به همبستگی و اتحاد فراخواندند



دو معلم زندانی، اسماعیل عبدی و محمود بهشتی لنگرودی، با ارسال پیامی از زندان اوین، پنجم اکتبر، روز جهانی معلم را به همکاران خود تبریک گفته و شرایط وخیمی که کارورزان فرهنگی ایران در آن بسر می برند را یادآور شدند. این دو معلم ضمن دعوت به "اتحاد و همبستگی معلمان برای آموزش و پرورش انسانی، برابر و رایگان برای همه"، خطاب به همکاران خود در سراسر جهان نوشتند: "معلمان زندانی چشم به راه همبستگی و پشتیبانی همکاران خود در سرتاسر کره زمین هستند. اتحاد معلمان و تشکلهای متفاوت معلمان سرتاسر جهان، برای رسیدن به آموزش و پرورشی مستقل و آزاد، امری مهم و ضروری

است. دست همگی شما را از درون زندان معروف اوین به گرمی می فشاریم و از همه شما برای حمایتهای بیدریغ تان نهایت تشکر را داریم. زنده باد همبستگی همه معلمان جهان!"

تجمع مربیان پیش دبستانی ایزه مقابل استانداری

بیش از چهل مربی پیش دبستانی ایزه روز دوشنبه ۱۶ مهر مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. خواسته این مربیان مشخص شدن وضعیت استخدامی و جذب در سیستم آموزش و پرورش است.

معترضان گفتند: "از بلا تکلیفی به ستوه آمده ایم و توقع داریم که آموزش و پرورش و مقامات استان فکری به حال مربیانی بکنند که چندین سال سابقه کار دارند." به گفته آنها، در مجموع ۸۶ مربی پیش دبستانی عشایر در شهرستان ایزه وجود دارد که ۴۰ نفر از این تعداد جذب شدند و ۴۶ نفر دیگر هنوز جذب نشده اند.

آنها می گویند: "از تبعیض خسته ایم. چه فرقی میان ما و آنهایی که جذب شده اند وجود دارد؟ چرا آموزش و پرورش همه را یکسان جذب نمی کند؟"

این مریدان از سال ۱۳۸۹ بدون بیمه مشغول به کار هستند و بارها در اعتراض به وضعیت نامساعد شغلی خود مقابل استانداری خوزستان و نهادهای دیگر تجمع کرده اند.

فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی به اعتصاب دو روزه

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه ای در اعتراض به گرانی و تورم و کاهش بی سابقه قدرت خرید، فرهنگیان سراسر کشور را به تحصن در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر فراخواند.

در این بیانیه با یادآوری این واقعیت که مسوولان گوش و چشم خود را به روی مشکلات و رنجهای فرهنگیان بازنشسته و شاغل بسته اند، تاکید شده: "حال که گرانی و تورم افسارگسیخته شده و قدرت خرید معلمان چون اکثریت زحمتکشان جامعه بسیار پایین آمده، آموزش هزینه اش گزاف گشته و مجلس و دولت نتوانسته اند برای سفره تقریباً تهی فرهنگیان بازنشسته و شاغل و بهبود وضعیت آموزش چاره ای بیاندیشند، وقت آن رسیده است که ما نیز اعتراض خویش را نسبت به این اوضاع آشفته آموزش و پرورش نشان دهیم."

شورای هماهنگی سپس از معلمان خواسته است روزهای یکشنبه ۲۲ و دوشنبه ۲۳ مهرماه در دفتر مدارس تحصن و از حضور در کلاس درس خودداری کنند.

این شورا در باره واکنشهای امنیتی حکومت به اعتراض معلمان می گوید: "به حراستها و نهادهای امنیتی نسبت به عواقب برخورد پلیسی و امنیتی هشدار می دهیم. ما طعم زندان را نیز چشیده ایم و سالهاست شیردلانی را دربند داریم. پس لطفا شیوه و روش تهدیدی را کنار بگذارید."

آنها در پایان تاکید کرده اند که اعتراضات ادامه خواهد داشت و به حکومت هشدار داده اند: "تحصن مهر آغاز دور جدید اعتراضات ماست و اگر سریعاً تغییر مثبت و قابل توجه در فیشهای حقوقی بازنشستگان و شاغلان و سرانه دانش آموزان مشاهده نگردهد، اعتراض سراسری خود را در ابعاد گسترده تری در آبان ماه ادامه خواهیم داد."

اعتصاب معلمان در شهرهای مختلف ایران



روز یکشنبه ۲۲ مهر، معلمان در شهرهای مختلف از جمله تهران، سقز، رشت، لاهیجان، یزد، تبریز، بابل، کرمانشاه، بهبهان، سرپل ذهاب، شیراز، سنندج، آمل، مریوان، دیواندره، گرمه، مشهد، خرم آباد، البرز، فیروزکوه، مبارکه، تربت جام، روانسر، شیروان، بابل، اسلام آباد غرب، اصفهان، سبزه وار، زرین شهر (همدان)، بجنورد، جوانرود، ساری، کرج، ایوان غرب، همدان، یاسوج، بهارستان، پاوه، اسلام شهر، پلدختر، سروآباد، امیدیه، کازرون، سمیرم، روستای کمار جلفا، شاهین دژ، قزوین، فیروزآباد، مهاباد، ایوان غرب، شاهین شهر، خمینی شهر (اصفهان)، رومشکان (لرستان)، ایلام، گناباد، تربت حیدریه، لامرد فارس، سروآباد کردستان، باینگان پاوه، تاکستان، زیویه کردستان، پل دختر، ارومیه، آستانه اشرفیه، لنگرود و ... کلاسهای درس را تعطیل کرده و دست به اعتصاب زدند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران که فراخوان این تحصن را صادر کرده است، یک تشکیلات برآمده از ائتلاف تشکلهای صنفی و مجوز دار است.

اعتراض به تورم و گرانی و کاهش قدرت خرید معلمان، آزادی معلمان دربند و مخالفت با پولی سازی آموزش از مطالبات اصلی معلمان است.

معلمان معترض دست‌نوشته‌هایی چون "جای معلم زندان نیست"، "ما به تبعیض اعتراض داریم"، "تبعیض حق معلم نیست"، "نه به خصوصی سازی آموزش"، "آموزش به زبان مادری حق است"، "ما خواهان اجرای طرح رتبه بندی هستیم" و ... در دست داشتند.

مشارکت معلمان، گسترده و در سراسر ایران بوده است. در برخی از مدارس روستایی و مناطق محروم معلمان به صورت تک‌نفره تحصن کردند.

دومین روز اعتصاب و تحصن سراسری معلمان



اعتصاب و تحصن معلمان و فرهنگیان که از روز گذشته در دهها شهر کشور آغاز شده بود، روز دوشنبه ۲۳ مهر نیز ادامه یافت.

اعتصاب و تحصن معلمان در استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، البرز، بوشهر، اصفهان، کرمان، لرستان، خوزستان، کرمانشاه، کردستان، همدان، فارس، زنجان، قم، مازندران، تهران، خراسان شمالی، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، گیلان و هرمزگان و در شهرهای تبریز، سردرود، جلفا، شاهین دژ، اصفهان، زرین شهر، سمیرم، شاهین شهر، کرج، ایوانغرب، ایلام، بوشهر، تهران، نسیم شهر، شهرکرد، لردگان، مشهد، تربت حیدریه، تربت جام، گناباد، نیشابور، گرمه، بجنورد، کازرون، لامرد، فیروزآباد، شیراز، رزن، تاکستان، سنندج، پاره، اسلام آبادغرب، روانسر، یاسوج، رومشکان، خرم آباد، الیگودرز، بابل، آمل، ساری، سرخ رود، اراک، همدان، و یزد برای اعتراض به وضعیت معیشتی و زندگی در زیر خط فقر، گرانی، تورم و زندانی بودن گروهی از معلمان برگزار شد.

در حال حاضر، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی و محمد حبیبی در حال گذراندن دوره زندان خود به اتهامهای امنیتی هستند.

خواسته های معلمان متحصن در سه دسته بندی از این قرار است:

افزایش حقوق معلمان متناسب با خط فقر

بیمه مناسب معلمان

امنیت شغلی

بازگشت منزلت از دست رفته معلمان

رفع تبعیض از ساختار نظام آموزشی

تحصیل رایگان

افزایش بودجه آموزش و پرورش

افزایش بودجه سرانه مدارس

ایمن سازی مدارس

استانداردسازی مدارس

افزایش سرانه محیط و فضای آموزشی متناسب با استانداردهای بین المللی

جایگزین کردن و ساخت مدارس استاندارد و مناسب به جای مدارس کپری، چادری، خشتی، سنگی و صحرایی

تامین آب و برق و گرمایش مناسب مدارس

حل مساله اسکان بیش از حد دانش آموزان در کلاس درس

توقف خصوصی سازی و پولی سازی مدارس

جلوگیری از اختلاس و دزدی در صندوق ذخیره فرهنگیان

تغییر محتوای کتب آموزشی

آزادی کلیه معلمان زندانی

لغو احکام قضایی معلمان فعال صنفی

کنار گذاشتن برخوردهای امنیتی به اعتراضات صنفی معلمان

به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل معلمان

حمایت سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از اعتصاب معلمان

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با صدور اطلاعیه ای با معلمان اعتصابی اعلام همبستگی کرد و حمایت خود از خواسته های آنها را اعلام داشت.

در بخشی از اعلامیه بر همبستگی طبقاتی کارگران و معلمان اشاره شده و گفته می شود: "معلمان بخشی از طبقه کارگر



ایران هستند. آنان خواستار آزادی معلمان زندانی، اعتراض به تورم، فقر و فلاکت، داشتن زندگی شایسته و مرفه، برخورداری از دستمزد مناسب هستند. همچنین از دیگر خواسته‌های آنان رایگان بودن تحصیل برای کودکان و همچنین برچیدن مدارس خصوصی می باشد." کارگران تاکید کرده اند:

"داشتن زندگی شایسته و مرفه، تحصیل رایگان، رایگان بودن خدمات درمانی و بهداشتی و خدمات تامین اجتماعی برای احاد افراد جامعه - حتی مهاجرین ساکن ایران - از حقوق پایه ای مردم بوده و دولت وظیفه دارد بی قید و شرط این خواسته‌ها و دیگر مطالبات معلمان را به مرحله اجرا در آورد." سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به اعتصابیون پیام داده: "دست تک تک شما معلمان آگاه و مبارز را به گرمی می فشاریم و باور داریم که پیروزی بی شک از آن ماست."

بازداشت و احضار معلمان و فرهنگیان در پی تحصن معلمان در ایران

طی روزهای گذشته چند تن از معلمان پس از پایان اعتصاب و تحصن معلمان در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر، در شهرهای تهران، قزوین، بجنورد، سقز، میوان، کرمانشاه و الیگودرز توسط نهادهای امنیتی احضار شدند. روز شنبه ۲۸ مهر، شش تن از معلمین مدارس سقز به نامهای طاهر قادر زاده، سلیمان عبدی، سیدعلی حسینی، احمد قادری، حمید یزدانی و خالد عبداللهی به اداره امکان احضار شدند. محمد صالح شکری، یکی دیگر از معلمان اهل شهرستان سقز، نیز روز ۱۵ مهر، توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت و پس از طی مراحل بازجویی در اداره اطلاعات سقز پس از ده روز به زندان مرکزی این شهر منتقل شد. همچنین با آغاز تحصن معلمان، محمدرضا رمضانزاده، مسوول شورای هماهنگی تشکلهای صنفی ایران، روز یکشنبه ۲۲ مهر، در بجنورد بازداشت شد و کانال و گروه تلگرامی معلمان که وی مدیریت آن را عهده دار بود، در اختیار نهادهای امنیتی قرار گرفت. عباس واحدیان، معلم و عضو کانون معلمان مشهد، نیز روز ۱۹ مهر و در آستانه تحصن معلمان بازداشت شده است، ماموران پس از تفتیش خانه و ضبط وسایل، او را به مکان نامعلومی منتقل کرده اند. با اضافه شدن بازداشت‌های اخیر، اکنون دستکم هشت معلم در زندان یا بازداشتگاه به سر می برند. اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی و روح الله مردانی پیش از این در اوین زندانی شده اند.

(منابع: هرانا، فارس، صدای امریکا، ایلنا، کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، رادیو زمانه، ایران کارگر، دیده بان حقوق بشر ایران)

بحران بی‌آبی و خیزش تشنگان (مهر ۱۳۹۷)

زینت میرهاشمی

در ماه گذشته اخبار مربوط به فاجعه بی‌آبی انسانهای تشنه آب را بیشتر و بیشتر نگران کرد. یکی از شیوه‌هایی که کارگزاران حکومت برای بهره‌وری مخرب از آب مورد استفاده قرار می‌دهند و آن را تحت عنوان توسعه گردشگری معرفی می‌کنند، ایجاد دریاچه‌های مصنوعی راكد است. این نوع دریاچه‌ها به علت راكد بودن آب و هوای گرم، به مرور کم‌آب شده و به لجنزارهایی که آسیبهای فراوان به محیط و انسانها می‌رساند تبدیل می‌شود.

معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه برخی مدیران هنوز موضوع بحران آب را جدی نگرفته‌اند، گفت: «وقتی در رابطه با احیای دریاچه ارومیه صحبت می‌کنیم، باید این موضوع را بدانیم که اگر دریاچه

ارومیه خشک شود، دیگر شهری به

عنوان تبریز نخواهیم داشت، این موضوع برای این نیست که مردم را بترسانیم بلکه یک واقعیت است.» (ایلنا، دوشنبه

۲ مهر ۱۳۹۷)

روز پنجشنبه ۵ مهر، وزیر نیرو در یک اظهار نظر وقیحانه گفت: «در این شرایط باید بر روح و روان خودمان و مردمانمان تسلط لازم را داشته باشیم و شروع نقشه‌هایی که در تلاش برای بهم ریختگی شرایط روحی و روانی جامعه است را خنثی کنیم.» (ایلنا)

روز شنبه ۲۱ مهر، خبرگزاری مهر طی گزارشی به نقل از محمد درویش نوشت:

«در سال ۱۳۷۵ حدود ۳۳ هزار میلیارد متر مکعب آب در دریاچه ارومیه داشتیم. در آن زمان در دانشگاه تبریز همایشی برگزار شد و موضوع این همایش این بود که ما چگونه می‌توانیم از شر دریاچه ارومیه خلاص شویم. در واقع یکی از بزرگترین تهدیدها این بود که چرا حجم دریاچه ارومیه مرتب افزایش می‌یابد و بسیاری از اراضی و تاسیسات را نابود می‌کند. پیشنهاد شد [احتمالاً از طرف سپاه پاسداران] ما بر روی همه رودخانه‌های منتهی به ارومیه ۱۰۵ سد احداث کنیم و اجازه ندهیم حتی یک قطره آب وارد دریاچه ارومیه شود و حتی گفته شد که این کار می‌تواند ۲۰۰ هزار فرصت شغلی جدید بیافریند. هر چقدر فعالان محیط زیست فریاد زدند که این کار می‌تواند به ضرر اقتصاد پایدار کشور تبدیل شود کسی گوش نکرد.»

دوپیچه وله به زبان فارسی در روز شنبه ۲۸ مهر، طی گزارشی اعلام کرد: «طبق برآوردهای جهانی، ایران جزو ۹ کشور منطقه غرب آسیاست که تا سال ۲۰۲۵ به خشکسالی کامل مبتلا خواهد شد. عیسی کلانتری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران پیش‌تر هشدار داده که ۷۰ درصد مشکلات کشور از آب است.

کلانتری ۳۰ مهر ۹۶ در مجلس در توضیح بحران آب گفته بود که ایران در فرسایش خاک، فرسایش جرم پلاسمای ژنتیکی و مسائل ژنتیکی و حیوانی، فرسایش پوشش گیاهی و هدر دادن انرژی، مقام اول جهان را دارد. او اعلام کرد که ایران ۱۱۰ درصد از آب تجدیدپذیر خود را مصرف می‌کند و در توصیف واقعیات این کشور گفت: سر آب ایران بلا آورده ایم.»



فاجعه خشک شدن دریاچه نمک قم

روز پنج شنبه ۱۹ مهر، یکی از مجلس نشینان از قم گفت: «دریاچه نمک در حال تبدیل شدن به بحرانی بدتر از دریاچه ارومیه است. در صورت خشک شدن بستر آن، ۲۵ درصد جمعیت کشور با مشکل ریزگردها مواجه خواهند شد.» بدین ترتیب کشاورزی و سلامت مردم چندین استان در اثر خشکیدن این دریاچه در معرض خطر قرار دارد.

آب در زاینده رود نیست

یکی از خبرهای تاسف آور در مهر ماه، مصوبه «شورای هماهنگی زاینده رود» است. با توجه به اینکه ذخیره آب در سد زاینده رود به کمترین میزان طی ۵۰ سال اخیر رسیده این نهاد حکومتی اعلام کرده که «امکان بازگشایی زاینده رود و توزیع آب کشاورزی در سال زراعی جاری وجود ندارد.»

زاینده رود بزرگترین رودخانه منطقه مرکزی ایران است که از کوههای زاگرس مرکزی به ویژه زرد کوه بختیاری سرچشمه گرفته و در کویر مرکزی ایران به سمت شرق پیش می رود و به تالاب گاوخونی در شرق اصفهان می ریزد. حوضه زاینده رود در دو استان اصفهان و چهارمحال و بختیاری قرار گرفته که ۹۳ درصد از مساحت و ۹۸ درصد از جمعیت تحت پوشش این حوضه در استان اصفهان و ۷ درصد از مساحت و ۲ درصد از جمعیت تحت پوشش آن در استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد.

روز یکشنبه ۲۹ مهر، حسن کامران در جلسه علنی مجلس رژیم گفت: «حق آبه حق الناس است حکومت هم نمی تواند آن را بفروشد ... حق آبه از زمان صفویه، قاجار و رژیم ستم شاهی بوده و شیخ بهایی آن را به درستی به گونه ای تقسیم کرده که دعوایی بر سر آن نباشد. ... آب حق آبه داران به فولاد، ذوب آهن و صنایع نظامی داده شده و ۴۰ هزار پروانه چاه به میزان پنج میلیون مترمکعب دادند. همچنین ۱۴ هزار چاه غیرمجاز هم وجود دارد. ... دولت یازدهم و دوازدهم یک قطره آب [به کشاورزان اصفهان] نداد غیر از آبی که برای انتخابات جاری کرد.» (ایسنا)

خراسان جنوبی خالی از سکنه

یکی از مجلس نشینان از فردوس، سراوان، طبس و بشرویه پیرامون بحران آب در این استان گفت: «به دلیل خشک شدن قناتها، استان خراسان جنوبی فاقد آب شرب مناسب و یا آب با کیفیت مطلوب است و آبرسانی در بیشتر روستاها با تانکر انجام می شود تا آب شرب مطلوب تری در اختیارشان قرارگیرد. در بیشتر روستاهای استان، کشاورزی وجود ندارد و پرورش دام نیز محدود و اندک است و تعداد زیادی از این افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد قرار دارند، این روستاها خالی از سکنه هستند و فقط افراد بالای ۶۰ سال در این روستاها زندگی می کنند. به عنوان نمونه می توان از بسیاری از روستاهای بجنورد، قائن، فردوس، طبس، نهبندان، بشرویه نام برد.» (ایلنا، چهارشنبه ۴ مهر) روز شنبه ۱۴ مهر، دبیر خانه حکومتی کارگر در بیرجند گفت: «۵۰ درصد از روستاهای خراسان جنوبی که کشاورزان ساکنان اصلی آن بودند، به علت بی آبی خالی از سکنه شده و ساکنان آن، به شهرستانهای مجاور و حاشیه شهرها پناه برده اند.» وی خشکسالی را یک سونامی دانست که بر جان کشاورزان بیرجند افتاده و اضافه کرد: «از ۳ هزار و ۵۶۳ آبادی خراسان جنوبی یک هزار و ۶۸۰ آبادی خالی از سکنه شده که مهم ترین علل مهاجرت روستائیان و کشاورزان در اثر خشک سالی و بحران آب است.» (ایلنا)

رژیم آدرس بهشت به کشاورزان سیستان و بلوچستان می دهد

روز پنجشنبه ۱۹ مهر، ایلنا طی گزارشی در مورد بحران آب در استان سیستان و بلوچستان نوشت: «زمین ترک برداشته، خاک همه جا را در خود گرفته است، حتی چشمه را. اینجا اگر سایه ای بیابی حکم لنگه کفش در بیابان را دارد، چرا که تا کیلومترها دورتر خبر از آبادی، طراوت و نسیم پاییزی نیست. طوفان صحرا جای هر نسیمی را گرفته و ریه ها را خاکستری و موها را سفید کرده است. اینجا همه چیز را بوی نیستی و مرگ فرا گرفته، حتی زمینهای کشاورزی و رودخانه

ها که حالا آبریزان مرده بر بستر آنها رخ می نمایند. از همین رو اینجا کمتر آدمی را شاغل می بینی، بیشترها بیکارند و ذهن خود را با آرزوی داشتن کاری قفلک می دهند. ... یک فاجعه محیط زیستی از دل خود دهها فاجعه دیگر می آفریند که اصلی ترین قربانیان آن نه دولتها، بلکه مردم هستند، همانهایی که روزی شان را از دل زمین و رودخانه ها درمی آوردند و سفره های خود را با مائده های زمینی رنگین می کنند. به هر روی این سفره ها خالی است، چراکه کشاورزی به سبب کم آبی و خشکسالی، نه در این منطقه بلکه در کل استان با تغییرات بنیادین مواجه است. ورشکستگی آبی همه چیز را متحول کرده است اما این تحول نه بوی پیشرفت بلکه بوی سقوط می دهد، گویی با دستهای خود درهای جهنم را به رویمان باز کرده ایم و منتظر آوار شدن خانه ای هستیم که نیکانمان برپا کرده بودند. البته این نگاه مورد تایید دولت نیست، چرا که دولت از خودکفایی در زمینه کشاورزی سخن می گوید و چشم اندازی را ترسیم می کند که با بهشت برین تفاوتی ندارد. مدینه فاضله دولت زمینی دارد پر از جویهای روان و رودخانه های پر آب و زمینهای کشاورزی مملو از محصول که البته با این وضعیت بیابان زایی، کاهش سطح آبهای زیر زمینی، خشکیدگی زمین و خالی شدن مراتع تا صدها سال دیگر نمی توان نشانی از آن روی زمین جست. در همین حال لشگر فقر و بیکاری پیوسته بزرگ تر و بزرگ تر می شود و قربانیان بیشتری را به کام خود می گیرد.»

خیزش تشنگان

* شماری از کشاورزان شرق اصفهان روز دوشنبه ۲ مهر، برای سومین روز متوالی با تجمیع تراکتورهای خود در یکی از



معابر این منطقه خواهان رسیدگی به مشکلات معیشتی خود و تخصیص حقایق از زاینده رود شدند.

یکی از این کشاورزان به ایرنا گفت: ما دارای حقایق از تونل اول کوه رنگ و آب زاینده رود هستیم و کسی حق ندارد حقایق ما را به دیگران بفروشد یا تحویل دهد.

کشاورزان شرق اصفهان از روز شنبه ۳۱ شهریور تراکتورهای خود را در مناطق مختلف اصفهان تجمیع کردند.

کشاورزان اصفهان سال گذشته و بهار امسال

نیز چندین مرتبه در اعتراض به تامین نشدن آب برای کشت تجمع کرده بودند. آنها روز آدینه ۲۵ اسفند سال گذشته به محل برگزاری نماز جمعه اصفهان رفتند و پشت به امام جمعه نشستند و در همان حال شعار دادند: «رو به میهن، پشت به دشمن».

مناطق شرق اصفهان متشکل از شهرها و مناطقی از جمله زیار، جرقویه، ورزنه، اژیه، هرنه، برآن و خوراسگان حدود ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، اغلب مردم این مناطق به کشاورزی اشتغال دارند، اما خشکسالی، آنان را در معرض مشکلات شغلی و معیشتی قرار داده است.

شامگاه سه شنبه ۳ مرداد، کشاورزان معترض به انتقال آب، ۱۶ تیر برق آب انتقالی اصفهان به یزد را تخریب کرده و جریان انتقال آب را قطع کردند. این عمل اعتراضی در منطقه ورزنه اصفهان حوالی ایستگاه ۳ خط انتقال آب به یزد صورت گرفت.

برداشت بیش از حد انتظار آب در بالادست یا از سوی صنایع، باعث اعتراض و ناراحتی کشاورزان شده است. روز آدینه ۶ مهر، کشاورزان معترض با نصب بنر روی تراکتورهای شان این جمله را نوشتند: «مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.»

به گزارش ایلنا، روز یکشنبه ۸ مهر، دبیر اجرایی نظام صنفی کشاورزی استان اصفهان در انتقاد از عدم اجرای مصوبات شورای عالی آب و رعایت نکردن حقایق های کشاورزان شرق اصفهان گفت: آنها متوجه شدند هر چقدر صبر و مدارا پیشه کنند، اوضاع روز به روز به ضرر آنها می شود بنابراین، جمع شده، تلاش می کنند اقدامی موثر جهت جلوگیری از برداشتهای بی رویه آب در مسیر رودخانه انجام دهند.

روز سه شنبه ۲۴ مهر، اسفندیار امینی، دبیر اجرایی نظام صنفی کشاورزی استان اصفهان، گفت: «اقدام اخیر مسئولان که بعد از ۱۴ الی ۱۵ ماه که کشاورزان نتوانستند محصولی برداشت کنند و ۵۰۰ هزار تومان خسارت به برخی از آنها دادند، آنها را خشمگین کرد. اینکه کشاورزان ناامید شدند و به فکر اعتراض و حرکت افتادند ریشه در همین اقدام اخیر داشت.



این اقدام موجب شد آنها احساس کنند که به بازی گرفته شده اند و با آنها می خواهند تفریح کنند.» (ایلنا)

بر اساس تصویرها و ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی، روز سه شنبه ۲۴ مهر، کشاورزان معترض برای بیست و دومین بار به یکی از حوضچه های حوالی ایستگاه قارنه در منطقه

بهارستان حمله کردند و خط لوله انتقال آب در این محل را مجدداً تخریب کردند. کشاورزان اصفهان روز پنجشنبه ۲۶ مهر، تراکتور و دیگر ماشین آلات کشاورزی را در میدانی ورودی شهرهای مختلف استان اصفهان پارک کردند.

روز دوشنبه ۳۰ مهر، کشاورزان معترض برای سی و یکمین روز با خواست دریافت حقایق اقدام به تجمع کردند.

*روز پنجشنبه ۱۲ مهر، کشاورزان ضیاء آباد در استان قزوین، در اعتراض به حفاری چاه آب و فاضلاب شهری در کنار چاههای کشاورزی خود، تجمع کردند. کشاورزان همچنین به این که آب آشامیدنی که به شهرک حیدریه منتقل می شود در برخی شرکتها این آب آشامیدنی در مصارف صنعتی استفاده می شود اعتراض کردند.

*ساکنان روستای سه چکان مله شاهی واقع در استان کرمانشاه در اعتراض به کمبود آب آشامیدنی در روز دوشنبه ۱۶ مهر، مقابل فرمانداری کرمانشاه تجمع کردند. ساکنان این روستا که میان اسلام آباد غرب و کرمانشاه واقع شده، از چند سال قبل چشم انتظار تامین آب آشامیدنی هستند. شرکت آب و فاضلاب روستایی کرمانشاه در سال ۱۳۹۲ حفر چاه آب آشامیدنی این روستا را به مناقصه گذاشت. به رغم گذشت بیش از ۵ سال ساکنان این روستا همچنان از آب محرومند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

سخنرانی خامنه ای در جمع بسیجیان آئینه تمام نمای استیصال رژیم آخوندی

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

روز پنجشنبه ۱۲ مهر خامنه ای، ولی فقیه نظام آخوندی، در وحشت از اجرایی شدن مرحله دوم تحریمها به ویژه تحریم نفتی، در یک نمایش مسخره زیر عنوان «رزمایش اقتدار» تلاش کرد به نیروهای وارفته خود روحیه بدهد. سخنرانی خامنه ای آئینه تمام نمای ضعف و استیصال رژیم است و بن بست همه جانبه آن را در مقابل قیام سراسری مردمی و زنجیره بحرانهای فزاینده خارجی برملا می کند.

وی که در جمع بسیجیان که از سراسر کشور جمع شده بودند سخنرانی می کرد در مورد کسانی که در درون رژیم فکر می کنند راه حلی جز کنار آمدن با آمریکا وجود ندارد، گفت: «صریحاً اعلام می کنم اینها خیانت می کنند. این بزرگترین خیانت است و من تا جان و توان دارم نخواهم گذاشت این اتفاق در کشور بیفتد». وی از بسیجیان خواست تحریمها را ناکام بگذارند و به آمریکا سیلی بزنند.

خامنه ای نسبت به شرایط حساس و پیچیده و انواع بحرانهای گریبانگیر رژیم هشدار داد و با اذعان به «تنگی معیشت بخش بزرگی از مردم» بسیج ضد مردمی را «تصویر درست وضع کشور» و «سرمشقی» برای دیگران توصیف نمود و به بسیج و سپاه گفت در هر کجا لازم باشد آتش به اختیار باشند.

او هراسان از سرنگونی محتوم رژیمش گفت: رئیس جمهور آمریکا به بعضی از سران اروپایی گفته، شما دو سه ماه صبر کنید، بعد از دو سه ماه جمهوری اسلامی کلکش کنده خواهد شد. وی با اشاره به مخالفتهای گسترده داخلی و خارجی با دخالتهای منطقه یی و پروژه های موشکی رژیم، به زبان معکوس اعتراف کرد که اینها لازمه بقای رژیم است و برای حفظ آن باید جنگید. خامنه ای گفت «اینها هم جزو عوامل قدرت و عناصر قدرت ماست. پس میدان جنگ اینجاست، میدان جنگ، میدان تقابل استکبار با ایران اسلامی، عبارت است از هر آنچه که موجب اقتدار ایران اسلامی است... این یکی از مناطق درگیری است».

خامنه ای ضمن ابراز نگرانی از «خستگی، بی حالی و از کار افتادگی» مقامات رژیم و ریزشهای گسترده مزدورانش به بسیجیان دلگرمی داد که «رویشهای ما بر ریزشهایمان رجحان دارند».

وی با اشاره به مخالفتهای گسترده در بدنه رژیم، گفت آنها «روشنفکرانمای راحت طلب و ریاکار و منافق» و «آدمهای بی روحیه، مردد، ترسو، فرصت طلب، خود کم بین... مایوس و تنبل» هستند که «اگر عامل دشمن نباشند، حداقل مرد میدان مهم پیشرفت کشور» نیستند و تولید «فساد و اختلاف» می کنند.

خامنه ای مطبوعات آزاد و اینترنت و شبکه اجتماعی را دشمن و معادل سلاح شیمیایی خواند و در واکنش به برملا شدن مستمر و فزاینده ابعاد جنایتها و تبهکاریهای نظام گفت: «با ابزار بسیار خطرناک رسانه... با تصویر سازی غلط سعی می کنند افکار ملت ایران را منحرف کنند».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۱۲ مهر ۱۳۹۷ (۴ اکتبر ۲۰۱۸)

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی بند ۸ اوین و زندان رجایی شهر در دفاع از حق حیات و محکومیت مجازات اعدام

حیات ابتدایی ترین حق آدمی است و کشتن نقص آشکار این حق است. نقص این حق بنیادین، آن گاه وحشتناک و ویران کننده ی جامعه می شود که به طور سیستماتیک توسط نهاد قضایی و تحت عنوان اعدام انجام گیرد و تأسف بار آن که به نام خدا کهافریدگار و هستی بخش است، جانی که بخشیده را می گیرند.

ما امضا کنندگان این بیانیه در راستای دفاع از منشور حقوق بشر، ضمن تأیید کلیه مفاد این منشور، از آن جا که اعدام را در جهت رشد معنویت و اصول انسانی مفید و موثر ندانسته و این عمل تا کنون صرفاً باعث گسترش خشونت گردیده است به آن «نه به اعدام» می گوییم.

امضا کنندگلت بیانیه محکومیت اعدام

- ۱- حمیدرضا امینی
- ۲- علیرضا توکلی
- ۳- محمد مهاجر
- ۴- مطلب احمدیان
- ۵- محمدمهدی زمان زاده
- ۶- مهران زهرا کار
- ۷- ناصر فهیمی
- ۸- بهفر لاله زاری
- ۹- سام نصیری مقدم
- ۱۰- مهدی ملکی
- ۱۱- محمدعلی طاهری
- ۱۲- شاهین آزاد
- ۱۳- آرش صادقی
- ۱۴- سعید شیرزاد
- ۱۵- سهیل عربی
- ۱۶- آتنا دائمی
- ۱۷- گلرخ ایرایی
- ۱۸- نرگس محمدی
- ۱۹- نسرین ستوده
- ۲۰- سعید نوروزی
- ۲۱- سعید ملک پور
- ۲۲- ناصر نبرد گل تپه



نامه مریم اکبری منفرد، گلرخ ایرایی و آتنا دائمی به گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران

آقای جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر



با توجه به نزدیک بودن روز جهانی مبارزه علیه اعدام، بر آن شدیم تا چکیده ای از موارد بیشماری از نقض حقوق بشر در چهار دهه ی اخیر در کشورمان را به عرضتان برسانیم.

چندی است در رسانه ها، مسئولان خبر از حذف حکم اعدام محکومان قاچاق مواد مخدر می دهند. اما واقعیت این است که محکومان این اتهام هم چنان در سکوت خبری به دار آویخته می شوند. اعدام محکومان حمل و خرید و فروش مواد مخدر در کنار محکومان به قتل بیشترین آمار اعدام را در ایران دارد. سالانه طبق آمار موجود که یقیناً در دسترس شما قرار می

گیرد زنان و مردان بسیاری به سبب ارتکاب قتل (عمد و غیر عمد) محکوم به اعدام گشته و احکام نیز به سرعت اجرا می شود.

در کنار اعدام زندانیان عادی، بسیاری از فعالان سیاسی و عقیدتی طی چهاردهه ی گذشته به دلیل داشتن عقاید و آرای متفاوت از حاکمیت به دار آویخته یا گلوله باران شده اند که طبق اسناد معتبر موجود، بیشترین تعداد آن متعلق به ده سال اول شکل گیری این حاکمیت (برابر به سالهای ۱۹۸۸-۱۹۷۸) می باشد. اعدامهایی اکثراً بدون محاکمه، که پس از اجرای حکم، پیکر کشته شدگان به صورت گمنام در حاشیه شهرها به خاک سپرده شدند. (این در حالی است که به فعالان مخالف با اعدام اجازه ی هیچ کنشی داده نمی شود و بسیاری از آنان صرفاً به دلیل مخالفت با اعدام در زندان هستند).

در این روزها که به روز جهانی مبارزه علیه اعدام نزدیک می شویم حکم زینب سکانوند دختر ۲۴ ساله ای که در زمان ارتکاب جرم زیر سن قانونی بوده پس از سالها تحمل حبس به اجرا در آمده! این نمونه ای از هزاران حکم اعدام است که در مورد متهمان به جرایم عمومی (قاچاق، سرقت و قتل ...) طی سالیان اخیر به اجرا در آمد. مادامی که مجازات اعدام در قوانین کشور به قوت خود باقی است، محکومان جرائم عمومی که بسیاری شان قربانیان فاصله ی طبقاتی و فقر فرهنگی و اقتصادی هستند و هم چنین فعالان سیاسی و عقیدتی که معترض به سیاستهای غلط و فساد سیستم می باشند، قربانی قتل حکومتی می گردند.

چنانچه شاهدیم با شروع کار دولت فعلی از سال ۱۳۹۲ که با شعار معروف این جریان مبنی بر آوردن کلیدی بر قفلها و آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی نیز آغاز شد، بیشترین اعدامها انجام گرفته است. شیرکو معارفی، احسان فتاحیان، غلامرضا خسروی در ماههای آغازین شروع به کار دولت اعدام شدند.

در تابستان ۱۳۹۵ همچون دهه ی شصت با اعدام دسته جمعی زندانیان عقیدتی (کردهای سنی) مواجه شدیم که موجب تخلیه ی یک شبه ی یک سالن از بند سیاسی زندان گوهردشت کرج (رجایی شهر کرج) گردید. دقیقاً یک ماه پیش از روز جهانی مبارزه علیه اعدام، رامین حسین پناهی و زانیار مرادی و لقمان مرادی بدون وجود مستندات بر اتهامات وارده به دار آویخته شدند. پیکرهای هر سه به سان پیکر فرزاد کمانگر (معلم سرمدار) در مکانی نامعلوم به خاک سپرده شد. همانند رقیه اکبری منفرد، مجتبی محسنی، مهرداد پاکزاد، عبدالرضا اکبری منفرد، خانواده ی بهکیش و هزاران جانباخته دیگر کشار دهه شصت که با توحه به اسناد و مدارک موجود اسامی بسیاری شان در سازمان ناپدید شدگان قهری سازمان ملل نیز به ثبت رسیده است.

در سالهای اخیر بسیاری از فعالان کرد و عرب و تعداد زیادی از فعالان عقیدتی به جهت داشتن باوری متفاوت از حاکمیت، با زدن اتهاماتی واهی و در واقع به جهت ایجاد رعب و وحشت و سرکوب اعتراضات مردمی، بازداشت و شکنجه و وادار به اعترافات اجباری علیه خود و به دار آویخته شدند که محمد ثلاث از قربانیان اخیر آن می باشد.

توجیه حکومت در صدور حکم اعدام، جلوگیری از ارتکاب مجدد مجرم و درس عبرت گیری دیگران است. با آنکه اثبات شده است که اعدام بازدارنده نبوده و نیست اما همچنان حاکمیت بر آن اصرار داشته و اعلام می دارد عملکردش بر مبنای موازین شرع می باشد که این خود نشان از سوء استفاده از ظرفیتهای مذهبی جامعه جهت سرکوب و فریب اذهان عمومی را دارد. یقیناً اگر مسئولان کشور با مدارک و استاد معتبری قادر به دفاع از خود در برابر این موارد که چکیده ای از واقعیات موجود است، باشند پذیرای شما در تهران خواهند بود.

ما فعالان سیاسی محبوس در بند زنان زندان اوین، در روز جهانی مبارزه علیه اعدام با اعلام انزجار از تمامی اعدامهای صورت گرفته از زمان برپایی رژیم حاکم، خواهان حضور شما (آقای جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر) در ایران جهت بررسی موارد نقض حقوق بشر و پیگیری توقف صدور حکم اعدام برای کلیه جرائم عمومی، عقیدنی و سیاسی فارغ از هر عقیده و باوری می باشیم. حضور شما در ایران و مجاب نمودن حاکمیت به پاسخگویی، مشخص کننده ی بساری از ابهامات می باشد و عدم پذیرش شما توسط جمهوری اسلامی نشان از ادامه ی روند حذف فیزیکی انسانها در ماشین کشتار حاکمیت و اثبات کننده ی جنایتکارانه بودن اعمال آنهاست.

هرچند باور به بهبود شرایط نداریم و حاکمیت فعلی را اصلاح ناپذیر می دانیم اما خواهان توقف هرچه سریعتر صدور حکم اعدام و تغییر قوانین ظالمانه ی مجازات در ایران هستیم.

مریم اکبری منفرد، گلرخ ایرایی، آتنا دائمی

بند زنان زندان اوین، مهر ۱۳۹۷

منبع: هرانا

*** دنبشته آتنا دائمی از زندان خطاب به مادرش به مناسبت چهارمین سالروز دستگیری



چهار سال پیش در همین روز، در صبح سرد ۲۹ مهر ۹۳ عازم محل کارم بودم، رفته بودی برایمان نان داغ بخری، دیرم شده بود و بی آنکه ببینمت با پدر از خانه خارج شدیم. هنوز به انتهای کوچه نرسیده بودیم که راهمان را بستند، دستور ایست دادند، بازداشتم کردند، مرا به ماشین دیگری منتقل کردند، با پدر به خانه برگشتند، ۱۱ نفر، نمی دانستم وقتی به خانه برگردی و با ماموران مواجه شوی چه می شود، بعد از یک ساعت مرا نیز به خانه آوردند، از دیدنت شوکه شدم، از فریادهایت بر سر ماموران شوکه شدم، می گفتم ببرید، دختر مرا هم ببرید، این همه جوان را بردید به کجا رسیدید؟! اصلاً بکشید، دختر مرا هم بکشید، ستار بهشتی و جوانان دیگر را کشتید چه به دست آوردید؟! تهدیدت کردند که تو را هم بازداشت خواهند کرد، یادم هست که گفتمی مرا هم ببرید، مگر کم مادران را زندانی و عذاب کردید؟!

گمان می کردم که بررسی اما نترسیدی، گمان می کردم مرا سرزنش کنی اما نکردی، مرا بوسیدی به زبان خودمان گفتمی برو اولین بار است که شب در خانه نخواهی بود، اما من در کنارت هستم تا دیگر هیچ فرزندی را از مادر جدا نکنند.

باری از دوشم برداشتی، انگار ۲ بال پرواز به من هدیه دادی! رفتم و تو لحظه ای تنه‌ایم نگذاشتی، بیشتر از هر زمان دیگر با هم بودیم، همراه، متحد!

حکم ۱۴ سال که صادر شد، صورتت در دادگاه انقلاب یادم هست که با خنده و تمسخر گفתי ۱۴ سال که چیزی نیست ما فکر می‌کردیم اعدام صادر کنند! می‌دانستم پشتت لرزید اما خم به ابرو نیاوردی!

بعد از ۱۶ ماه به خانه بازگشتم، حالت خوب بود اما می‌دانستی ماندنی نیستم. باز هم آمدند، بعد از ۹ ماه، تهران نبود، زنگ زد، مامان آمدن مرا ببرند! گفתי صدایت را پخش کنم تا بشنوند، صدایت پخش می‌شد، فریاد می‌زدی که از جان بچه‌های ما چه می‌خواهید؟ چه کردند؟ چه خواسته‌اند؟ روزی خواهد رسید که باید پاسخگوی ما مادران باشید... رفتم، اما برای دو دختر دیگر هم پرونده تشکیل دادند، حکم دادند، اما تو خندیدی و گفתי بگوییم یک سویت خانوادگی در زندان به ما بدهند همه خانواده را با هم زندانی کنند!

اعتصاب غذا کردم، نگرانی در چشمانت را فراموش نمی‌کنم اما حرفهای پر از امیدت اراده ام را قوی تر می‌کرد. دخترانت تیره شدند و من ماندم! باز پرونده و باز پرونده! به قرچک بردم با کتک و فحاشی! فردای آن روز که پنجشنبه بود به خانه زنگ زد، صدایم را شنیدی و خوشحال شدی و گفתי چه شده پنجشنبه تلفن خیراتی داده‌اند؟ خندیدم و گفتم "صدای مرا از زندان قرچک می‌شنوید" گفתי باید زنان آن زندان را هم می‌دید! بگذار ببینیم تا کجا می‌خواهند پیش بروند! چند روز بعد هر چه تماس گرفتم جواب ندادی، گفتند برای پیگیری کارم به دادسرا رفته‌ای، هر چه می‌گذشت نگرانی ام بیشتر می‌شد، بعد از ۷ ساعت جواب دادی و گفתי بازداشت کرده بودند با هانیه! تعریف کردی که کتکتان زده‌اند، شوکر برقی... وای که تمام تنم لرزید!

گفתי وقتی حاضر نبودی سوار ماشین شان شوی با شوکر به پاهایت می‌زنند، گفתי اصلا درد نداشت مامان انگار گزنه زده بودن به پاهام!...

از عصبانیت می‌لرزیدم ولی تو می‌خندیدی و می‌گفתי ما که کم نیاوردیم هر چی خواستیم گفتیم... تلفنهایم را قطع کردند، ملاقات نداشتیم.

عروسی دختر کوچکت بود، خواهرم، هانیه... نگذاشتند به مرخصی و به عروسی بیایم، به ملاقاتم و به قرچک آمدید، هانیه بی‌قرار بود اما تو آرامش کردی، به او گفתי گریه نکن بخند باید شاد باشیم تا گمان نکنند می‌توانند با این چیزها آتنا را از بین ببرند! یادم هست که به او گفתי به ترانه دختر فریبا کمال آبادی فکر کن که نگذاشتند مادرش به عروسی اش برود! از من خواستی بین زنان هم بندهم در بند مادران قرچک شیرینی عروسی پخش کنم و جشن و پایکوبی به پا کنم! و چه زیبا بود آن شب...

به اوین بازگشتم، زانیار و لقمان و رامین را اعدام کردند، اعتصاب غذا کردی و با لباس سراسر مشکی به ملاقاتم آمدی، گریه می‌کردی، همان روز باز مرا مورد آزار قرار داده بودند اما دست در دست هم برای سه عزیز اعدام شده مان سرود خواندیم و بعد گفتند محروم از ملاقاتیم...

مادرم می‌بینی چه حقیرند؟! چه کوتاه فکرند؟ زانیار مرادی ۹ سال مادرش را ندید و اعدام شد... حال تصور می‌کنند ما به خاطر ملاقات سر خم می‌کنیم؟! ما درد و رنج مادران را می‌بینیم و ادامه می‌دهیم. در تصوری باطلند و گمان می‌کنند می‌توانند با این اعمال کودکانه ما را تنبیه کنند یا صدایمان را قطع کنند یا ما را از کرده‌هایمان پشیمان کنند...! اما نه تنها تنبیه نمی‌شویم بلکه مصمم تر ادامه خواهیم داد...

سه هفته است که یکدیگر را ندیده ایم اما تو به دیدن مادر رامین و خانواده زانیار و لقمان و شریف در آتش سوخته مان رفتی، به دیدن نرگس و مادر و پدر هما رفتی، تو مرا ندیدی اما درد رنج مادران دیگر را به آغوش گرفتی... مادرم سلام مرا به مادران عزادار ایران برسان و بگو تا زنده ام دادخواه خون فرزندان شان خواهیم بود...

آتنا دائمی / ۲۹ مهر / ۱۳۹۷ / زندان اوین

درگیری سنگینی میان پیشمرگان کوردستان و سپاه منفور پاسداران

کوردستان میدیا: فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان با انتشار اطلاعیه ای از درگیری پیشمرگه ها با سپاه تروریستی پاسداران در شهرستان پاوه خبر داد. متن کامل بیانیه بدین قرار است:

روز جمعه ۲۰ مهرماه، ساعت ۸ صبح در تفرجگاه بیدمیری پاوه، که پیشتر از سوی نیروی کثیری از سپاه محاصره شده بود، درگیری سنگینی میان این نیروی تا به دندان مسلح و یکی از واحدهای نیروی پیشمرگه شهر، روی داد. پیشمرگه های کوردستان که از سوی نیروهای جمهوری اسلامی محاصره شده بودند و با انواع سلاحهای سنگین محل استقرارشان هدف قرار می گرفت، توانستند قهرمانانه در مقابل این دژخیمان بایستند و حماسه ای تاریخی خلق کنند. درگیری مذکور تا ساعت ۱۱ قبل از ظهر ادامه داشت و منابع خبری از وارد آمدن ضربات سنگین بر نیروهای دشمن خبر می دهند.

براساس اطلاعات رسیده سه نفر از نیروهای سپاه تروریستی پاسداران در این درگیری کشته شده اند و آمبولانسها به صورت مستمر میان محل درگیری و بیمارستان پاوه، در حال رفت و آمد بودند.

در این درگیری که بیش از سه ساعت به طول انجامید، دو مبارز قهرمان و فداکار کوردستان که در یکی از واحدهای تشکیلات شهر سازماندهی شده بودند، به نامهای شهید شاهو ویسی و شهید زانیار اسلامی به جمع شهیدان راه آزادی کوردستان پیوستند و همچنین یکی از شهروندان شهر پاوه به نام فرشاد چچانی که به قصد تفریح و گذران روز تعطیل در این منطقه حضور داشت با شلیک مستقیم نیروهای سپاه، به قتل می رسد.

رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران و فرماندهی نیروی پیشمرگه، خود را شریک غم خانواده های شهیدان شاهو و زانیار و نیز خانواده فرشاد چچانی، می داند و به آنها تسلیت می گوید. یادشان گرامی و راه شان پر رهرو باد فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان ۲۰ مهر ۱۳۹۷ شمسی.



منتشر شد

زیر محک زمان

قطعهنامه های سه اجلاس شورای عالی سچفخا

(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن

برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/

France

می توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

بهای کتاب ۷ یورو

هزینه پستی ۲ یورو



یونان و دروغ "غلبه" بر بحران مالی

با شعبده بازی آماری از اعتراف به این حقیقت طفره رفته می شود که یونان و بانکهای آن مدتهاست ورشکسته هستند

تله پولیس

برگردان: بابک



هر کس تحولات در سیستم بانکی یونان در ابتدای ماه اکتبر را مرور کرده باشد، از تعجب چشمانش خیره می ماند: چهار بانک بزرگ "پیرئوس بانک" (Piräus Bank)، "یوروبانک" (Eurobank)، "آلفا بانک" (Alpha Bank) و "بانک ملی" (National Bank) یک زمین لرزه واقعی را در بورس به راه انداختند. از اوایل ماه سپتامبر بخش بانکی کشور با بحران دست و پنجه نرم می کرد، اما در نخستین روزهای اکتبر بر وخامت

اوضاع به شدت افزوده شد. چهار بانک یاد شده با کاهش ارزش سهام خود تا چهل درصد روبرو شدند، سهام "پیرئوس بانک" نزدیک به سی درصد ارزش خود را از دست داد و شاخص بانکی "آتِن" به کمترین رقم خود در ۱۳ ماه گذشته سقوط کرد.

این امر چگونه ممکن است؟ آیا در ماه اوت نبود که دولت یونان در میان شور و هلهله از زیر چتر حمایتی اتحادیه اروپا بیرون آمد؟ آیا این چهار بانک بزرگ در ماه مه با موفقیت آزمون فشار بانک مرکزی اروپا را پشت سر گذاشته بودند؟

آزمون فشار: ابزار تبلیغاتی بانک مرکزی اروپا

به واقع نیز این رویداد فقط شش هفته بعد از آن رخ می داد که رییس اتحادیه اروپا، "توسک" (Tusk) از طریق توئیتر با این جمله که "شما موفق شدید" به مردم یونان به خاطر بازگشت به بازار مالی تبریک گفت و کمیسر مالی اتحادیه اروپا، "مسکویچی" (Moscovici)، سخن از یک "نقطه پایان نمادین بر یک بحران جدی حوزه یورو" به میان آورد. و هنوز شش ماه از آن تاریخ که بانک مرکزی اروپا گواهی داد چهار بانک سیستم - پایه یونان می توانند حتی تکانه های شدید را بدون خسارت مهمی از سر بگذرانند، نگذشته است.

اما اگر کسی گمان می کند چنین آزمایش فشارهایی حرف معتبری در باره وضعیت واقعی نهادهای مالی یونان به زبان می آورد، باید به او یادآوری شود که بانکهای یونان در هشت سال گذشته سه بار ورشکست شده اند و هر بار پیش از آن از آزمایش فشار بانک مرکزی اروپا موفق بیرون آمده اند! در حقیقت چنین آزمونهایی بیشتر از یک ابزار تبلیغاتی نیستند که به وسیله آنها بانک مرکزی اروپا افکار عمومی را پیرامون وضعیت واقعی سیستم مالی گمراه می کند. حتی اگر این آزمونها در نهایت دقت و جدیت انجام می شدند، باز هم نتایج شان قابل استفاده نبود، به این دلیل که بیش از چهل درصد فعالیتهایی بانکی امروزه از کانال بانکهای بدون نظارت سایه و به طور عمد صندوقهای اعتباری انجام می شود و بانکهای بزرگ، بخش ریسک آمیز معاملات شان را به این حوزه منتقل کرده اند. به ویژه معاملات با متفرعات (Derivatives) خارج از هرگونه کنترل انجام می شود، زیرا جزو معاملات به اصطلاح "زیر میزی" محسوب می شود که در بیلان بانکها به ثبت نمی رسد. شگفت آور نیست که نتایج آزمونهای فشار در واقع بی ارزشند.

حتی یک مبتدی هم می تواند با نگاه به بیلان بانکهای یونان به شک بیافتد: این بانکها در اواسط سال ۱۸۲۰ مبلغ ۸۸.۶ میلیارد یورو مطالبات مشکوک (وامهایی که اقساط آنها دستکم از ۹۰ روز پیش پرداخت نشده یا در خطر لغو شدن

هستند) در حسابهای شان داشتند. رقم یاد شده نزدیک به نیمی از مجموع وامهای پرداخت شده آنها است و ۹ برابر حدنصابی است که اتحادیه اروپا برای داشتن چنین وامهایی تعیین کرده.

بحران پشت سر گذاشته شده؟ به هیچ وجه ...

در باره آنچه که به خارج کردن یونان از چتر حمایتی اتحادیه اروپا مربوط می شود، اینجا نیز نگاهی به ارقام و فاکتورها برای باور ناپذیر انگاشتن شور و شوق بوروکراتهای اتحادیه اروپا کفایت می کند. یونان از سال ۲۰۱۰ سه بار مشکلاتش را با



کمک دیگران حل کرده و در خلال هشت سال وامهایی در مجموع به میزان ۲۸۹ میلیارد یورو دریافت کرده است. کوه دیون کشور نزدیک به ۱۸۰ درصد بازده اقتصادی اش است؛ بالاترین نرخ در اتحادیه اروپا.

طلبکاران یونان به منظور زنده نگه داشتن توهم بازپرداخت، همچنان به دادن وام ادامه دادند. این گونه است که مهلت باقیمانده از بازپرداخت وامهای "صندوق اعتباری نجات" یا **ESM (European Stability Mechanism)** به ۳۲ سال بالغ می شود. این مهلت در ماه جون سال

جاری به ۴۲ سال یعنی تا سال ۲۰۶۰ تمدید شد. افزون بر این، زمان پرداخت بهره وامها که در ابتدا سال ۲۰۲۲ تعیین شده بود، ده سال دیگر، تا سال ۲۰۳۲ تمدید شد.

همه اینها چیزی بیشتر از یک شعبده بازی آماری نامعتبر نیست که به وسیله آن اعتراف به ورشکستگی یونان و بانکهایش دور زده می شود. اما چرا؟ چون بخش مالی یونان بخشی از یک قمارخانه بین المللی و خارج از کنترل مالی است و نیز زیرا یک ورشکستگی به دلیل درهم تنیدگی سرمایه یونانی و خارجی و ریسکهای محاسبه ناپذیر برای یورو و بخش متفرعات، به احتمال قوی به در هم فروریختن کل سیستم می انجامد.

چشم انداز: فاجعه

چه پیش خواهد آمد؟ دولت یونان هم اکنون با همکاری برنامه چتر نجات اروپا **ESM** و اتحادیه بانکهای یونان در حال تدوین یک "برنامه اقدام" و به عبارتی یک ضمانت نامه کمکی کلاسیک به مدد مالیات شهروندان اتحادیه اروپا است. در این برنامه به مشارکت سهامداران و سرمایه گذاران حتی اشاره هم نمی شود، چون طراحان از نتایج سیاسی و اجتماعی آن وحشت دارند.

افزوده بر این، بانکهای دچار بحران می کوشند مطالبات مشکوک را بسته بندی کرده و به بهای نازل حراج کنند. البته صندوقهای اعتباری زیادی وجود دارند که مدتهاست منتظر خرید در این حراجی هستند، اما این امر بازار را باز هم بیشتر تضعیف کرده و یک مارپیچ دیگر به سمت پایین را به حرکت درمی آورد.

مشکلات یونان بی تردید حل نشده اند، اما دو موضوع از همین تاکنون تردید بردار نیست: پرداخت کمکهای مالی جدید باید صورت بگیرد و هزینه آن را در درجه اول جمعیت کارورز یونان خواهد پرداخت که ۳۲ درصد آنها هم اکنون زیر خط فقر زندگی می کنند، طبقه متوسط اش در این میان زیر فشار مالیات تا ۷۵ درصد در حال خفه شدن است و بازنشستگانش در ماه ژانویه بیست و سومین کاهش حقوق خود را شاهد بودند و این بار باید ۱۸ درصد کاهش را به جان می خریدند.

از هر طرف که به تحولات یونان نگریسته شود، روشن این است که آنچه در آنجا روی می دهد، چیز دیگری از تاخیر سازمان یافته، عمدی و تبهکارانه در اعلام ورشکستگی نیست که توسط دولت و با همکاری بوروکراتهای غیرمنتخب اتحادیه اروپا و بانک مرکزی اروپا و به سود بخش بین المللی مالی و به هزینه طبقه متوسط و ضعیف ترین بخشهای جامعه صورت می پذیرد.

جنبش رنگین کمان بیشماران در مهر ۱۳۹۷

زینت میرهاشمی

جنبش اعتراضی کارورزان همچنان به پیش می رود. اعتصاب سراسری کامیونداران، اعتصاب و تحصن معلمان، اعتصاب بازاریان و غارت شدگان، تجمع اعتراضی کشاورزان و حرکت‌های اعتراضی روزمره نیروهای کار در مهر ماه بی سابقه است. به جز اعتصاب گسترده کامیونداران و رانندگان ناوگان حمل و نقل جاده ای و اعتصاب و تحصن گسترده معلمان و حرکت‌های اعتراضی دانشجویان و پرستاران، در مجموع ۱۴۴ اعتصاب، تجمع و راهپیمایی از جانب کارگران، کارمندان، غارت شدگان، دهفنان و بازاریان در ماه مهر صورت گرفته است.

خیزش کامیونداران و رانندگان ناوگان حمل و نقل جاده ای



کامیونداران و رانندگان ناوگان حمل و نقل جاده ای از بامداد روز شنبه ۳۱ شهریور سومین دور از اعتصاب شان را آغاز کردند. در فراخوانی که از سوی اتحادیه هماهنگ کنندگان رانندگان سراسر ایران منتشر شد و از رانندگان کامیون خواست تا از اول مهر در اعتصاب سراسری شرکت کنند، ۱۵ خواسته رانندگان کامیون و ترانزیت بیان شد. این خواسته ها در شماره پیش نبرد خلق منتشر شده است.

طبق آمار دولتی در سال ۱۳۹۶ دستکم ۵۰۰ هزار راننده کامیون با حدود ۳۸۰ هزار دستگاه در کشور فعالیت دارند که از این تعداد حدود ۴۷ هزار راننده با حدود ۳۸ هزار دستگاه در استان اصفهان هستند. اعتصاب کامیونداران یک روز قبل از زمان تعیین شده آغاز شد و ۲۱ روز ادامه پیدا کرد. پیرامون این جنبش پرشکوه هزاران عکس و ویدئو در شبکه های اجتماعی منتشر شد. روز یکشنبه ۱ مهر، اعتصاب رانندگان در دومین روز در ۵۰ شهر مختلف صورت گرفت.

روز دوشنبه ۲ مهر، سومین روز اعتصاب سراسری رانندگان کامیون در بیش از ۶۰ شهر و در روز چهارم به بیش از ۷۰ شهر گسترش یافت.

خبرگزاری حکومتی ایلنا روز چهارشنبه ۴ مهر از قول دبیر کانون انجمنهای صنفی کامیونداران اعلام کرد که؛ حمل و نقل متوقف نشده اما نبود لاستیک و قطعات یدکی در بازار روند را کند کرده است. اما رادیو زمانه در برنامه روز چهارشنبه ۴ مهر خود گفت: «در حالی که رسانه های حکومتی در ایران تلاش دارند تا اعتصاب کامیونداران را نادیده گیرند، گزارشهای منتشرشده نشان می دهند که اعتصاب کامیونداران علیه شرایط بد اقتصادی، گران شدن لوازم یدکی و پایین بودن کرایه ها همچنان ادامه دارد.»

محمدجعفر منتظری بیدادستان کل ایران، رانندگان را تهدید کرد که صورت جلوگیری از حرکت کامیونها با اتهام قطاع الطریق مواجه می شوند که مجازات سنگینی دارد.

روز پنجشنبه ۵ مهر، همزمان با ششمین روز اعتصاب سراسری کامیونداران، بیدادستان عمومی و ضد انقلاب قزوین ضمن تهدید رانندگان گفت: «افرادی که موجب مزاحمت و اختلال در زندگی مردم [ولایت فقیه] می شوند متخلف هستند و با آنها برخورد می شود که تا امروز ۱۵ نفر نیز در این رابطه دستگیر شدند.» (ایلنا)

همچنین رئیس کل بیدادگستری فارس از بازداشت ۳۵ تن دیگر به اتهام «اخلال در نظم و امنیت» در این استان و صدور قرار بازداشت موقت برای این افراد خبر داد و رانندگان اعتصابی را به «برهم زدن امنیت جاده ها» متهم کرد و گفت که اتهام آنها «قطاع الطريق» و «افساد فی الارض» است. (هرانا)

قانون قطاع طريق مصوب سال ۱۳۱۰ خورشیدی است و کسانی را مصداق قطاع طريق معرفی می کند که «راهزنی» کنند، یا «سردسته عده ای از اشرار مسلح» باشند. مجازات این متهمان «اعدام» یا «حبس با اعمال شاقه» تعیین شده است.

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ خورشیدی نیز مفسد فی الارض را چنین تعریف می کند: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در



نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد.» این قانون برای مجرمان مجازات اعدام در نظر گرفته است.

روز آدینه ۶ مهر، رئیس کل بیدادگستری اصفهان گفت: «در شرایط فعلی افرادی که به هر شکل قصد بر هم زدن نظم و

امنیت و وارد آوردن فشار بر مردم را داشته باشند، با برخورد شدید دستگاه قضایی روبه رو می شوند. اینگونه اقدامات در راستای خواست و اهداف رسانه ها و معاندان ضد انقلاب صورت می گیرد.» (ایرنا)

روز شنبه ۷ مهر، اعتصاب کامیونداران زحمتکش در هشتمین روز خود در ۲۴۸ شهر از ۳۱ استان گسترش یافت. در رویدادی دیگر کامیون رانان ویرجینیا در آمریکا و رانندگان کامیون در هلند با برپایی رژه و به صدا درآوردن بوقهای خود حمایت شان را از اعتصاب کامیونداران در ایران که در تمام ۳۱ استان کشور جریان دارد اعلام کردند.

دژخیم صادق آملی لاریجانی، رئیس قوه قضائیه روز دوشنبه ۹ مهر، کامیونداران اعتصاب کننده را به «اشد مجازات» تهدید کرد و گفت: «دادستانها و دادگستریهای سراسر کشور به میدان آمده اند و افرادی که با سوء استفاده از مطالبات کامیونداران اقدام به برهم زدن امنیت جاده ها و تخریب خودروی اشخاص می کنند به اشد مجازات خواهند رسید.»

روز سه شنبه ۱۰ مهر، تشکلهای مستقل کارگری، بازنشستگان، فعالان حقوق صنفی کارگری و معلمان حمایت خود را از اعتصاب حق طلبانه کامیون داران و رانندگان کامیون اعلام کردند و خواهان برآورده شدن فوری خواسته های آنان شدند. این تشکلهای همچنین مقابله پلیسی- امنیتی- قضایی با اعتصاب کامیونداران و رانندگان کامیون را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان و منع تعقیب و تهدید دستگاه قضایی در قبال آنان شدند. این بیانیه را سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، جمعی از فعالان صنفی معلمان ایران و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری امضا کردند. فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (ITF) روز چهارشنبه ۱۱ مهر با صدور بیانیه ای از اعتصاب کامیون داران حمایت کرد و نسبت به بازداشت معترضان و تهدید بیدادستان کل کشور مبنی بر «مجازات سنگین» بازداشت شدگان ابراز نگرانی کرد.

روز سه شنبه ۱۷ مهر، رانندگان کامیون و ماشینهای سنگین با وجود افزایش تهدیدها و فشار نهادهای قضایی و امنیتی برای هیجدهمین روز پیاپی به اعتصاب ادامه دادند.

اعتصاب رانندگان کامیون و ماشینهای سنگین در روز چهارشنبه ۱۸ مهر، نوزدهمین روز خود را پشت سر گذاشت. این اعتصاب شجاعانه با وجود فشارها و تهدیدهای فراوان از جانب رژیم، طی ۱۹ روز گذشته در تمام ۳۱ استان کشور و در بیش از ۳۰۰ شهر جریان داشته و از آن صدها فیلم، گزارش و تصویر انتشار و تا کنون «دستکم ۲۶۱ تن بازداشت شده اند.» (هرانا)

به گزارش همبستگی ملی، بخش حمل و نقل فدراسیون متحد کارگران دانمارک که دارای ۵۰ هزار عضو است، با صدور بیانیه‌ی، حمایت کامل خود را از اعتصاب رانندگان کامیون در ایران ابراز و با آنها اعلام همبستگی کرد. این بیانیه مقابل محل این سندیکا با حضور رئیس و ۲۰ تن از اعضای هیأت مدیره آن قرائت شد.

به گزارش رادیو فردا، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، به نیابت از طرف خود و چهار فدراسیون جهانی کارگری و صنفی با ۲۰۰ میلیون عضو، در نامه‌ای به خامنه‌ای خواسته شده که اتهامها علیه بازداشت شدگان در ارتباط با اعتصاب کامیونداران فوراً و بدون قید و شرط لغو و امنیت آنها تضمین شود.

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، فدراسیون آموزش بین‌الملل، اتحادیه بین‌المللی صنایع، فدراسیون بین‌المللی کارگران صنایع غذایی، کشاورزی و هتلداری در این نامه از کمیته آزادی انجمنها و کمیته استانداردهای سازمان بین‌المللی کار خواستند به حکومت ایران، مسئولیت‌هایش را در زمینه لزوم احترام به حقوق بنیادین صنفی و کنوانسیونهای آن سازمان یادآوری کنند.

یکی از بزرگترین اتحادیه‌های ترابری در ایالات متحده ضمن ابراز همبستگی با همکاران ایرانی شان با ارسال نامه‌ای به دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی در واشنگتن از حکومت ایران خواسته است تا شکایات آنها را شنیده و به خواسته‌های آنها رسیدگی کند.

روز آدینه ۲۰ مهر، اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، ماشینهای سنگین و ترانزیت برای بیست و یکمین روز ادامه یافت. روز شنبه ۲۱ مهر در دویست و نهمین نشست شورای عالی هماهنگی ترابری کشور پیشنهاد تعیین کرایه حمل و نقل جاده‌ای داخلی بار بر اساس تن-کیلومتر که یکی از مهم‌ترین خواسته‌های رانندگان کامیون بود پس از سالها تلاش کامیونداران به تصویب رسید. محاسبه نرخ کرایه بار بر اساس وزن و مسافت یکی از خواسته‌های رانندگان کامیون در دور جدید اعتصاب سراسری امسال بود. آنها پیش‌تر نیز در ماه‌های خرداد، مرداد و شهریور اعتصاب کرده بودند.

در همین روز تشکلهای کامیونداران با صدور اطلاعیه از «توقف موقت» اعتصاب خبر دادند.

خیزش کامیونداران و رانندگان ناوگان حمل و نقل جاده‌ای طی ۲۱ روز در ۳۸۱ محل در شهرها، شهرستانها و جاده‌ها از تمامی ۳۱ استان کشور گسترش یافت.

در جریان این جنبش پرتوان دستکم ۲۷۰ راننده در ۲۰ استان از سوی نیروهای سرکوبگر امنیتی از استانهای قزوین، البرز، تهران، اردبیل، اصفهان، خوزستان، فارس، آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری، کرمان، گلستان، کردستان، سمنان، کرمانشاه، زنجان، بوشهر، همدان، خراسان شمالی، خراسان رضوی بازداشت شدند.

برخی از کانونهای اصلی اعتصاب در شهرها، شهرستانها، جاده‌ها و پایانه‌های به ترتیب حروف فارسی به قرار زیر بود:

آباد، اصفهان، اراک، اسدآباد، ارومیه، ایلام، اهواز، اسدیه در استان خراسان جنوبی، امیرکبیر در استان اصفهان، اردکان، اردبیل، آمل، ابهر، اسلامشهر، اردستان، الیگودرز، اسلام آباد غرب، آبادان، آق‌قلا (استان گلستان)، ازنا، اسکله رجایی، اشترجان، ایذه، اندیمشک، بندرعباس، بوکان، بروجرد، بندرگز، بابک در استان کرمان، بیلوار کرمانشاه، بابک، برخوار، بندرگناوه، بندر امام، بوشهر، بندر خمینی، بندر خورموسی، تالش، بهشهر، برخوار، بابل، بردسیر، بندر ماهشهر، بستان آباد، بجنورد، باوی، بستان آباد، بیستون، پیربکران، تهران، تبریز، تاکستان، تیران، تایباد، تنگه‌زاغ، تنگه‌زاف در مسیر سیرجان، جهرم، جلفا، جاجرم، جویبار، چناران، جاده هرات به شهر بابک، جاده شهرگرد به بروجرد، چمگردان، چابهار، چاپپاره در استان آذربایجان غربی، حیدریه در استان قزوین، خرمشهر، خرم آباد، خمین، خمینی شهر، خسرو شاه، خوی، خاش، مرز خسروی دهقان، دزفول، داراب، درچه، دیهوک، درود، دالاهو، دیواندره، دلیرجان، دستتا (استان چهارمحال بختیاری)، دیزپچه، رشت، رومشکان در استان لرستان، رفسنجان، رضوانشهر، زاهدان، زرین شهر، زنجان، زرنده، زرقان، سنجند، ساوه،

سلفچگان، ساری، سیرجان، سبزووار، سمیرم، سپیدان، سربندر، سعادت شهر در استان فارس، سروستان، سقز، سوسنگرد، ساوج، شاپور جدید، شاهین شهر، شهرکرد، شیراز، شهرضا، شوش، شاهرود، شیروان، صالح آباد، ضیاآباد، طبس، علی آباد، فسا، فیروزآباد، فرخ شهر، فردیس، فیروزکوه، فولاد شهر، قروه، قهدریجان، قم، قزوین، قوچان، قصرشیرین در پایانه مرزی پرویزخان، قلعه شاخانی، کرمان، کرج، کاشان، کوار اکبرآباد (استان فارس)، کازرون، کنگاور، کاشمر، کوهدشت، کلاته رو، گرگان، گناباد، گرمه، گناباد، گل گهر، گرمسار، گنبد کاووس، گلپایگان، لردگان، عسلویه، لوشان، لنجان، مشهد، مهاباد، مبارکه، مرند، ملایر، مهر شهر کرج، مرودشت، ممسنی، میمند، مهریز، میبد، میمه، مرز میرجاوه، محمودآباد، مشکات، محلات، میانه، نورآباد ممسنی، نیشابور، نوشهر، نکا، نهاوند، نجف آباد، نطنز، نی ریز، نایین، نیشابور، نقده، نهبندان، ماهیدشت، ورزنه، همدان، هرسین، هرنه و یزد

در مجموع با محاسبه تکرار و تعدد مکانهای اعتصابی در برخی از شهرها و محورها، این اعتصاب حدود ۳ هزار روز را شامل می شود.

برخی از حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار

*بامداد روز سه شنبه ۳ مهر، گروهی از کارگران شرکت تعاونی «وفای سپهر» وابسته به موسسه خیریه سپهر بَم در اعتراض به بلا تکلیفی وضعیت شغلی خود، مقابل دفتر مدیریت شرکت دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، بعد از زلزله در شهرستان بَم، تعدادی از زنان و مردانی که دچار ضایعات نخاعی جسمی شدید شده بودند از سوی موسسه خیریه سپهر در یک کارگاه تولیدی وابسته به همین موسسه به نام شرکت تعاونی «وفای سپهر بَم» به کار گرفته شدند. اصلی‌ترین مشکل این واحد تولیدی وصول نشدن مطالباتش از یک شرکت بزرگ خودروسازی است. کارگران معترض گفتند؛ مسئولان دولتی نباید نسبت به وضعیت وخیم اقتصادی کارگران بیکار و بلا تکلیف این کارخانه که دارای شرایط جسمانی و روحی خوبی نیستند، بی تفاوت باشند.

*جمعی از نمایندگان کارکنان تعاونی سهام عدالت کشور بامداد روز یکشنبه ۱ مهر با سفر به تهران برای بار چندم مقابل ساختمان سازمان خصوصی سازی تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این گروه از کارگران که از نقاط مختلف کشور برای پیگیری وضعیت شغلی و مطالبات معوقه خود عازم تهران شده اند، می گویند: حدود ۱۵۰۰ نفر هستیم که پس از ۱۱ سال فعالیت در دفاتر شرکت‌های تعاونی سهام عدالت، هنوز وضعیت شغلی مان مشخص نیست و در عین حال به دلیل پرداخت نشدن حدودا ۴۲ ماه از مطالبات مزدی مان در وضعیت بد معیشتی قرار داریم.

روز دوشنبه ۲ مهر، نمایندگان کارکنان تعاونی سهام عدالت کشور همراه با خانواده های شان برای دومین روز متوالی در مقابل ساختمان خصوصی سازی تجمع کردند.

کارگران یکشنبه شب به همراه خانواده های شان در خیابان ماندند.

تجمع اعتراضی کارکنان دفاتر سهام عدالت از بامداد روز چهارشنبه ۴ مهر وارد چهارمین روز شد.

*به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، جمعی از جوانان جویای کار آبدانی روز پنجشنبه ۵ مهر، با تجمع مقابل در ورودی فاز ۲ پالایشگاه آبادان خواستار استغال نیروی بومی بیکار در این واحد صنعتی شدند. معترضان گفتند؛ باوجود برخورداری جوانان این منطقه از مدرک دانشگاهی، آنها سهمی در واحدهای تولیدی و نفتی منطقه ندارند.

*روز دوشنبه ۲ مهر، کارگران «تولی پرس» و «بسته بندی البرز» در تهران در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق، تعطیلی شرکت و قطع کردن مزایای پرسنل برای سومین روز متوالی در محوطه کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، کارگران شرکت تولی پرس طی ماههای اخیر در ۹ تیر، ۲۷ مرداد و ۱۰ شهریور تجمع اعتراضی داشته اند.

عصر روز دوشنبه بعد از گذشت سه روز اعتصاب و تجمع مدیریت کارخانه در جمع معترضان حاضر شد و با گوش دادن به سخنان و مشکلات آنان، وعده پیگیری مطالبات آنها را تا چند روز آینده داد و کارگران به طور موقت به اعتصاب خود پایان دادند.

روز شنبه ۷ مهر، کارگران معترض دو کارخانه تولی پرس و بسته‌بندی البرز بار دیگر در محوطه کارگاه دست به تجمع زدند.

*روز یکشنبه ۸ مهر، کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن، برای دومین روز متوالی در اعتراض به عملی نشدن پرداخت مطالبات معوقه، دور جدید تجمع اعتراضی خود را آغاز کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض که دستکم دو ماه معوقات مزدی به همراه بیمه و سنوات خود را از کارفرما طلبکارند، خواستار دریافت مطالبات مزدی شان هستند.

*روز یکشنبه ۸ مهر، کارگران پیمانی فضای سبز منطقه ۸ شهرداری اهواز که طی چند ماه گذشته حقوق نگرفته اند، برای دومین روز متوالی مقابل ساختمان مرکزی شهرداری اهواز و استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری در منطقه هشت شهر اهواز مشغولیم اما در نتیجه بی توجهی مدیران این شرکت حدود سه ماه مزد معوقه از کارفرما طلبکاریم.

*کارگران گروه ملی فولاد اهواز روز سه شنبه ۱۰ مهر، در داخل شرکت دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران این مجموعه دستمزد ماههای تیر و مرداد و شهریور را طلب دارند و مدیریت شرکت با وجود راه اندازی تولید و فروش محصولات تولید شده، دستمزد کارگران را پرداخت نمی کند.

*به گزارش گونا تی وی، روز سه شنبه ۱۰ مهر، جمعی از کارگران پیمانکار پایانه خط یک مترو تبریز دست به اعتصاب زدند. دلیل این اعتصاب عدم دریافت حقوق اعلام است. کارگران می گویند؛ حدود شش ماه است که کار می کنند اما حقوقی دریافت نکرده اند. ماموران نیروی سرکوبگر انتظامی به منظور عدم گسترش تجمع و اعتراض، کارگران را به زور وادار کردند تا در داخل کارخانه تجمع داشته باشند.

*روز چهارشنبه ۱۱ مهر، کارگران «احیا صنعت» واگن پارس اراک در اعتراض به عدم دریافت مطالبات شان، برای دومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند و مقابل استانداری در این شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، علت این تجمع اعتراضی کارگران این شرکت، نتایج مزایده ای است که در انتقال سهام این شرکت انجام شده است. کارگران می گویند؛ شرکتی که مزایده ی این شرکت را برنده شده، صلاحیت اداره این شرکت و رفع مشکلات کارگران را ندارد.

*روز یکشنبه ۱ مهر، ۹۰ خانوار ساکن زمینهای کارخانه شماره ۵ ونک مقابل شورای بیش از ۷۰ سال در خانه های این محدوده زندگی می کنند، به دلیل تخریب برخی از منازل شان، مقابل شورای شهر تجمع کردند. یک پیرمردی ۸۰ ساله که از قدیمی ترین ساکنان این محدوده است گفت: از حقوق سالیانه ما بابت این خانه ها کم شده و زمانی که آلمانیها این خانه ها را برای ما ساختند، کارخانه به ما نگفت «شما به طور موقتی اینجا هستید» بلکه بنچاق این خانه ها را نیز به ما داد. روز چهارشنبه ۱۱ مهر: جمع زیادی از ۹۰ خانوار در ده ونک در تهران به اعتراض به تخریب خانه های شان برای واگذاری به دانشگاه الزهرا بار دیگر دست به تجمع زدند. آنان دست به راهپیمایی زدند و شعار می دادند: دانشگاه الزهرا ننگت باد/حتی اگر بمیرم خونه مو پس می گیرم

*روز شنبه ۱۴ مهر، کارگران خط آهن حوزه سرخس در برابر فرمانداری این شهر مرزی در استان خراسان رضوی در اعتراض به تعویق چندماهه حقوق شان و عدم پرداخت حق بیمه تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران پیش از این نیز همراه با دیگر کارگران خط آهن دست به اعتراض زده بودند.

*روز شنبه ۱۴ مهر، کارگران اداره آب و فاضلاب روستایی استان خوزستان در اعتراض به پرداخت نشدن ۷ تا ۱۲ ماه مزد خود، مقابل ساختمان اداره کل آب و فاضلاب روستایی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: مطالبات صدها نفر از کارگران شبکه آب و فاضلاب روستایی استان خوزستان چند ماه است پرداخت نشده و ما بارها خواستار پرداخت این مطالبات شده ایم.

*روز شنبه ۱۴ مهر، رانندگان تاکسی خطی و گردشی و تلفنی در مهاباد در اعتراض به کم بودن نرخ کرایه ها برای دومین بار طی یک هفته، دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایران آزادی، اعتصاب رانندگان تاکسی موجب کندی عبور و مرور شد و شهر در اولین روز هفته حالت تعطیلی به خود گرفت.

*روز چهارشنبه ۱۱ مهر، کشاورزان طرف قرارداد شرکت قند شوش در اعتراض به تغییر افت و عیار محصول خود بدون اطلاع آنان و همچنین پرداخت نشدن تعهدات قرارداد شرکت قند در واریز وجه محصول، در مقابل این شرکت دست به تجمع زدند. به گزارش کانال تلگرام اتحاد، روز یکشنبه ۱۵ مهر، کشاورزان چغندر کار شوش در اعتراض به عدم اجرای مفاد قرارداد با شرکت قند، برای دومین بار جلوی درب شرکت را گرفته و با مسدود کردن راه و تجمع اعتراضی شان، مانع ورود و خروج به این شرکت شدند.

*بامداد روز شنبه ۱۴ مهر، کارگران شهرداری شادگان دست از کار کشیدند و در برابر در ورودی ساختمان شهرداری دست به تجمع زدند. به گزارش خوزستان نیوز، این نخستین باری نیست که کارگران شهرداری شادگان دست به تجمع می زنند. آنها ۲۳ اردیبهشت سال جاری نیز در اعتراض به پرداخت نشدن ۹ ماه حقوق خود در برابر شهرداری دست به اعتراض زدند. کارگران شهرداریها که عموماً با شرکتهای پیمانکاری قرارداد دارند، در بسیاری از نقاط ایران از جمله شهرهای مختلف استان خوزستان بارها نسبت به عقب افتادن حقوق شان دست به اعتراض زده اند. روز یکشنبه ۱۵ مهر، کارگران خدمات شهری شهرداری شادگان در اعتراض به پرداخت نشدن ۸ ماه حقوق و مزایای خود درب ورودی شهرداری را مسدود کردند.

شادگان در فاصله ۷۵ کیلومتری اهواز مرکز استان خوزستان قرار دارد.

*عملی نشدن وعده های مسئولان در رسیدگی به مشکلات کهریز در استان کرمانشاه موجب شد تا «کهریزیها» در روز دوشنبه ۱۶ مهر برای چندمین بار مقابل استانداری تجمع کنند. به گزارش مهر، حدود یک ماه پیش بود که مسئولان شهرداری و شورای شهر در پی اعتراض و تجمع ساکنان کهریز مقابل استانداری از این شهرک بازدید داشتند و در مورد زیرساخت های عمرانی وعده هایی دادند. کهریز علیا، روستایی از توابع بخش فیروزآباد شهرستان کرمانشاه در استان کرمانشاه است.

*کارگران پروژه های مختلف پارس جنوبی در عسلویه روز دوشنبه ۱۶ مهر در اعتراض به بخشنامه ممنوعیت اشتغال اقماری در این منطقه اعتصاب کرده و مقابل ساختمان اداره کار این منطقه تجمع کردند. براساس این بخشنامه کارگران شاغل در پروژه های نفت و گاز باید در عسلویه ساکن شوند. به گزارش رادیو زمانه، کارگران خواستار اجرای دقیق قانون کار، شفافیت در پرداخت دستمزدها و افزایش دستمزدها شدند.

مدیرعامل شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی که در عسلویه مستقر است اردیبهشت سال گذشته شمار کارگران شاغل در این منطقه را ۱۱ هزار تن اعلام کرده و گفته بود که شاغلان پارس جنوبی تا سال آینده (۱۳۹۷) به ۲۰ هزار نفر افزایش می‌یابد.

بیشتر این کارگران با قراردادهای موقت و به واسطه شرکتهای پیمانکاری تامین نیروی انسانی مشغول به کار هستند. دولت جمهوری اسلامی کارگران مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی را مشمول قانون کار نمی‌داند.

*بامداد روز شنبه ۱۴ مهر، کارکنان شاغل در دفاتر سهام عدالت به دلیل نامشخص بودن وضعیت شغلی و معوقات مزدی



خود مقابل ساختمان وزارت اقتصاد و دارایی واقع در میدان خمینی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارکنان سهام عدالت گفتند؛ مشکلات صنفی ما در نتیجه بی توجهی سازمان خصوصی سازی به کارکنان دفاتر سهام عدالت آغاز شده و هر یک از ما کارگران با چند سر عائله برای

چندمین بار برای دریافت حداقل مطالبات مزدی مان که به بیش از ۴۲ ماه رسیده از شهرستانهای دورافتاده برای اعتراض به تهران سفر کرده ایم، اما هنوز وضعیت شغلی و پرداخت مطالبات مزدی مان نامشخص است و تعداد زیادی از ما بعد از گذشت ۱۵ روز از آغاز مهر توانایی مالی برای ثبت نام و خرید لوازم تحریر فرزندان مان در مدرسه را نداریم. روز چهارشنبه ۱۸ مهر، اعتراض کارکنان سهام عدالت که از ۱۴ مهر مقابل ساختمان وزارت اقتصاد آغاز شده است، امروز پس از ۵ شبانه روز تجمع با وعده مسئولان وزارت اقتصاد خاتمه یافت.

*کارگران آب و فاضلاب روستایی آبادان روز سه شنبه ۱۷ آبان با تجمع مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان پرداخت ۱۱ ماه حقوق معوقه خود را مطالبه کردند. به گزارش ایرنا، چند تن از این کارگران گفتند: مطالبات بیش از ۳۰ نفر از کارگران شبکه آب و فاضلاب روستایی آبادان ۱۱ ماه است پرداخت نشده و بارها پرداخت این مطالبات را خواستار شدیم. کارگران معترض در دومین روز اعتراض خود، این بار مقابل ساختمان آب و فاضلاب روستایی این شهر تجمع و به نشانه اعتراض سفره خالی پهن کردند.

*کارگران کاشی میبد در استان یزد روز پنجشنبه ۱۹ مهر، مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کردند. کارگران معترض گفتند که ۴ ماه است حقوق و مزایای شان از سوی کارفرما پرداخت نشده است. به گزارش «میبد خبر» کاشی میبد از هفته گذشته کارگران را به «مرخصی اجباری» فرستاده است.

*به گزارش اردوی کار، روز آدینه ۲۰ مهر شماری از مردم در بهبهان به نشانه اعتراض در محل برگزاری نماز جمعه این شهر تجمع کردند. آنها بر روی یک پارچه نوشته بزرگ به عدم استخدام و اشتغال «جوانان تحصیلکرده بومی» اعتراض کردند. بهبهان یکی از شهرهای استان خوزستان به شمار می‌رود که نرخ بیکاری بالایی دارد. استان خوزستان در رتبه‌بندی نرخ بیکاری رسمی دولت جمهوری اسلامی سومین استان با نرخ بیکاری بالا است. این در حالی است که خوزستان یکی از منابع اصلی نفت و گاز ایران است.

*روز دوشنبه ۲۳ مهر، تجمع کارگران شرکت «کنتورسازی ایران» در شهرک صنعتی البرز در اعتراض به مطالبات معوقه از محدوده کارخانه به مقابل ساختمان استانداری قزوین انتقال یافت. به گزارش ایلنا، کارگران با بیان اینکه در انتقاد به بی توجهی مدیران کارخانه به پرداخت مطالبات خود، مسیر کارخانه تا ساختمان استانداری را راهپیمایی کرده اند، در ادامه گفتند: تا این لحظه از نتیجه اعتراض مان در مقابل استانداری نتیجه‌ای نگرفته ایم اما نمایندگان ما همچنان با مسئولان این نهاد دولتی در حال مذاکره هستند.

*به گزارش سینتا، بامداد روز دوشنبه ۲۳ مهر، بازنشستگان شرکت مخابرات ایران در استانهای مختلف در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، مطابق جدول رفاهی آیین نامه ی حقوق و دستمزد کارکنان و بازنشستگان شرکت مخابرات ایران مصوب سال ۱۳۸۹ بعد از خصوصی سازی مخابرات، در مقابل ساختمان مرکزی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تجمع کردند.

*روز سه شنبه ۲۴ مهر، ساکنان روستای چشمیدر از توابع سروآباد کردستان، نسبت به کمبود معلم در این روستا، سه روز متوالی فرزندان خود را به مدرسه نفرستادند تا به این ترتیب اعتراض خود را نسبت به کمبودهای آموزشی نشان داده باشند. به گزارش ایلنا، ساکنان این روستا گفتند؛ از مسئولان آموزش و پرورش درخواست داریم صدای ما را بشنوند و به آموزش کودکان روستایی به خصوص در مناطق محروم بیش از این اهمیت دهند.

*بامداد روز سه شنبه ۲۴ مهر، جمعی از بازنشستگان کشوری مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع بازنشستگان ارگانهای مختلف دولتی شرکت داشته و اعتراض اصلی شان پایین بودن مستمریها نسبت به خط فقر است. اجرای همسان سازی، اجرای دقیق قانون مدیریت خدمات کشوری و برخورداری از بیمه تکمیلی با کیفیت، از دیگر مطالبات بازنشستگان کشوری است.

یکی از شرکت کنندگان در این تجمع گفت: از فقر و بی پولی به ستوه آمده ایم. همزمان با این تجمع در برخی استانهای دیگر از جمله اصفهان نیز بازنشستگان کشوری و معلمان بازنشسته تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بر اساس فیلمهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی، آنها از جمله شعار می‌دادند: خط فقر شش میلیون، حقوق ما دو میلیون / فریاد فریاد از این همه بیداد / تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم / معلم زندانی آزاد باید گردد، محمد حبیبی آزاد باید گردد / مدعی عدالت خجالت خجالت / جای معلم زندان نیست

*بامداد روز دوشنبه ۲۳ مهر، کارگران اداری و موتوری شهرداری شوشتر در اعتراض به چند ماه از معوقات مزدی خود دست از کار کشیده و در محوطه شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل تجمع این کارگران پرداخت نشدن دستکم شش ماه از معوقات مزدی است. روز سه شنبه ۲۴ مهر، اعتراض کارگران واحد موتوری و اداری شهرداری شوشتر با همراهی کارگران فضای سبز گسترده تر شد. روز چهارشنبه ۲۵ مهر، کارگران شهرداری شوشتر سومین روز

اعتصاب خود را مقابل ساختمان شهرداری ادامه دادند. یکی از کارگران شهرداری شوستر گفت؛ از فروردین ماه تاکنون مزدی به ما پرداخت نشده است.

*کارگران پالایشگاه نفت سنگین قشم در اعتراض به پنج ماه معوقات دستمزد و مزایا، روز چهارشنبه ۲۵ مهر دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. به گزارش رادیو زمانه،

پروژه نفت سنگین قشم در منطقه آزاد قشم، واحد تولیدی ای است که با تبدیل نفت خام سنگین به محصولات دیگر مانند نفت خام سبک و قیر قرار است سوددهی بالایی داشته باشد. این پروژه از ابتدا در بخش اجرایی به بخش خصوصی واگذار شد. پژوهشگاه صنعت نفت طراح پروژه بود و شرکت «پتروپی» پیمانکار اجرایی اولیه آن بود که اکنون آن را به شرکت «عمران رهگذر زاگرس» واگذار کرده است.

کارگران پالایشگاه نفت سنگین قشم به دلیل اینکه در منطقه آزاد قشم مشغول به کار هستند، مشمول حمایت‌های قانون کار نیستند و در این منطقه کارفرمایان قدرت بیشتری برای محدود کردن حقوق و مزایای کارگران دارند. کارگران منطقه آزاد قشم، تحت پوشش «مقررات اشتغال نیروی انسانی در مناطق آزاد» هستند که به شکل سیستمی به بهانه توسعه اقتصادی و رونق اشتغال، حقوق آنها مدام نقض می‌شود.

*روز چهارشنبه ۲۵ مهر، اعتصاب کارگران آب و فاضلاب لالی خوزستان در اعتراض به پرداخت نشدن ۷ ماه حقوق شان برای سومین روز متوالی ادامه یافت. به گزارش رادیو زمانه، کارگران اعتصابی به اخراج از محل کار تهدید شده‌اند. پیشتر نیز کارگران آب و فاضلاب روستایی آبادان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای شان تجمع کرده بودند. کارگران شرکت آب و فاضلاب شهری و روستایی در بیشتر مناطق ایران به واسطه شرکت‌های تامین نیروی انسانی اشتغال دارند.

*آتش نشانان شهرداری شادگان روز شنبه ۲۸ مهر، با تجمع مقابل استانداری خوزستان خواستار رسیدگی به وضعیت مطالبات مزدی خود شدند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند؛ تا این لحظه حدود ۹ ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده، طلبکاریم. در طول این چندماه به خاطر وعده‌هایی که از طرف مدیران شهری مبنی بر پرداخت حقوق‌های معوقه خود دریافت کرده بودیم، به کار خود در این مجموعه ادامه دادیم.

*روز چهارشنبه ۲۵ مهر، اعتصاب کارگران شهرداری مسجد سلیمان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان، برای پنجمین روز متوالی ادامه یافت. به گزارش ایلنا، کارکنان شهرداری ۴ روز است که در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه معوقات مزدی شان دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند. از قرار معلوم شهرداری شوستر قبول کرده است که بعد از کسر مالیات بر ارزش افزوده مطالبات مزدی کارگران را پرداخت کند.

روز شنبه ۲۸ مهر، اعتصاب کارگران شهرداری مسجد سلیمان برای هفتمین روز متوالی ادامه یافت.

*روز یکشنبه ۲۹ مهر، جمعی از وانت بارهای پلاک عمومی شهر تهران با اجتماع در محل برگزاری انتخابات اتحادیه کارفرمایی صنف حمل و نقل بار سبک شهری تهران واقع در مصلی تهران خواستار رفع مشکلات صنفی خود شدند. به گزارش ایلنا، مسئول انجمن صنفی کارگری وانت بارهای شهر تهران در حاشیه برگزاری انتخابات هیات مدیره اتحادیه وانت بارها در مصلی تهران گفت؛ به نمایندگی از ۷ تا ۸ هزار راننده وانت بار پلاک عمومی شهر تهران به محل برگزاری انتخابات اتحادیه صنف حمل و نقل بار سبک شهری تهران در مصلی تهران آمده ایم تا به مشکلاتی که در نتیجه واگذاری مسئولیت حمل و نقل وانت بارها به بخش خصوصی ایجاد شده، اعتراض کنیم.

*رانندگان مینی بوس بامداد روز یکشنبه ۲۹ مهر، در اعتراض به عدم اختصاص طرح ترافیک سالانه و جریمه های دو میلیونی ورود به طرح ترافیک، مقابل ساختمان شورای شهر تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، به گفته رانندگان معترض در سال ۹۶ هر مینی بوس ملزم به پرداخت حدود ۹۰۰ هزار تومان برای خرید طرح ترافیک سالانه بود. این رقم در سالهای پیش کمتر بود اما در سال ۹۶ تا ۹۰۰ هزار تومان افزایش یافته بود که این امر مورد اعتراض و انتقاد رانندگان مینی بوس بود. رانندگان مینی بوس در اعتراض به اینکه در سال جاری طرح ترافیک به آنان تعلق نگرفته و ملزم به پرداخت جریمه های دو میلیونی شده اند، مقابل ساختمان شورای شهر تهران تجمع کردند.

*بامداد روز یکشنبه ۲۹ مهر مالکان مسکن مهر پردیس مقابل دفتر شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مالکان این واحدها که عموماً کارگران کم درآمد هستند، می گویند: هفت سال است منتظر تحویل واحدهای مسکونی خود هستیم اما هنوز که هنوز است، خانه دار نشده ایم. معترضان خواستار پاسخگویی دولت در این زمینه شدند.

*روز یکشنبه ۲۹ مهر، کارکنان شرکت ول سرویس ایران شعبه اهواز، شرکت حفاری چاههای نفت و گاز، که به مدت ۷ ماه حقوق و عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده اند دست به تجمع اعتراضی در محل شرکت زدند. به گزارش ایران آزادی، روی بنرهایی که کارکنان شرکت ول سرویس ایران روی درب شرکت نصب کرده بودند نوشته شده بود: ما پرسنل شرکت ول سرویس ایران شعبه اهواز نه تنها حمایت نشده ایم بلکه به دلیل عدم پرداخت حقوق، عیدی، پاداش و حق بیمه از طرف کارفرما شرمنده خانواده هایمان هستیم

اخبار کوتاه بر اساس تصویرها و ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی

دوشنبه ۲ مهر: تجمع بازرسان آرد و نان صنعت معدن و تجارت مقابل استانداری ارومیه/ اعتصاب نانوبایی های سردشت.
چهارشنبه ۴ مهر: تجمع رانندگان شرکت واحد عضو پروژه مسکن سپیدار دو و سه مقابل تعاونی مسکن در اعتراض به عدم تحویل خانه های شان./ تجمع مشتریان یکی از شرکتهای لیزینگ خودرو در تهران.
پنج شنبه ۵ مهر: بستن مجتمع سهند در خیابان فردوسی سنندج توسط بازاریان در اعتراض به کسادبازی بازار.
شنبه ۷ مهر: اعتصاب کارگران و کارمندان شهرداری آبادان به دلیل عدم پرداخت حقوق و دستمزد.
دوشنبه ۹ مهر: اعتصاب کارگران خدمات شهری شهرداری رامشیر در خوزستان/ لنج داران گناوه و بندر ریگ در اعتراض به افزایش نرخ سوخت مقابل استانداری بوشهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.
پنجشنبه ۱۲ مهر: کارگران شرکت همگامان مس سرچشمه کرمان در اعتراض به چندین ماه حقوق معوقه خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

شنبه ۱۴ مهر: اعتصاب شرکت سرریگ بندرعباس، به علت عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و دستمزد.
یکشنبه ۱۵ مهر: پرسنل شرکت آب و خاک پارس مجری پروژه بزرگراه سقز بوکان در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود در چند ماه گذشته اعتصاب کردند.

چهارشنبه ۱۸ مهر: اعتصاب کارگران شهرداری بندر ماهشهر در دومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای چند ماهه/ تجمع کارگران شرکت دخانیات علی آباد کتول واقع در استان گلستان در دومین روز.

آدینه ۲۰ مهر: تجمع اعتراضی رانندگان تاکسی ساری به دلیل پایین بودن کرایه و زیاد بودن کمیسیون صورت وضعیت.
یکشنبه ۲۲ مهر: کارگران سازمان عمران شهرداری اصفهان در اعتراض به تعویق ۶ ماهه پرداخت حقوق شان مقابل شهرداری اصفهان تجمع کردند.

دوشنبه ۲۳ مهر: اعتصاب کارگران خوراک دام نیشکر هفته تپه./ تجمع رانندگان تاکسی خط الوند قزوین در اعتراض به صدور غیرقانونی مجوز یک تاکسی برای خط الوند قزوین در تهران.

سه شنبه ۲۴ مهر: اعتصاب کارگران در صنایع فولاد شادگان خوزستان در اعتراض به نپرداختن ۴ ماه حقوق. / تجمع کارگران و رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اعتراض به دروغ پردازی کارگزاران و مدیریت شرکت مینی بر پرداخت مطالبات معوقه کارگران و رانندگان / تجمع تاکسیرانهای زنجان مقابل استانداری. / تجمع پرسنل تعاونی منحل واحد در مقابل ساختمان بانک مرکزی مشهد.

چهارشنبه ۲۵ مهر: تجمع بازنشستگان مشهد مقابل سازمان برنامه و بودجه.

پنج شنبه ۲۶ مهر: پرسنل شرکت عمران و نیرو به خاطر ۶ ماه حقوق عقب افتاده مقابل استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند.

شنبه ۲۸ مهر: ساکنان پروژه ۵۸ متری در اراک برای چندمین بار مقابل استانداری اراک تجمع کردند.

اعتصاب گسترده بازاریان

*بامداد روز دوشنبه ۱۶ مهر، با فراخوان از پیش تعیین شده، کسبه و اصناف گوناگون در تهران و برخی از شهرهای دیگر در اعتراض به مشکلات اقتصادی نظیر بی ثباتی نرخ ارز، گرانی، فقر، بیکاری، رکود بازار و افزایش نرخ تورم اعتصاب کردند. در تهران بازارهای فرش فروشان، سکه، پاساژها و مغازه داران غرب تهران، مغازه داران و پاساژهای خیابان کارگر جنوبی مغازه های خود را باز نکردند.

همچنین در شهرهای مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز، کرمانشاه، رشت، سنندج، زاهدان، ارومیه، کرج، گرگان، زنجان، اراک، بانه، مریوان، سقز، پاره، برازجان، کازرون، کنارک، چابهار، هیرمند، میاندوآب، آذرشهر، مراغه، شهرضا، مبارکه، کازرون، بندر ترکمن، کرج، مغان، بندرگنابه، ابهر، رفسنجان، سردشت، پیرانشهر، ایرانشهر، سراوان و ... بازاریان دست به اعتصاب زدند. بر اساس ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی، اعتصاب برخی از بازاریان در استان کردستان وسیع تر بوده و برخی از مغازه داران بانه و سقز هم مانند سنندج به این اعتصاب پیوسته اند. آژانس خبری موکریان هم وقوع اعتصاب در سنندج و سقز را تایید کرده است. حرکت اعتراضی بازاریان در ۴۰ شهر صورت گرفت.

*به گزارش رادیو زمانه به نقل از کانالهای خبری فعالان عرب در خوزستان، طلافروشان بهبهان روز شنبه ۲۱ مهر دست به تحصن زدند. دلیل اعتراض طلافروشان در بهبهان نبود امنیت است. پنجشنبه شب ۱۹ مهر یک مغازه طلافروشی این شهر هدف سرقت مسلحانه واقع شد.

*به گزارش ایلنا، ظهر روز سه شنبه ۲۴ مهر، همزمان با برگزاری جلسه علنی شورای شهر تهران، جمعی از مالکان و کاسبان پاساژ نصر در مقابل ساختمان شورای شهر تهران تجمع کردند. اعتراض این افراد مربوط به نمازخانه مجتمع نصر است که در زمینهای این افراد احداث شده و آنان خواستار آن هستند که زمینهای شان آزاد شود.

حرکتهای اعتراضی غارت شدگان

اعتراض غارت شدگان موسسه های مالی و اعتباری از دو سال پیش آغاز شد. دولت و بانک مرکزی پرداخت مطالبات سپرده گذاران از طریق بانکهای دولتی و خصوصی را متعهد شدند. اما تاکنون به این تعهد خود به طور کامل عمل نکرده اند.

برخی از حرکتهای اعتراضی غارت شدگان در مهر ماه به قرار زیر است.

دوشنبه ۲ مهر: تجمع غارت شدگان در رشت با شعارهای مرگ بر آقا و آقازاده، مرگ بر نکبت و نکبت زاده، مرگ بر انگل و انگل زاده

سه شنبه ۳ مهر: تجمع غارت شدگان کاسپین مقابل بیدادسرای پولی و بانکی در خیابان فاطمی با شعارهای پلیس بیا دزد و بگیر، غارتگری، اختلاس، شعار دولت ماست

چهارشنبه ۴ مهر: تجمع غارت شدگان موسسه تعاونی «نهال نشان البرز» مقابل استانداری البرز. شمار سپرده‌گذاران این موسسه ۳ هزار و ۳۹۲ تن و ارزش سپرده آنان ۴۲ میلیارد تومان اعلام شده است.

یکشنبه ۸ مهر: تجمع غارت شدگان مجتمع آدینه در رشت / تجمع غارت شدگان موسسه البرز در تهران مقابل سازمان مرکزی تعاون روستایی / تجمع غارت شدگان ایران خودرو مقابل وزارت صنعت و معادن در تهران.

دوشنبه ۹ مهر: تجمع سپرده‌گذاران کاسپین برای چندمین بار، این بار مقابل مجلس. معترضان دستنوشته‌ای همراه داشتند که بر آن نوشته شده بود: «صدا و سیما دست دزدان است».

چهارشنبه ۱۱ مهر: تجمع غارت شدگان مؤسسه کاسپین در مشهد مقابل شعبه وکیل آباد (سروش) این مؤسسه.

دوشنبه ۱۶ مهر: تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین در شهر رشت.

سه‌شنبه ۱۷ مهر: تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین در تهران

آدینه ۲۰ مهر: تجمع سپرده‌گذاران کاسپین رشت مقابل مصلاي رشت

شنبه ۲۱ مهر: تجمع غارت شدگان سایت طلای ثامن برابر ساختمان واحد اجرایی قوه قضائیه در تهران.

دوشنبه ۲۳ مهر: تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین در تهران و رشت / تجمع غارت شدگان شرکت پرشین پارس مقابل بیدادسرای عمومی و ضد انقلاب تهران

شنبه ۲۴ مهر: غارت شدگان کاسپین مقابل بانک مرکزی در خیابان میرداماد تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شنبه ۲۸ مهر: تجمع اعتراضی غارت شدگان سکه ثامن مقابل بیدادسرای عمومی رژیم / تجمع غارت شدگان تعاونی کوی فرزانه (فاز یک) در شهرستان قدس در اعتراض به غارت پولهای شان و تحویل ندادن واحدها مقابل فرمانداری رژیم در این شهر / تجمع تعهدنامه داران و سهامداران پدیده شان‌دیز با شعار: پدیده رو بفروشید پول ما رو پس بدین - پدیده رو چه کردن، لاشخورا دوره کردن

دوشنبه ۳۰ مهر: تجمع سپرده‌گذاران کاسپین رشت با شعارهای «کلیدساز دروغگو، دولت تدبیرت کو؟» دزدا پول رو بردن جرم به ما چسبوندن،



تبهکاری در ایران، ریاکاری برای قتل جمال خاشقجی

مهدی سامع

با دیدن خبر ترور جنایتکارانه و فجیع دکتر فرشید هکی و دلسوزی ریاکارانه کارگزاران ولی فقیه در مورد قتل بی رحمانه جمال خاشقجی یک بار دیگر سیمای تزویر و حقه بازی رژیم ولایت فقیه در مقابل چشم همگان قرار گرفت. بدون تردید قتل روزنامه نگار عربستان، تعلل در مورد آمران و عاملان آن و پنهان کردن جسد وی یک جنایت آشکار است که به درستی از طرف افکار عمومی و جامعه جهانی محکوم شده است. اما دلسوزی حاکمان تبهکار ایران در این مورد یک حقه بازی بی دنده و ترمز است. چرا؟

ابعاد کلان جنایتهای استبداد دینی حاکم بر ایران در حق مردم ایران بر کسی پوشیده نیست و بیلان برملا شده آن در حد دهها کتاب قطور است. تنها قتل روشنفکران و فعالان مدنی که در رسانه‌ها از آن به عنوان قتل‌های زنجیره‌ای یاد می‌شود و آخرین آن ترور بی رحمانه زنده یاد فرشید هکی است و ترور چند صد فعال سیاسی و اجتماعی در خارج از ایران، برای نامگذاری رژیم جمهوری اسلامی به عنوان رکورددار جنایت علیه بشریت کافی است. مَلاهای حاکم بر کشور ما بی محابا انسانها را به قتل می‌رسانند، مُثله می‌کنند و جسد‌های آنان را می‌سوزانند و یا دور از چشم خانواده‌های قربانیان دفن می‌کنند و همزمان از تقوا و عدالت دم می‌زنند. بسیاری از قربانیان تبهکاریهای رژیم ولایت فقیه، به ویژه در دوران ولایت خامنه‌ای، کسانی بوده‌اند که در چارچوب نظام برای برخی از حقوق پایمال شده مردم مبارزه می‌کردند.

مزدوران ولی فقیه دانشمندان و فعالان مدافع محیط زیست که رفتار مخرب و چپاولگرانه سپاه منفور پاسداران در مورد آب و خاک و جنگلهای ایران را رصد می‌کردند، بازداشت می‌کنند و زنده یاد کاووس سید امامی را در زندان به قتل می‌

رسانند و ادعا می کنند که او خودکشی کرده است. حکومت همه پیمانهای بین المللی در مورد حقوق بشر را زیر پا لگد می کند و خروج نابجای آمریکا از شورای حقوق بشر سازمان ملل را ریاکارانه زیر سوال می برد. آخرین نمونه از این تزویر، قتل یک فعال سیاسی اجتماعی است.



دکتر فرشید هکی ۴۶ ساله، وکیل دادگستری، حامی کودکان کار و خیابان، زنان تن فروش، کارتن خوابها، زندانیان سیاسی و عضو کمپین محیط زیستی حمایت از زاگرس مهربان (صدای پای آب) را در روز چهارشنبه ۲۵ مهر به قتل می رسانند، پیکر او را می سوزانند و سپس دهها خبر ضد و نقیض پیرامون این جنایت منتشر می کنند بدون آن که با صراحت اعلام کنند که او را به قتل رسانده اند.

فرشید هکی مشاور علمی مجله «بررسیهای اقتصادی» بود و مدیر مسئول این رسانه که خبر قتل او را برای اولین بار منتشر کرد گفته است که؛ او در نزدیکی

منزل اش مورد حمله افراد ناشناس قرار گرفته و پس از وارد شدن تعداد زیادی ضربات چاقو، جسد ایشان را سوزانده اند. رئیس پلیس تهران ادعا می کند که؛ پزشکی قانونی صریحاً اعلام کرد فرشید هکی خودسوزی کرده است و پزشکی قانونی این خبر را تکذیب می کند.

محمد مقیمی وکیل خانواده فرشید هکی اعلام کرد: «قتل دکتر هکی از جمله قتلهای مشکوک می باشد و باید دستگاههای قضایی و انتظامی عوامل آن را شناسایی، معرفی و محاکمه نمایند. تا آنجا که اینجانب به عنوان یکی از وکلای اولیای دم ایشان اطلاع دارم، شواهد و سرنخهای مهمی وجود دارد که قطعاً می توان عاملان را به دست عدالت سپرد.»

فرشید هکی قصد داشت حزبی به نام «پیشتازان عدالت» تاسیس کند اما نتوانست مجوز دریافت کند. او در ادعا نامه خود می نویسد: «اینجانب فرشید هکی (حقوقدان و اقتصاددان، نویسنده و پژوهشگر دانشگاهی در حوزه ی حقوق، توسعه و اقتصاد سیاسی) از سال ۸۸ تا سال ۱۳۹۷ خورشیدی، طی ده مورد طرح درخواست اخذ مجوز تاسیس رسمی حزب در چارچوب قانون احزاب و آرمانهای قانون اساسی را از وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب داشته ام. تحت عناوین مختلف و هر بار چند مرحله طرح در کمیسیون احزاب وزارت کشور که مجموعاً ده دفعه پله های قانونی مسیر وزارت کشور را طی طریق کرده ایم. اما متأسفانه بر خلاف قانون و علیرغم عدم وجود هیچ دلیل قانونی و موجه و حتی بدون ارائه ی دلیل، هم در دولت آقای احمدی نژاد و هم در دولت آقای روحانی از صدور مجوز رسمی و قانونی برای تاسیس حزب توسط اینجانب، مورد موافقت کمیسیون احزاب وزارت کشور قرار نگرفته و از ثبت و تاسیس قانونی حزب توسط ما که آخرین آن تحت عنوان حزب پیشتازان عدالت و حقوق ایرانیان بوده است خودداری گردیده است.» وی در پایان نتیجه می گیرد که: «اینک در سال ۱۳۹۷ به عنوان فرزندی کوچک در مسیر عدالت خواهی و حق طلبی و توسعه انسانی جامعه بعد از ده بار آزمون و بعد از گذشت ده سال از اولین فاز این مسیر تشکل یابی اجتماعی- سیاسی، تحت عنوان جدید حزب پیشتازان عدالت و حقوق ایرانیان با مسئولیت حقوقی اینجانب، اعلام می دارم که پرونده ی درخواست تاسیس حزبی رسمی از طرف ما که جریانی مردمی و مستقل از جناحهای حکومتی بودیم با مخالفت مواجه گشته است و این مطالبه ی قانونی و حق شهروندی ما نقض صریح و آشکار گردیده است. به همین دلایل پرونده ی درخواست تاسیس حزب رسمی از وزارت کشور را خاتمه یافته اعلام می کنم.»

آخرین نوشته زنده یاد فرشید هکی روشن کننده کینه خامنه ای و مزدوران او از این فعال سیاسی و مدنی است. او می نویسد: «مردم ایران چیزی برای از دست دادن به جز زنجیرهای شان ندارند. اکنون در اوایل پاییز نود و هفت با قاطعیت و با استناد به تمام شاخصهای اقتصادی- اجتماعی و نارضایتی عمومی می توان این تعبیر طبقاتی مارکس برای طبقه کارگر را برای تمامیت مردم ایران (به جز غارتگران حاکم بر ساخت اقتصادی) به کار برد. مردم ایران دیگر به جز زنجیرهای شان چیزی برای از دست دادن ندارند. اعتصابات و اعتراضات صنفی نمونه ای از پیامدهای چنین وضعیت بحرانی است که در آن سیستم اقتصاد سیاسی دچار بحران عمیق ساختاری شده است و کارد از مغز استخوان مردم گذشته است.»

مردمی که کارد از مغز استخوان شان گذشته می دانند که رژیم حاکم با همه باندها و دسته بندیهای درونی آن و در راس آن ولی فقیه، مسئول فاجعه ای است که با آن در چالش هستند. به این حقیقت حسین مقصودی یکی از مجلس نشینان از سبزواری اعتراف می کند و می گوید: «آقای روحانی امروز مشکل کشور تحریمها نیست اف ای تی اف و برجام نیست، مشکل بی مدیریتی بی تدبیری شما و دولت شما می باشد مشکل عدم مدیریت و سو مدیریت و بی مدیریتی در کشور است مشکل عدم اعتماد مردم به نظام و رهبری و دوری و فاصله گرفتن از ارزشهای دهه ۵۷ است.» (رادپو فرهنگ، یکشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۷)

آری مساله اصلی تضاد آشتی ناپذیر مردم با «نظام و رهبری» است و چون حاکمیت و به ویژه خامنه ای به خوبی از این موضوع آگاه است، برای از میان برداشتن فعالان اجتماعی، به ویژه آنهایی که توان سازماندهی مستقل از حاکمیت را دارند، اقدام می کند. برای همین است که برای قتل آرش صادقی از طریق فشار مداوم و عدم رسیدگی بهداشتی برنامه ریزی می کند. برای همین است که هاشم خواستار را می رباید و برای همین است که ماشین سرکوب و ترور اش از حرکت مداوم باز نمی ایستد.

خطاب به جنایتکاران و در راس آن خامنه ای این شعر زنده یاد رفیق خسرو گل سرخی را باید گفت:

گیرم که می کشید

گیرم که می برید

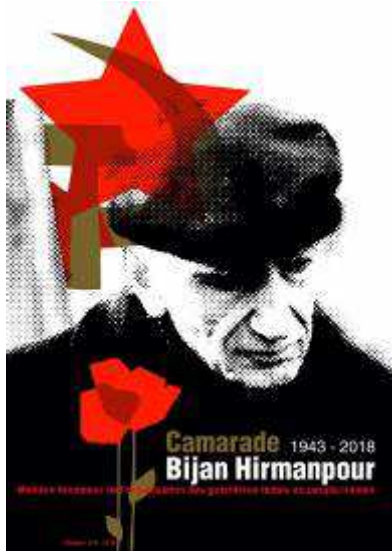
گیرم که می زنید

با رویش ناگزیر جوانه ها چه می کنید؟



در سوگ فقدان رفیق بیژن هیرمن پور

با تاسف بسیار در روز جمعه ۹ شهریور رفیق بیژن هیرمن پور درگذشت. رفیق بیژن از اولین فعالان و کادرهای جنبش پیشتاز فدایی بود که مبارزه و کار تشکیلاتی را در گروه رفقا احمرزاده - پویان آغاز کرد و نقش برجسته ای در تدوین و تنظیم تئوری مبارزه مسلحانه به عهده گرفت. زنده یاد رفیق هیرمن پور قبل از حماسه سیاهکل دستگیر شد و زیر شکنجه های زیاد قرار گرفت. رفیق بیژن با وجود نابینایی ذهنی فعال، دانشی ژرف و حافظه ای کم نظیر داشت. وی با وجود ظاهر آرام، درونی پرشور در مبارزه علیه دو دیکتاتوری تاریخ معاصر ایران داشت و مبارزی آشتی ناپذیر علیه دیکتاتوری سلطنتی و استبداد دینی بود و هیچگاه سر سازش با ستمگران و استثمارکنندگان نداشت.



بیژن هیرمن پور پس از سرکوبهای خونین دهه ۶۰ آمد و به فعالیت سیاسی و تئوریک خود ادامه داد. او کمونیستی مومن و مبارزی پیگیر علیه استبداد، ستم و استثمار بود.

آخرین وداع با رفیق بیژن هیرمن پور در روز جمعه ۶ مهر طی مراسمی پرشور با حضور جمع کثیری از فعالان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در گورستان «بورلارن» در حومه پاریس صورت گرفت. از طرف خودم و رفقای در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران فقدان رفیق بیژن هیرمن پور را به خانواده او و به همه آزادیخواهان تسلیت می گویم.

مهدی سامع

مهر ۱۳۹۷

شهدای فدایی در آبان ماه

رفقای فدایی: سیروس سپهری - شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - محمدرضا چمنی - علی دبیری فرد - محمد رحیم



رفیق شهید سوزان نیکزاد

خدادادی - بهنام موحد - عثمان کریمی - هادی اشکانی - داود مدائن - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - مجید راشدی - مهران محمدی - مجید شریفی - ابراهیم شریفی - داریوش مولوی - منیژه طالبی - جهان بخش طغیانی - عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه - مرتضی فخر طباطبایی - عبدالله فیض الله بیگی - عبدالرضا نصیری مقدم - سوزان نیکزاد - هوشنگ والی زاده - عزیز پور احمدی - علی بهروزی - عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی - منصور اسکندری تربقانی - علی اصغر غلامی - عثمان کریمی - محمد حسین خادمی - نصرت رئیسی - علی برنشان - محمد قادری - مینا سهیلی زاده - ناصر شادنژاد - احمد پیل افکن - مظفر قادری - عبد الله کردستانی - حسین رکنی - مهین جهانگیری - علی رضا شفیعی - علی اصغر ذاکری - فرج الله نیک نژاد - هوشنگ احمدی - هادی اشکانی - پرویز کرمی - محمد جلیلوند - جهانشاه نجفی - ژیلارجایی - محمد بهرامی - علی ململی - چگنی - رضا مستعان - مسعود شریفیان - حسن جمالی - علی مولائی و... از سال ۵۰ تا کنون در آبان ماه در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق PayPal
به آدرس **bedostan@gmail.com**

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 404 / 23 October 2018

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 - 1 euros

NABARD / B.P. 77 / 91130 Ris orangis / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E - KHALGH in Telegram /// @nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook ///// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>